

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان(بررسی موردی ده فرهنگ لغت عربی)

دکتر هدیه جهانی*

دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

۷۷ دکتر وحید سبزیان‌پور

استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

چکیده

زبان فارسی بیش از هر فرهنگ و زبان دیگری بر زبان و فرهنگ عربی تأثیر گذاشته است. بررسی واژگان معرب از فارسی به عربی درده قاموس بزرگ «العين، جمهرة اللغة، تهذيب اللغة، الصحاح، المحكم، أساس البلاغة، المعرب، لسان العرب، تاج العروس والألفاظ الفارسية المعربة» ودسته‌بندی انواع مختلف این واژگان نشان از غلبة فرهنگ فارسی نسبت به دیگر فرهنگ‌های تأثیرگذار بر فرهنگ عربی، آگاهی فرهنگ‌نویسان به زبان و فرهنگ فارسی و غنای زبان و ادبیات فارسی بویژه در حوزه‌های شهری دارد. این پژوهش به ۱۷۰۵ امواژه بدون تکرار در این قاموسها دست یافته که آنها در این جستار به ۳۷ دسته تقسیم شده است. اگر تکرار واژه‌ها در نظر گرفته شود تعداد این امواژه‌ها به بیش از ۳۵۰۰ واژه می‌رسد. این پژوهش گوشاهی از غنای فرهنگی و واژگانی زبان فارسی و فقر واژگانی و فرهنگی زبان عربی را به تصویر کشیده است. در این پژوهش با توجه به نقش برجسته واژه و زبان در تبادل فرهنگی به زاویه جدیدی از نفوذ فرهنگ و ادب ایرانی در ادب عربی اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: امواژه‌های فارسی در عربی، معربات از فارسی، لغات فارسی در عربی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۳/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰

* نویسنده مسئول: hediehjahani@yahoo.com

مقدمه

رابطه زبان و فرهنگ از دیرباز مورد توجه فیلسوفان، جامعه‌شناسان و زبانشناسان بوده است. ارتباط زبان و فرهنگ از مباحث آشناست که در بررسی و امواژه با آن برخورده‌ی کنیم. زبان پدیده‌ای پویا است که در طول زمان تحول می‌پابد و در وسعت و دامنه آن دگرگونیهای بسیاری رخ می‌دهد. زبان و فرهنگ دو پدیده جدایی ناپذیر است که در رابطه متقابل با هم قرار دارند.

زبان از مجموعه‌ای نماد و مقررات گفتاری و نوشتاری تشکیل شده که ترکیب آنها تولید کننده معانی و برقرارکننده ارتباط میان افراد است. هاروف (بی‌تا: ۶۱-۶۸) معتقد است که زبان مخزن و انبار فرهنگ است. زبان شکلی جهانشمول از رفتار انسان است که از طریق سامانه الگوهای صوتی مورد قبول فرهنگ هر جامعه، میان انسانها ارتباطی نمادین برقرار می‌کند. در واقع زبان یکی از بخش‌های عمدی و تجلی‌گر میراث فرهنگی هر جامعه است (عبدالعلو، ۱۳۸۴: ۳۴۴).

ملاحظات درباره رابطه متقابل زبان و فرهنگ، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که زبان را نمی‌توان از فرهنگ جدا کرد و این دو از هم جدایی ناپذیراست. هر زبانی در بافت فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد و هر فرهنگی نیز در مرکز خود زبانی طبیعی را در برگرفته است (لوتمان و اوسبن‌سکی، ۱۳۹۰: ۴۴). از دیگر سو زبان جزئی از فرهنگ است که ما از اجداد خود به ارث برده‌ایم و به کمک آن فرهنگ را می‌آموزیم و می‌شناسیم. «زبان آیینه فرهنگ است که در آن نه تنها جهان واقعی بلکه خودآگاهی اجتماعی مردم، طرز فکر، شخصیت ملی، سیمای زندگی، ستتها، آداب و رسوم، اصول اخلاقی، نظام ارزشها و جهان‌بینی انکاس می‌یابد» (نقل از مرادی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۲۵۲). زبان و واژه‌بی‌هیچ لفافه‌ای ویژگیهای خاص طرز فکر ملی را بیان می‌کند و ساختاری است که عرصه شناخت را در برابر انسان می‌گشاید؛ بدین ترتیب فرهنگ در پوسته و غلاف زبان و در قالب واژه و لغت زنده است و رشد می‌کند.

در حکومت عباسی، شاعران، مترجمان، دانشمندان و نویسنده‌گان ایرانی تبار با حمایت بی‌دریغ رو به رو شدند؛ زیرا یکی نیازمند بود و دیگری مشتاق. در این میان کتابهای بسیاری از زبان پهلوی به عربی ترجمه شد. زبان فارسی در دربار خلافت

بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

عباسی رایج، و فرهنگ ایرانی بشدت مورد استقبال عربها واقع شد^۱. حکمتهای بزرگمهر و دیگر حکیمان ایرانی در کنار احادیث اسلامی مورد توجه قرار گرفت (نک: سبزیان پور، ۱۳۸۵: تأثیر ترجمه...۸۷)؛ از این رهگذر واژه‌های ایرانی بسیاری به ادب عربی سرازیر شد. نفوذ این مهمنان ایرانی به قدری گستردگی بود که اخفش به شاگردانش می‌گوید: جلو من واژه‌های (فارسی) «بس»، «هم» و «بحت» را به کار نبرید: «سمعت الأَخْفَش يَقُول لِتَلَامِذَتِهِ جَنْبُونِي أَنْ تَقُولُوا «بس»، وَأَنْ تَقُولُوا «هم»، وَأَنْ تَقُولُوا لَيْسَ لِفُلَانْ «بحت»» (نک: حریری، ۱۴۱۸: ۲۲۳).

نفوذ واژه‌ها و اصطلاحات ایرانی به بغداد محدود نمی‌شود؛ مرزها را می‌شکند و به سرزمینهای دور چون کشورهای آفریقایی سرایت می‌کند. قلقشنده (بی‌تا: ۴۲۵ / ۵) درباره القاب دیوان اداری مصر می‌نویسد: این لقبها یا عربی است و یا غیر عربی. آنها که غیر عربی است یا فارسی است و یا ترکی ولی بیشتر آنها فارسی است و دلیل آن این است که خلاف عباسی در بغداد بود و زبان بیشتر افراد آن فارسی بود.

نفوذ واژگان فارسی در ادب عربی به گونه‌ای است که محقق (۱۳۳۹: ۹۷) از سه کتاب به نامهای «الاعتبار»، «الحوادث الجامعه» و «التجارب النافعه فی المائة السابعة» و «معید النعم و مبید النقم» نام می‌برد که مؤلف آنها یکی در شام، دیگری در عراق و سومی در مصر به دنیا آمده و همگی پر از واژه‌های فارسی است. محقق پس از ذکر نمونه‌هایی از کلمات فارسی در این سه کتاب می‌نویسد: اگر این گونه کلمات و لغات از متون نظم و نثر دوره‌های مختلف گردآوری، و در کتابی تدوین شود، چند کتاب دیگر نظیر «المعرب» جواليقی و «شفاء الغليل» خفاجی بر کتب معربات افزوده می‌شود. محقق در ادامه می‌گوید: اینکه در علم نحو علائم مفصلی برای شناسایی کلمات «عجمه: غیر عربی»، وضع شده نشان از فراوانی نفوذ واژگان غیر عربی بویژه فارسی به فرهنگ عربی دارد. (همچنین نک: عبد الرحیم، ۱۴۱۰: ۳۰-۱۸).

وجود دست‌کم ۱۷۰۵ واژه معرب شده از زبان فارسی به زبان عربی و ثبت و ضبط آنها در قاموسهای عربی خود از تنگ بودن دایرۀ لغات اعراب در زمینه‌های مختلف مخصوصاً مسائل مربوط به تمدن و پیشرفت نشان دارد.

این پژوهش بیش از ۳۷ دسته واژه را معرفی کرده است که اعراب از ایرانیان و امگیری واژگانی کرده‌اند. این امر گواه نیاز اعراب در آن زمینه است. لازم به ذکر

است که این انتقال واژگانی به قبل از اسلام باز می‌گردد به گونه‌ای که در اشعار جاهلی و قرآن کریم بیش از صد واژه فارسی شناسایی شده است (سبزیان‌پور، ۱۳۹۵: ۶۷ و ۱۹۷). ابن قتیبه علت این امر را رفت و آمد عربها بتویژه شاعران عرب به دربار ساسانیان دانسته است (نک: ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۲۵۱/۱)؛ ولی آنچه غیر قابل انکار است، حجم وسیع این انتقال واژگانی بعد از اسلام و بویژه در زمان عباسی است. از جمله علومی چون نجوم و ستاره شناسی^۲، آداب و شیوه حکومت و کشورداری^۳، موسیقی و اصطلاحات مربوط به آن^۴، نام مشاغل، اعیاد و جشنها^۵، ابزار کشاورزی، شهرسازی، خوارکیها و شیرینیها^۶، آجیلهای، ادویه‌ها نام وسائل زندگی و آشپزی و... همگی از نمونه‌هایی است که فرضیه فقر فرهنگی و نیاز اعراب را به فرهنگ فارسی پررنگتر می‌کند (برای اطلاع بیشتر از تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانیان باستان در عصر عباسی نک: سبزیان‌پور، ۱۳۹۵: ۶۷ و ۱۹۷).

ضرورت، اهمیّت و هدف

اهمیت بررسی و امواژگان در فرهنگ عربی، علاوه بر کشف ارتباط فرهنگی در قالب لغت، موجب روشن شدن هر چه بیشتر غنای زبان و امدهنده است. مردم عرب‌زبان در طول تاریخ بنا به دلایل فراوانی به استفاده از زبان فارسی پرداخته‌اند. اینکه این مردم از چه لغاتی و در چه زمینه‌هایی استفاده کرده‌اند، نشان از غنای آن دسته از لغات در زبان وام‌دهنده و نیاز وام‌گیرنده دارد. معرفی فرهنگ غنی‌تر یعنی «ایرانی» در زمینه‌های وام‌دهنده و نیاز وام‌گیرنده دارد. مورد توجه در معرفی و شناساندن فرهنگ ایران زمین نقش بسزایی دارد. تأمل در واژه‌های ایرانی نشان می‌دهد که عموماً به اموری از زندگی تعلق دارد که نشانه‌های تمدن و شهرنشینی در آنها دیده می‌شود؛ چیزی که در قبایل عرب کاربرد و شهرت زیاد نداشته است؛ از جمله خوارکیهایی چون «سکباج، هلیچ، لوزینه»، بوهای خوش چون «عنبر»، ابزار خانگی چون «طست (طشت) و قصعه (کاسه)»، لوازم زندگی چون «آجر، سندان، میزاب و تخت»، همگی از مظاهر زندگی شهری است.

ارتباط فرهنگی و حسن هم‌جواری دو ملت ایران و عرب با هم از دلایل عمدۀ در انتقال فرهنگی است که این واژه‌ها مانند سفیری فرهنگی از یک زبان به زبان دیگری وارد شده‌است. از نکات دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که بیشتر واژگان غیرعربی در معجم‌های عربی، فارسی قلمداد شده‌است؛ حال اینکه تمام این

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

واژه‌ها فارسی نیست. آنچه موجب بروز پدیده فارسی‌انگاری در این زبان شده، نقش پررنگ زبان فارسی و غلبه فرهنگ مردم ایران زمین در مقایسه با دیگر فرهنگ‌های غیر عربی است. واژگانی را که از دیگر فرهنگ‌ها به زبان عربی نفوذ کرده‌اند، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: واژگان فارسی، واژگان مشکوک به فارسی، واژگان غیر فارسی. آنچه روشن است میزان فراوانتر واژگان فارسی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها است که این مسئله از جمله دلایل فارسی معرفی کردن لغات دیگر فرهنگ‌ها است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- و امواژه‌های فارسی که به زبان عربی وارد کرده‌اند عموماً مربوط به چه مباحثی هستند؟
- ۲- کدام یک از مباحث و موضوعات مورد بررسی بیشترین حجم واژگان را به خود اختصاص داده است؟
- ۳- حجم زیاد واژگان معرب از فارسی نشان دهنده چیست؟

پیشینهٔ پژوهش

طبق بررسیها تا کنون کتابها و مقالاتی فراوان در زمینهٔ و امواژه و تعریف واژگان به این شرح به رشتۀ تحریر درآمده است:

الف) کتاب: خلیل بن احمد؛ سیبویه و ابن درید اولین کسانی هستند که به ترتیب در کتابهای «العين»، «الكتاب» و «جمهرة اللغة» به وارد واژگان بیگانه در زبان عربی اشاره کرده‌اند. نخستین کتاب مستقلی که در این زمینه نوشته شده «المعرب من الكلام الاعجمي» از جوالقی در این کتاب به معرفی واژگان معرب از زبانهای فارسی، یونانی، لاتینی، سریانی، عربی، حبشی و هندی اشاره شده است. وی در مجموع به ۱۱۴۵ واژه معرب اشاره می‌کند که ۳۴۳ واژه فارسی است.

کتابهای «الالفاظ الفارسية المعربة» از «ادی شیر»، نویسنده در این کتاب به معرفی ۱۵۴۰ واژه فارسی می‌پردازد. ویهم‌چنین به معرفی واژگان دخیل از زبانهای ترکی، آرامی، یونانی، لاتینی، سانسکریتی، حبشی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه، ایتالیی، رومی، ارمنی اشاره کرده است.

«واژه‌های دخیل در قرآن مجید» از «آرتور جفری» جفری به معرفی ۳۲۰ واژه دخیل

از زبان‌های سریانی، آرامی، فارسی، جبشی، یونانی، عبری، سامی، عربستان جنوبی، سومری و لاتین می‌پردازد که وارد قرآن کریم شده است. وی ۳۹ واژه را فارسی معرفی کرده است؛ برای اطلاع بیشتر (نک: قربانی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۱).

«راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی» از آذرتابش آذرنوش؛ وی در پژوهشی چند ساله به بررسی واژه‌های فارسی در شعر جاهلی عرب پرداخته و ۱۰۵ کلمه را گردآوری کرده است (نک: آذرنوش، ۱۳۷۴: ۱۲۲).

ب) مقاله: از مقاله‌هایی که در این زمینه به چاپ رسیده است، می‌توان به این

آثار اشاره کرد:

«تأثیر زبان فارسی در زبان عربی» در دو بخش از مهدی محقق؛ وی در این دو مقاله که به بیش از ۵۰ سال پیش مربوط است به واژه‌های فارسی در اشعار جاهلی، قرآن کریم و احادیث اسلامی و متون ادب عربی در دوره عباسی اشاره کرده است؛ از نقش مهم ابن مقفع و عبد الحمید کاتب در انتقال واژگان و اندیشه‌های ایرانی به زبان عربی به تفصیل سخن گفته و در مجموع اطلاعات ارزشمند بسیاری در این زمینه به دست داده است.

«واژه‌های فارسی کتاب الاعتبار» مسعود جعفری، نویسنده در چکیله مدعی شده است که با نگاهی تاریخی و با بررسی جامع لازم است وام واژه‌های ایرانی در متون عربی مورد بررسی قرار گیرد. حیرت آور است که نویسنده بدون هیچ تحلیل و بررسی تعدادی از واژگان این کتاب را ایرانی معرفی کرده است. تنها منبع نویسنده برای اثبات ایرانی بودن واژه‌ها در چند نمونه، حاشیه مصححی است که نامی از او نبرده و در فهرست منابع نیز به او اشاره‌ای نشده است.

«تعربی یا عربی کردن واژه‌های بیگانه» خدامراد مرادیان؛ نویسنده بدون استناد به هیچ منعی قواعدی را مشخص کرده است که از طریق آنها می‌توان کلمات عرب را از عربی خالص تشخیص داد. هم‌چنین حروفی را معین کرده است که در تعربی تغییر می‌کند.

«واژه‌های فارسی در کتاب *تقویم الأدویة*» مهدی محقق؛ نویسنده پس از مقدمه‌ای

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

درباره کتاب مورد بحث تعداد بسیار زیادی از واژه‌های فارسی را که در این کتاب به کار رفته بدون تحلیل و توضیح ذکر کرده است

«**اماژه‌های فارسی در نشوار المحاضرة تنوخی**» آذرتاش آذرنوش؛ نگاه نویسنده به ورود واژه‌های فارسی در زبان عربی، علمی و روشنمند است. آذرنوش لازم می‌داند که این واژه‌ها از نظر تاریخی بررسی شود تا معلوم گردد زبان وام گیرنده در چه شرایطی به آن پدیده نیازمند شده است؛ به همین سبب با تقسیم بندی و اشاره به ترتیب زمانی، آنها را در نظامی می‌چیند که جانب زمان و مکان را نگاه دارد. نویسنده این واژه‌ها را به دوران جاهلی، قرآنی، عصر اسلامی و اموی، عصر عباسی اول و دوم تقسیم کرده است. از نکات ارزشمندی که نویسنده اشاره کرده، عقیم بودن پژوهش‌هایی است که فهرستوار بدون تقسیم بندی زمانی و هرگونه تحلیل، واژه‌های فارسی را در متون عربی نشان می‌دهد.

۸۳



«ابونواس» آذرتاش آذرنوش؛ نویسنده به معرفی «ابو نواس» شاعر عرب می‌پردازد؛ ولی در اثنای بحث به کلمات فارسی دیوان ابو نواس اشاره، و این کلمات را در سه دستهٔ واژگان جاهلی و قرآنی، واژگان اموی و فارسیّات ابونواس ذکر می‌کند.

«الكلمات الفارسية في شعر العجاهلي» آذرتاش آذرنوش؛ نویسنده زمان زیادی را برای نگارش این پژوهش صرف کرده و در این پژوهش به ۸۴ واژه دست یافته و یافته‌ها را در چهار دسته کلمات فارسی قدیمی، کلمات پهلوی، کلماتی که ظاهری فارسی دارد و کلماتی که فارسی نیست و از راه فارسی وارد زبان عربی شده، آورده است. نویسنده این مقاله چند سال بعد این پژوهش را گسترش داده و به صورت یک کتاب با نام «راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عربی» عرضه کرده است.

«رسالة التبصر بالتجارة جاحظ و واژه‌های فارسی آن» آذرتاش آذرنوش؛ نویسنده در این پژوهش به بررسی واژه‌های فارسی رساله التبصر از جاحظ پرداخته و کتابهای جاحظ را نمونه‌ای بسیار خوب برای نشاندادن نفوذ فرهنگ فارسی به عربی معرفی کرده است. وی معتقد است که اوضاع عصر عباسی از دلایل انتشار واژگان فارسی به زبان عربی است که موجبات رشد و ترقی این زبان را فراهم آورده است.

«بررسی و تحلیل برخی از امواژه‌های فارسی دیوان ابونواس» فرامرز میرزاوی و مریم رحمتی ترکاشوند به فهرستی از این واژه‌های فارسی دیوان ابونواس اشاره کرده‌اند.

۱۳۹۷

و
فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۱۳۹۷ شماره ۱، پاییز و زمستان

«بررسی و امواژه‌های فارسی امثال مولد در مجمع الامثال میدانی» وحید سبزیان‌پور، هدیه جهانی؛ نویسنده‌گان در این پژوهش به بررسی و امواژه‌های فارسی در ۱۰۰۰ مثل مولد پرداخته، و این واژه‌ها را از سرنخهای مهم در فارسی بودن امثال مولد دانسته‌اند. «تداخل زبانی و دگرگونی معنایی و امواژه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی» علیرضا نظری و زهره اسد پور عراقی؛ نویسنده‌گان در این پژوهش با ارائه دسته بندی واژگان دخیل عربی، جنبه‌های اثرگذار هر دسته، در ترجمه را مشخص نموده‌اند و نشان داده شده که ترجمه از عربی با وجود واژگان دخیل فراوان، گرچه از سویی ممکن است یاریگر باشد با توجه به تحولات معنایی بسیاری از این واژگان و تفاوت کاربردی و یا تفاوت ابعاد نشانداری دسته دیگر، می‌تواند باعث کجروی در معادل‌یابی شود.

«الفاظ معرب فارسی در حوزه جامه و پوشش در معجم تاج العروس من جواهر القاموس و انعکاس آن در متون نخستین اسلامی» بهرام امانی چاکلی و لیلا تقیوی سنگدهی و میرم بیگدلی؛ نویسنده‌گان این پژوهش به بررسی واژگان معرب در حوزه پوشак و لباس در معجم تاج العروس می‌پردازند و در نهایت هیچ نتیجه‌گیری هم از پژوهش خود ارائه نمی‌کنند.

«امواژه‌های فارسی در کتاب الامتعة والمؤانسة ابوحیان توحیدی»، آذر تاش آذرنوش، فرامرز میرزایی و مریم رحمتی ترکاشوند؛ نویسنده‌گان به بررسی و امواژه‌های فارسی کتاب الامتعة والمؤانسة ابوحیان توحیدی پرداخته، و واژگان را از نظر زمان ورود به زبان عربی مورد بررسی قرار داده‌اند و در نهایت نتیجه‌گیری آنها از ۲۶ واژه معرب، انتقال بار فرهنگی از زبان فارسی به عربی است.

«دراسة في بعض الألفاظ الفارسية المعرية في اللسان العربي لابن منظور» رمضان رضایی، پری‌ناز علی اکبری؛ این پژوهش نیز با هدف تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی به بررسی و امواژگان زبان فارسی در لسان العرب می‌پردازند و بیشترین تأکید نویسنده‌گان بر چگونگی بیان ابن منظور، هویت اصلی واژگان و گاه خطای ابن منظور است.

«دراسة معربات جمهرة اللغة و مطابقتها في معجمي دهخدا و معین» بهرام امانی چاکلی؛

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

نویسنده این پژوهش ۳۸۰ واژه از جمهراه اللغه را در دو فرهنگ دهخدا و معین مورد بررسی قرار داده است و ضمن اشاره به غلبه زبان فارسی بر زبان عربی نتیجه می‌گیرد که ابن درید واژگان را بدرستی شرح نداده است و گاه دهخدا و معین این واژگان را توضیح داده‌اند.

«واژه‌های فارسی و معرب در کهن‌ترین معجمات عربی (العین، جمهرة اللغة، تهذیب اللغة)» عنایت الله فاتحی‌نژاد، در این پژوهش واژگان این سه فرهنگ را در دو دستهٔ تغییر نکرده و اندکی تغییر آورده است.. جالب اینکه نویسنده هیچ نتیجه و اظهار نظری در این زمینه نکرده است.

«اماواژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی» حبات عامری؛ در این پژوهش واژگان معرب از نظر اختلاف معنایی، تخصیص معنایی، ارتقای معنایی و نتزیل معنایی دسته بندی شده است.

۸۵



دو فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۱، پیز و زمستان ۱۳۹۷

«نمود بالاغی واژه‌های فارسی در زبان عربی» حسین حدیدی ضمن بررسی تعدادی واژه‌های فارسی در عربی، اعم از قرآن کریم، روایات و اشعار به این نتیجه می‌رسد که زبان فارسی و ترکیبات آن نمود روشنی در زبان عربی داشته و این گونه بوده است که این دو زبان با هم درآمیخته‌اند.

مقاله «فرهنگ ایرانی و امواژه‌های فارسی در سروده‌های ابن معتز» از حسن دادخواه که نویسنده در این پژوهش به بررسی واژه‌های فارسی دیوان ابن معتز پرداخته است.

لازم به ذکر است که هیچ پژوهش مشابه این مقاله پیدا نشد و این مقاله با آثار قبلی تفاوت‌های اساسی دارد.

روش پژوهش و چارچوب نظری

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است. نگارندگان در این پژوهش به ۱۷۰۵ واژهٔ معرب از زبان فارسی به عربی در ده کتاب مرجع و مهم دست یافته‌اند با این توضیح که اگر واژگان معرب تکرار شده را ملاک قرار دهیم، تعداد آنها چند برابر خواهد شد. کتابهایی که مورد بررسی قرار گرفته بدین ترتیب است: العین (با اسم اختصاری «عی») قرن ۲،^۷ جمهرة اللغة (با اسم اختصاری «جم») قرن ۴،^۸ تهذیب اللغة

(با اسم اختصاری «ت») قرن ۴،^۹ **الصحاح** (صح) قرن ۴،^{۱۰} **المحکم** (مح) قرن ۵،^{۱۱} **اساس البلاعه** (اس) قرن ۶،^{۱۲} **المغرب** (ج) قرن ۶،^{۱۳} **لسان العرب** (ل) قرن ۸،^{۱۴} **تاج العروس** (تاج) قرن ۱۳،^{۱۵} **الألفاظ الفارسية المعرفة** (ا) قرن ۱۹^{۱۶} که برای هر کدام از این کتابها از نشانه‌های اختصاری، که در مقابل آنها نوشته شده، استفاده شده است؛ ضمناً در ارجاعات درون متنی نیز ترتیب زمانی رعایت شده است. در پاورقی توضیحاتی درباره واژگان از لغت‌نامه دهخدا آمده است بدان سبب که مفهوم برحی از این واژگان معرب برای خواننده مهجور و ناشناخته هستند و اگر واژه‌ای را بدون توضیح گذاشته‌ایم بدین معناست که شرح و تعریفی برای آن در لغت‌نامه دهخدا پیدا نشد.

بحث و بررسی

بحث تأثیر فرهنگ ایرانی بر فرهنگ عربی تازه نیست. پژوهش‌های فراوانی به موضوع تأثیر فرهنگ ایرانی در عربی پرداخته‌اند؛ اما رویکرد ما در این پژوهش به کتابهای لغت عربی اختصاص دارد که بر اساس پژوهشها تا به حال مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

در این بخش از پژوهش ۳۷ دسته از واژگان معرفی می‌شود که بیشترین فراوانی را نسبت به دیگر واژگان معرب دارد. شیوه کار بدین صورت است که پس از اشاره به تعداد واژگان هر موضوع برای نمونه، دو واژه به صورت کامل معرفی می‌شود. بدینهی است که تعداد دسته‌ها و واژگانی که در این پژوهش آمده به سبب فضای محدود مقاله از باب مشت نمونه خروار است. در نهایت فهرستی از تمام واژگان بدست آمده؛ یعنی ۱۷۰۵ واژه آمده و مشخص شده که هر کدام از این واژگان به چه دسته‌ای مربوط هستند و از کدام کتابها ذکر شده است.

۱. سبزیجات و گیاهان

بیشترین حجم فراوانی واژگان معرب به سبزیجات و گیاهان مربوط است. می‌توان گفت مشهورترین تفاوت فلات ایران با صحرای عربستان همین بعد سبز بودن و

بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

رویندگی گیاهان در فلات ایران زمین است. در این پژوهش، به ۹۲ واژه در این زمینه به دست آمد که در اینجا از باب نمونه به یک واژه اشاره می‌شود:
خارشتر: (الأشتراخ): نبت طویل الشوک رعاه الإبل مرکب من اشتراخی جمل و من غاز ای شوک (۱۰، ۱).

۲. لباس و پوشاش

زرین کوب (۱۳۸۹: ۴۱۷) می‌نویسد: لباس ایرانی در دربار خلفاً و امراً و رجال رسم بود و بزرگان دربار مثل عهد ساسانیان، جامه‌هایی با نقش و حلیمه‌هایی زرین بر تن می‌کردند که البته پوشیدن آنها جز با دستور خلیفه ممکن نبود.^{۱۷} ۷۸ واژه معرب مربوط به لباس و پوشاش در دایره لغات معرب به چشم می‌خورد که در اینجا به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۸۷

◆ دو فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
جوراب (جورب): الجور بلغافهُ الرجل وهو بالفارسية كورب والجمع جواربة (جم، ۱۱۷۵/۲؛ مج، ۴۰۴/۷؛ تاج، ۱۵۵/۲؛ ا، ۴۸؛ ج، ۲۴۳).

۳. وسائل زندگی

گوناگون بودن زندگی یکجانشینی نسبت به قبایل صحراء گرد و اوضاع حکومتی و اقلیمی مردم ایران، آنان را به استفاده از ابزار و وسایلی می‌کرد که در زبان عربی کاربردی نداشته است. بر اساس این پژوهش ۶۹ واژه با موضوع ابزار و وسایل زندگی یافت شد.

کلید (القلید): القلید هو المفتاح، فارسی معرب (جم، ۶۷۵/۲).

۴. حیوانات

تفاوت دو اقلیم ایران با کشورهای عربی و تنوع جانوری را در ۶۵ واژه‌ای می‌بینیم که به زبان عربی راه پیدا کرده است؛ واژگان مربوط به نام حیوانات از نکات جالب توجه در این پژوهش است:
آهو: (الآهو): فارسی مخصوص و هو الغزال (۱۳).

۵. اصطلاحات زبانی

در لابلای واژگانی که به زبان عربی راه یافته است اصطلاحاتی در زمینه زبان مبدأ به

۸۷



دو

فصلنامه

مطالعات

فلسفی

فارسی

- عربی

سال ۳

شماره ۶

پاییز

و زمستان

۱۳۹۷

چشم می‌خورد که این واژگان طیف بزرگی از معربات را به خود اختصاص داده که تعداد آنها ۶۱ واژه است:

خوش (خوش): أَيَالٌطِّيبُ، فَارِسِيَّة، هَكَذَا سَمِعَ الْعَجَمَ يَقُولُونَ، فَغَيْرِبَنَاءَ (تاج، ۱۹۸/۱۷).

۶. اصطلاحات مربوط به ساختمان، خانه، قصر، باغ و باعچه

از مشهودترین واژگانی که در معربات به چشم می‌خورد، کلمات و اصطلاحات مربوط به ساختمان، خانه، قصر، باغ و باعچه است که تعداد آن ۵۵ واژه است. در اینجا به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

گنبد: (جنبد): وَهُوَ فَارِسِيُّ مُعَرَّبٌ، وَأَصْلُهُ كَنْبَدٌ... أَنَّهُ مُعَرَّبٌ عَنْ كَنْبَدٍ بِالْفَارِسِيَّةِ، اسْمُ لَكُلٌّ مُسْتَدِيرٌ مِنَ الْأَبْنِيَةِ وَالآَرَاجِ (تاج، ۳۸۱/۹-۳۹۱).

۷. خوراکها

زندگی اشرافی، تنوع محیطی و تنوع محصولات کشاورزی، خورشها و خوراکهایی را می‌طلبید که در زندگی صحرا نشینی جایی نداشته است. بر اساس این پژوهش ۵۲ کلمه از خوراکهای ایرانی به زبان عربی راه پیدا کرده است:

کشك (الکشك) هُوَ فَارِسِيُّ مُعَرَّبٌ، اللَّبَنِ، وَيَنْشَفُ وَيُرُفُّ، يَطْبُخُونَهُمْ نَالَلَّحْمِ (تاج، ۳۱۴/۲۷؛ ۱۳۵).

۸. مشاغل و حرفة‌ها

یکی از بخشهایی که اعراب را به واگیری واژگانی از ایرانیان و اداشته بخش شغل و حرفة است که این نشان از تنوع مشاغل در سرزمین پارسیان دارد. این پژوهش به ۵۰ واژه مربوط به مشاغل و حرف دست یافته است که برای نمونه به یک مورد اشاره می‌شود:

بازرگان: (البازكان): فارسی محض و معناه السوقی (۱، ۱۵).

۹. وسائل آشپزخانه

واژگان مربوط به وسائل آشپزخانه ۳۸ واژه است که در اینجا به یک نمونه اشاره می‌شود:

بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان
جام: (الجام): إناءٌ من فضؤهو معروف فارسیته الجام (ج، ۳۸؛ ۱، ۴۹).

۱۰. درختان

تنوع زیست محیطی و اقلیمی، زمینه رشد گیاهان و درختانی را فراهم کرده است که در مناطقی که آب و هوای مناسبی برای رشد آنها وجود نداشته باشد، رشد نمی‌کنند.^{۳۶} واژه مربوط به درختان معرب شده است؛ برای نمونه:
خوش‌سای: بقش: هُوَ شَجَرٌ يُقالُ لُهُ بالفارسية: خُوشْ سای، أیالطیبُ الظَّلْ (تاج، ۸۳/۱۷).

۱۱. ابزار کار

شغلها و حرفه‌های گوناگون و فراوان، ابزار آلاتی را می‌طلبد که کار را برای عاملش آسن سازد. همان‌طور که پیشتر به شغلها اشاره شد در اینجا به ابزار و آلات این حرفه‌ها اشاره می‌شود.^{۳۶} واژه مربوط به ابزار کار است؛ برای نمونه:
ماله: (المآلح): آلء من حديد يطئن بها تعريب ماله والمالق لغة فيه (۱، ۱۴۳).

۱۲. دارو

از آنجا که شناخت داروها و کشف یا اختراع آنها به دانش نیاز دارد، می‌توان این مسئله را نشانه علم دوستی مردم ایران زمین دانست. برای اطلاع بیشتر در زمینه علم دوستی مردم (نک: ابن مسکویه، بی‌تا: ۶۶). این پژوهش به ۳۴ واژه در رابطه با دارو دست یافته است؛ برای نمونه:
ایاره:^{۱۸} إيارجه: کلمه فارسیه دخیله، معجون مسهل (ج، ۳۶؛ ۱، ۱۶۰).

۱۳. عطرها و لوازم آرایشی و بهداشتی

در این پژوهش به ۳۲ واژه در زمینه عطرها و لوازم آرایشی دست یافته‌ایم؛ برای نمونه:
صابون (الصابون): مطبوخ مركب من الزيت او من شحم وغيرهما والقلى هو صابون بالفارسية (۱، ۱۰۶).

۱۴. وسائل و اصطلاحات جنگی

۳۱ واژه به وسائل و اصطلاحات جنگی مربوط است:
نیزه: (النيزك): أعجمی معرب. هو فارسی وأصله بالفارسیه الحديثة نیزه وبالفهلویه:

nezak (صح، ۱۶۱۴/۴؛ (ج، ۶۰۸؛ (تاج، ۳۷۱/۲۷؛ (۱، ۱۵۲).

۱۵. رنگها

تنوع اقلیم و محیط جغرافیایی متفاوت، زمینه شناخت انواع رنگها را نسبت به دیگر محیط‌ها فراهم کرده است. این پژوهش به ۲۹ واژه در زمینه رنگها دست یافته است؛ برای نمونه:

ارغوان: (الأرجوان): صنْ أحمر، وهو الفارسي. بالفارسية ارغوان وكلُّ لونٍ يشبهه فهو أرجوان (ا، ۸)؛ (ج، ۱۱۲)؛ (صح، ۲۳۵۳/۶)؛ (تاج، ۱۳۰/۳۸).

۱۶. پرندگان

وجود پرندگان و جانوان گوناگون در سرزمین فارس، نشانه تفاوت اقلیمی این سرزمین با دیگر کشور است. این پژوهش ۲۸ واژه مربوط به پرندگان را دست آورده است؛ از جمله:

باشه: باشق: ^{۱۹} أَبْشِقْ: أَعْجَمِي مَعْرُوبٌ. وَهُوَ هَذَا الطَّائِرُ الْمَعْرُوفُ... . . . وَهُوَ فَارسِيٌّ وَأَصْلُهُ بِالْفَارسِيَّةِ الْحَدِيثَةِ بَاشَهُ . وَيَكُونُ بِالْفَهْلَوِيَّةِ بَاشَكُ وَهُذَا أَصْلُ الْفَظْ مَعْرُوبٌ... (ج، ۱۸۱ و ۳۷ و ۹۴).

۱۷. حکومت و کشورداری

ابن خلدون (۱۴۲۵: ۲۹۰/۱) اعراب را دورترین مردم دنیا از سیاست و حکومت دانسته و دلایل آن را در بادیه‌نشینی و شیوه زندگی آنها عنوان کرده است. این پژوهش به ۲۴ واژه مربوط به حکومت و کشورداری دست یافته است؛ برای نمونه:

صبهبد: ^{۲۰} (الصَّبَهْبَدْ): فارسی مَعْرُوبٌ وَهُوَ فِي الدِّيلِمِ كَالْأَمِيرِ وَأَصْلُهُ بِالْفَارسِيَّةِ إِسْبَهْبَدٌ... . وَأَصْلُهُ سَبَاهِيدٌ وَهُوَ مَرْكُبٌ مِنْ سَبَاهٍ بِالْبَاءِ الْفَارسِيَّةِ بِمَعْنَى جَيْشٍ وَبِدْ بِمَعْنَى صاحبٍ وَهُوَ لَقْبُ مَلُوكِ طَبْرِسْتَانِ (ج، ۴۳۰ و ۴۶).

۱۸. زیور آلات و اشیا و سنگهای قیمتی

۲۴ واژه در زمینه زیورآلات و اشیا و سنگهای قیمتی است:

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان
یاقوت (یقت): **الجوهری الياقوت** یقال فارسیٰ معرب و هو فاعُول الواحدة ياقوتة
والجمع الیوaciت (صح، ۲۷۱/۱)؛ (ل، ۱۰۹/۲)؛ (تاج، ۱۵۰/۵).

۱۹. شراب و نوشیدنی

این پژوهش به ۲۴ واژه دست یافته که به شراب و نوشیدنی مربوط است؛ برای نمونه:
باده: (البادق): ضرب من الأشربة. فارسی أصله باده ای باق. فی اللسان إنَّه الخمر
الأحمر. أصله بالفارسیة الحديثة باده بالدال المهملة وبالفهلویة *batak* (باتک) وهذا هو
أصل اللفظ المعرب (ج، ۲۰۸)؛ (ا، ۱۷).

۲۰. ادویه

وجود شرایط اقلیمی و آب و هوای مناسب، زمینه رشد و پرورش ادویه‌جات را فراهم
می‌کند. هم‌چنین استفاده از این گیاهان به عنوان ادویه خود به نوعی شناخت و آگاهی
در این زمینه نیاز دارد. این پژوهش به ۲۲ واژه مربوط به ادویه دست یافته است؛ برای
نمونه:

زردچوبه: (عُروق الصُّفْر): نَبَاتٌ لِلصَّبَاغِينَ نَقَلَهُ الْجُوَهْرِيُّ فَارسِيَّتَهُ: زَرَدْ جُوبَهُ اُيَّ:
الخَشَبُ الْأَصْفَرُ اُوْ هُوَ الْهُرْدُ اُوْ هُوَ الْمَامِيرَانَ الصَّبِينِيُّ اُوْ الْكُرْكُمُ (تاج، ۱۴۰/۲۶).

۲۱. عناصر طبیعی

این پژوهش به ۲۰ واژه مربوط به عناصر طبیعی دست یافته است؛ برای نمونه:
زنگار: زنجار:^{۲۱} بالكسر هو المتولد في معادن النحاس وأقواء المتخذ من التوبال وهو
فارسی معرب (ج، ۴۳).

۲۲. میوه

یکی دیگر از نکات جالب توجه و مؤثر از محیط و اقلیم، میوه است. این پژوهش به ۲۰
واژه از واژگان معرب مربوط به میوه دست یافته است؛ برای نمونه:
بادمجان: (الباذنجان): معرب باذنکان بالفارسیه و معناه بیض جان... معنی الباذنجان
بالفارسیه مناقیر الجن (مح، ۵۹۴/۷)؛ (ج، ۳۶ و ۵۷۹)؛ (ا، ۱۵).

۲۳. وسائل دیوانی

یکی از دلایل نشان نیاز اعراب به ایرانی‌ها موضوع دیوان خراج است که در واقع ستون

فقرات هر حکومت را تشکیل می‌دهد. اعراب شیوه خاصی در این زمینه و حتی واژگان لازم در این زمینه را نداشتند و به همین دلیل خراج عراق حداقل تا سال ۸۷ هجری به زبان فارسی نوشته می‌شد (سیزیانپور، ۱۳۹۵: ۴۰ و ۴۱). این پژوهش ۱۹ واژه مربوط به وسائل دیوانی را به دست آورده است؛ برای نمونه:
دفتر (الدفتر): وهو معروف وقيل فارسي معرب (۱، ۶۵).

۲۴. گلها

از گونه‌های گیاهی به گل می‌توان اشاره کرد که باز هم نشانه‌ای از تنوع زیست محیطی و اقلیمی است. این پژوهش به ۱۸ واژه در این زمینه دست یافته است که در اینجا به یک نمونه اشاره می‌شود:
نسرين: النَّسْرِي نَضَرَبَ مَنَالَ رَيَاحِينَ فَارسِيًّا (مح، ۴۷۶/۸؛ ۱، ۱۵۳).

۲۵. نجوم و برجهای فلکی و اصطلاحات مربوط به تقویم

طبق شواهد تاریخی، علم نجوم از ایران به سرزمینهای عرب انتقال پیدا کرده است. برای اطلاع بیشتر (نک: ضیف، ۱۴۳۱؛ ۱۱۰؛ یاقوت حموی، بی‌تا: ۲۶-۲۵). بر اساس قواعد نجوم ایرانی، هر اقلیم به یکی از سیاره‌های آسمان وابسته است نکته مهم این است که برای این هفت ستاره نامهای ایرانی ذکر شده است. این پژوهش به ۱۷ واژه مربوط به نجوم و برجهای فلکی و اصطلاحات مربوط به تقویم دست یافته است که برای نمونه به یک مورد اشاره می‌شود:

زیج: (الزیج): خيط البناء وهو المطمر... أصلها بالفارسية زیک و من معانیه خيط الصَّبَاغُ، وكتاب يقید فيه أحوال النجوم. (صح، ۱/۳۲۱؛ ج، ۳۴۵؛ ل، ۲۹۴/۲)؛ (تاج، ۶/۲۴).

۲۶. اسباب بازی

بازی و سرگرمی یکی از بخشهایی است که تعدادی از واژگان معرب را به خود اختصاص داده است. ۱۴ واژه به اسباب و وسائل بازی مربوط است؛ از جمله:
(دواهه): دوَاهَهُ الصَّبِيبُ الْفَارَسِيَّةُ دَوَاهُهُ هِيَ الْتِي لَعَبَّبَهَا الصَّبِيبُ، تُلَقِّبُهُ اِسْبَابُ اَوْ خَيْطَتُهُ مَعْلُى الْأَرْضَفَتَدُور (ته، ۱۴۹/۱۴)؛ (ل، ۱۲/۲۱۲).

۲۷. اصطلاحات مربوط به موسیقی

شوقي ضيف (۱۴۳۱: ۶۰۳) درباره موسیقی ایرانی در فرهنگ عربی می‌گوید ایرانیان به غنا و ملاهی بسیار توجه می‌کرده‌اند. آنان در اعیادشان از جمله عید نوروز و عیدهای دیگر شان لباس زیبا می‌پوشند و خوراک نیکو می‌خورند و و به غنا روی می‌آورند. وی هم‌چنین اعراب را تحت تأثیر فرهنگ موسیقی ایرانیان می‌نویسد و می‌گوید آواز خوان اعراب در دوره عباسی بر اساس شیوه دوره اردشیر باکان صورت گرفته است. این پژوهش به ۱۴ واژه در این زمینه دست یافته است؛ برای نمونه:

آواز: (الأواز): ضرب من الأنعام تعريب اوازه وأصل معناه الصياح (۱۳: ۱۳).

۲۸. بیماریها

شناختن بیماریها و نامگذاری آنها به علم پزشکی بستگی دارد. هر چه ملتی در زمینه پزشکی قویتر باشد، قدرت شناخت بیماریها و در نهایت نامگذاری آنها بیشتر می‌شود. این پژوهش به ۱۴ واژه مربوط به بیماری دست یافته است که نام فارسی دارند؛ برای نمونه:

بواسیر: (الباسور): داء معروف وهو معرب ويجمع ال بواسير (ج، ۱۴۷).

۲۹. پارچه‌ها

لباس ایرانی در دربار خلفا و بین امیران و رجال رسم بود و بزرگان دربار مثل عهد ساسانیان، جامه‌هایی با نقش و حلیه‌های زرین بر تن می‌کردند (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۴۱۷). نفوذ پوشک و پارچه ایرانی در واژگان معرب به چشم می‌خورد. این پژوهش به ۱۳ واژه در این زمینه دست یافته است؛ از جمله:

دوپود: دبد: مَسْوُجٌ عَلَى نِيرِينَ وَهُوَ (معرب) فارسیّه (دُوبُوذ) بالضم أصله بالفارسية دوپود (صح، ۵۶۴ / ۲)؛ (ل، ۴۹۰ / ۳)؛ (تاج، ۴۰۷/۹).

۳۰. شیرینی‌ها

خوراک اعراب بسیار ساده بود یا از شیر شتر درست می‌شد یا خرما. با ظهور ایرانیان خوراک آنان دچار تحول شد (نک: زیدان، بی‌تا: ۶۳۶۲). ایرانیان در معرفی انواع غذاهای رنگارنگ به عربها تأثیر فراوانی داشتند (نک: مکی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). یک دسته از این

خوارکی‌ها شیرینی‌ها است که این پژوهش به ۱۲ واژه در این زمینه دست یافته است؛ از جمله:

پانیذ: (الفانیذ): معرب پانید و هو نوع من الحلواء يصنع من السكر والدقيق والشعير والترنجين و منه... (مح، ۷۹/۱۰؛ ج، ۴۷؛ ۱)، (۱۲۱).

۳۱. مسکوکات، صفات و اسباب و لوازم آن

در واژگان معرب، کلماتی هست که به امور اقتصادی و دارایی مربوط است. این پژوهش ۱۲ واژه مربوط به این موضوعات را به دست آورده است؛ برای نمونه: دینار (دنر): الدِّينَارُ فارسی مُعَربٌ وأصله دِنَارٌ بالتشدید بدلیل قولهم دَنَانِير (ل، ۴/۲۹۲).

۳۲. کشاورزی

زمینه مناسب کشاورزی و آب و هوای مناسب و بارندگی، کار کشاورزی را در فلات ایران زمین فراهم آورده است؛ چیزی که شاید در بسیاری از کشورهایی که بافتی صحراوی و گرم و خشک دارند، فراهم نباشد. در این پژوهش ۱۲ واژه به کشاورزی مربوط است که در اینجا به یک نمونه اشاره می‌شود: اجوق (أجوق):^{۲۲} هو غليظ العنق. تعریف جوق بالفارسیه و معناه النیر الذی یوضع على عنق الثورین (ج، ۲۳۱).

۳۳. وسائل سوارکاری و اصطلاحات مربوط به آن

آذرنوش (۱۳۷۴: ۱۶۰) می‌نویسد: ذکر چوگان (صولجان)، نرد یا نرد شیر و شطرنج یا شکار با باز را فقط در شرح اشراف حیره می‌توان دید و هیچ یک در شمار بازیهای عوام جلوه نمی‌کند. در اغانی به بازی چوگان که خاص بزرگان حیره بود اشاره شده بود. در لابلای واژگان معرب اصطلاحاتی مربوط به سوارکاری دیده می‌شود که این پژوهش به ۱۲ واژه دست یافته است؛ برای نمونه: سرپند (السلَّبَنْد):^{۲۳} فارسی محض و هو سَيَر يشدُّ عن حزام الفرس (۱، ۹۲).

بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۳۴. آلات موسیقی

از جمله اموری که در زندگانی و حیات ادبی اعراب، کارگر و مؤثر بود، آواز و طرب است. عرب نغمه‌های خود را از ایرانیان اقتباس کرد و اشعار خود را بدان نغمه‌ها می‌سرود. ایرانیان در الحان عرب تأثیر بسیار مهمی داشتند؛ زیرا بزم‌های ایرانی منحصر به موسیقی نبود بلکه در واقع حکم محفل ادبی را نیز داشت. مجالس انس و بزم‌های ایرانی در تهذیب شعر و ایجاد ادب و برانگیختن قریحه و انشای سرود مهمی بود داشت (سیزیان پور، ۹۵: ۹۴).

۱۱ واژه مربوط به آلات موسیقی است:

بربط: (البَرْبُطُ) معرب، وهو من ملاهي العجم، شبيه بصدر البطوط الصدر بالفارسية بترفقيل: بَرَبَطٌ. (ته، ۱۴/۴۲؛ (ج، ۳۷ و ۱۹۲)؛ (ل، ۷/۲۵۸)؛ (تاج، ۱۳۸/۱۹) و (ا، ۱۸).

۳۵. آجیل

یکی از بخشهایی که اعراب، واژه‌ای از ایرانیان قرض گرفته‌اند، تنقلات و آجیل است که این پژوهش به ده واژه دست یافته است که در اینجا به نمونه‌ای اشاره می‌شود:
بادام: (اللُّوزُ): المعروف العرب. انما هو فارسية الحديثة بادام بالدار المهملة (ج، ۵۶۴).

۳۶. عید و جشن

زرین کوب (۱۳۸۹: ۴۴۷) می‌نویسد که اعراب تحت تأثیر جشن‌ها و اعياد ایرانی قرار گرفتند. خلفای عرب هنگام نوروز به سلام می‌نشستند و شاعران آنها را بدان روز تهنیت می‌گفتند. جشن مهرگان و سده نیز به همین منوال مورد توجه آنها قرار گرفت. این پژوهش به ۶ واژه مربوط به جشن و عید دست یافته است؛ برای نمونه:
مهرگان: (المهرجان): عید الفرس مرکب من مهر بمعنى المحبة وكأن بمعنى المتصلة وكان المهرجان بوافق اول الشتاء... (ا، ۱۴۷).

۳۷. بازی

توجه به بازی و چگونگی گذراندن اوقات فراغت در دربار پادشاهان بسیار مرسوم بوده است تا آنجا که اردشیر بابکان دستور ساخت یک بازی به نام «تخته نرد» را می‌دهد. در

منابع عربی به بازیهای اشاره شده که در میان آنها سابقه نداشته است؛ چون اسب‌دونی، تماشای جنگ خروس، سگ و بز، بازی شطرنج و تخته نرد و... بی‌تردید رواج این بازیها در میان اعراب بی‌تأثیر از شاهان ساسانی نبوده است (نک: سبزیان‌پور، ۱۳۹۵:۹۴). این پژوهش به پنج واژه در این زمینه دست یافته است که در اینجا به نمونه‌ای اشاره می‌شود:

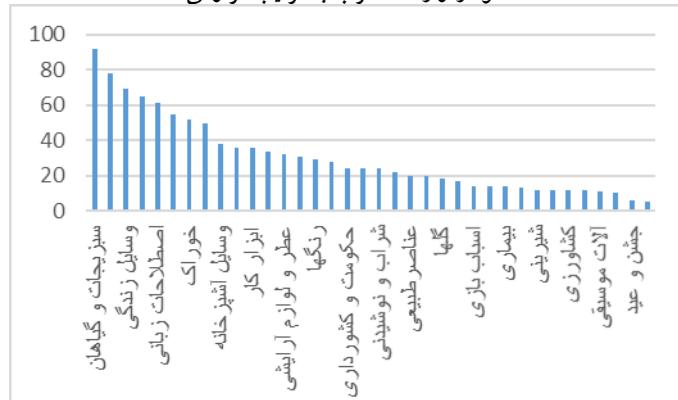
نرد: (النرد): شیء معروف یلعب فارسیته نرد و هو وضع اردشیر بن بابک من ملوک الفرس (مح، ۳۰۱/۹)؛ (ج، ۶۰۶)؛ (ل، ۳/۴۲۱)؛ (تاج، ۲۱۹/۹) و (ا، ۱۵۱).

۳۸. متفرقات

دیگر واژگان معرف شامل مباحثی در زمینه‌های مذهبی، اسم مکان، مسائل اقتصادی، شکلهای ریاضی، اعداد ریاضی، مسائل مربوط به دیوان، روشنایی و نور، وسائل کشتیرانی، مسائل ارتباطی و راهداری، مزه و طعم، آبزیان، وسایل اندازه‌گیری، مراکز شهری و.... است که برخی از آنها را در این بخش از پژوهش با نام متفرقه ذکر شده است؛ برای نمونه:

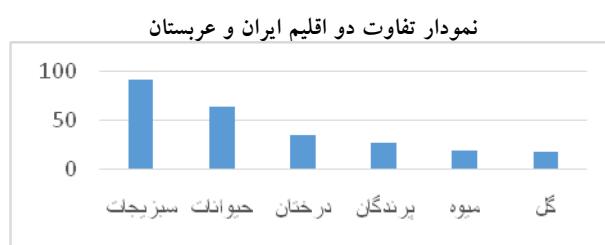
لنگر: (الأنجر): مرساه السفينة تعریف لنگر (۱، ۱۵۰).

نمودار واژگان معرف به ترتیب فراوانی

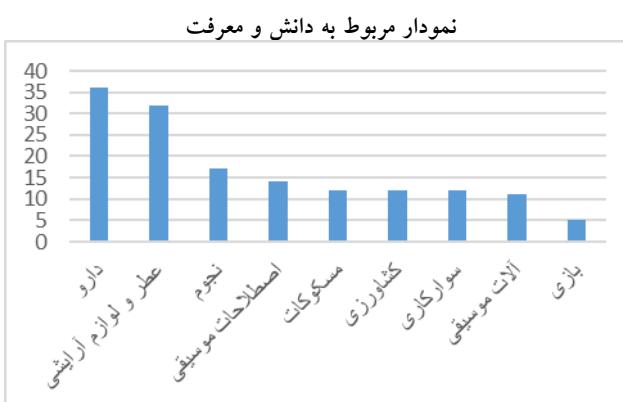


شكل ۱. فراوانی واژگان معرف به ترتیب فراوانی بر اساس دسته‌بندیهای این پژوهش

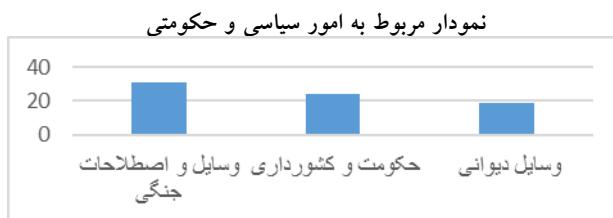
بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان



شکل ۲. نمودار اختلاف اقلیمی و تنوع زیست محیطی فلات ایران و صحرای عربستان



شکل ۳. نمودار مربوط به دانش و معرفت



شکل ۴. نمودار امور سیاسی و حکومتی

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۱۷۰۵ واژه معرب در ده معجم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این لغات معرب بیشتر حاصل تعامل زبانها و تأثیر در این حوزه‌ها بوده است. غالب واژگانی که از زبان فارسی به زبان عربی راه یافته به امور شهرنشینی و تمدن مربوط است؛ سپس گیاهان و سبزیجات، گلهای و درختان و آن دسته از واژگانی

که به صورت مشهود در صحراي عربستان نسبت به فلات ايران یافت نمی‌شود. فقر واژگانی اعراب در زمینه علم و دانش، آنان را به وامگیری بیشتر در مسائل مربوط به دیوان و علوم مختلف و حتی داروها کشانده است. جالب اینکه نام بیماریها، که معرف شده است، نشان می‌دهد که ایرانیان در زمینه پزشکی، شناخت و نامگذاری بیماریها از دیگر اقوام تواناتر بوده‌اند. گاه معجم‌نویس برای توضیح واژه خود (عربی) از واژگان فارسی استفاده می‌کند که این مسئله نشان از معروف بودن واژه فارسی دارد؛ هم اینکه مخاطبان این معاجم، زبان فارسی را به عنوان زبان علمی پذیرفته‌اند و با این زبان آشنایی دارند. نکته قابل توجه اینکه «گاه به دلایل اجتماعی و روانشناسی گویش‌رانان با اینکه واژه‌ای بومی برای مفهوم مورد نظر خود دارند، همچنان از وامواژه استفاده می‌کنند. گاه استفاده از واژه قرضی برای کسب هویّت یا اعتبار اجتماعی است و گاه به این سبب که کاربرد واژه بومی مطلوب تلقی نمی‌شود و دشوار به شمار می‌آید. در چنین مواقعي از واژه بیگانه استفاده می‌کنند تا کمتر از احساس ناخوشایند خود رنج ببرند» (شقاقی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). تنوع واژگانی مردم ایران زمین در واژگان مربوط به غذاها، شیرینی‌ها و... یکی دیگر از نشانه‌های گسترده بودن دایره لغات ایرانیان است. مسائل مربوط به تمدن و شهرنشینی، مسائل حکومت و کشورداری، مراکز شهری، بازی و اسباب بازی و... همگی حکایت از غنای فرهنگی مردم ایران زمین در آن زمان دارد.

عربات ذکر شده در این ده معجم، بیشتر فارسی است؛ اما گاهی معربات از دیگر زبانها نیز چون (رومی، هندی، نبطی، ترکی و...) ذکر شده است؛ اما تعداد آنها نسبت به زبان فارسی بسیار اندک است. این پدیده خود حکایت از تسلط زبان فارسی بر زبان عربی دارد. در پایان می‌توان گفت جمع‌آوری تمام واژگان فارسی، که به زبان عربی راه پیدا کرده بسیار سخت و طاقت فرسا و شاید ناممکن است. این پژوهش بر اساس معربات ده فرهنگ بزرگ عربی به سرانجام رسیده که ما را از پژوهش‌های دیگر بی‌نیاز نمی‌کند.

پی‌نوشتها

۱. مسعودی (بی‌تا: ۶۶) نقل کرده است: ابن مقفع آنقدر مورد توجه قرار گرفت که جاخط کتاب‌های خود را به نام ابن مقفع به مردم معرفی می‌کرد تا مورد توجه قرار گیرد.

- بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان
۲. برای اطلاع بیشتر از انتقال علم نجوم از ایران (نک: سبزیانپور، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۴۰)
 ۳. برای اطلاع بیشتر از نیاز عرب‌ها به شیوه‌های حکم رانی ایرانیان (نک: سبزیانپور، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۴)
 ۴. برای اطلاع بیشتر از تأثیر موسیقی سبک ساسانی در فرهنگ عربی (نک: سبزیانپور، ۱۳۹۵: ۹۵-۹۷)
 ۵. برای اطلاع بیشتر از اعياد ایرانی در فرهنگ عباسی (نک: سبزیانپور، ۱۳۹۵: ۹۷)
 ۶. برای اطلاع بیشتر از تأثیر خوارک‌های ایرانی در فرهنگ عربی (نک: سبزیانپور، ۱۳۹۵: ۹۲)
 ۷. خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰ق) دستوردان و فرهنگنویس مشهور و بنیانگذار دانش آواشناسی و عروض عربی در عمان دیده به جهان گشود وی برای کسب علم و دانش راهی بصره می‌شود و در نزد استادان بزرگی تلمذ می‌کند. در فرهنگ نویسی شهرت او به خاطر نوشتن فرهنگ «العين» است که این لغت‌نامه معمولاً به عنوان اولین لغت‌نامه عربی مورد توجه قرار گرفته است. (فرزانه، ۱۳۶۷: ۶۱۳-۶۲۰)
 ۸. أبویکر محمد بن الحسن بن درید الأزدي (المتوفى: ۳۲۱هـ)، جمهرة اللغة، (۱۹۸۷) دارالعلم للملائين - بيروت.
 ۹. محمد بن أحمد بن الأزهري الهرمي، أبو منصور (المتوفى: ۳۷۰هـ)، تهذيب اللغة، (۲۰۰۱) المحقق: محمد عوض مرعب، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
 ۱۰. أبونصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفى: ۳۹۳هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، (۱۹۸۷) تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، دارالعلم للملائين - بيروت.
 ۱۱. أبوالحسن على بن إسماعيل بن سيده المرسي، ۴۵۸هـ المحكم والمحيط الأعظم، (۲۰۰۰)، تحقيق عبدالحميد هنداوي، الناشردار الكتب العلمية، بيروت.
 ۱۲. أبوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: ۵۳۸هـ)، أساس البلاغة، (۱۹۹۸) تحقيق: محمد باسل عيون السود، دار الكتب العلمية، بيروت.
 ۱۳. الجواليقى، ابو منصور (۱۴۱۰) المعرّب، الطبعة الاولى، دمشق: دارالقلم.
 ۱۴. ابنمنظور، (بلاطاريخ) دارالمعارف القاهرة.
 ۱۵. محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسيني، أبوالفیض، الملقب بمرتضى، الزبيدي (المتوفى: ۱۲۰۵هـ)، تاجال عروس من جواهر القاموس، (بلاطاريخ) المحقق: مجموعة من المحققين، دارالهداية.
 ۱۶. ادی شیر، السيد (۱۹۸۸) الالفاظ الفارسية المعرفية، الطبعة الثانية، بيروت: المطبعة الكاثوليكية.
 ۱۷. برای اطلاع بیشتر از تقلید خلفای عباسی از ساسانیان در لباس (نک: سبزیانپور، ۹۲: ۱۳۹۵)
 ۱۸. ایاره: دوایی است مرکب، مسهّل، و منفی دماغ، معرب ایاره. (همان: ۱۳۶۷۰)
 ۱۹. باشه: پویه و مرغ نامه بر. (همان: ۱۳۸۹)
 ۲۰. صبهذ: فارسی معرب است و آن در دیلم مانند امیر در عرب است. (همان: ۱۰۱۱۲)
 ۲۱. زنجار معرب زنگار است. (همان: ۴۸۱۲۶)

فهرست منابع الف) کتاب

۲۲. اجوق: ستبر گردن. (همان: ۴۰۵۷)
۲۳. سریند: افساری برای نگهداری سر اسب. (همان: ۵۱۲۲۰)

- آذرنوش، آذرتاش؛ راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی؛ چ دوم. تهران: توس، (۱۳۷۴).
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد؛**لسان العرب**؛ قاهره: دار المعارف، (بلا تاریخ).
- أبو الحسن على بن إسماعيل بن سیده المرسى؛**المحكم و المحيط الأعظم**؛ تحقيق عبد الحميد هنداوى. بیروت: دار الكتب العلمية، (۲۰۰۰).
- ابن خلدون، عبدالرحمن؛**مقدمة ابن خلدون**؛ دمشق: دار الكتب، (۱۴۲۵).
- ابن مسکویه، ابوعلی؛**الحكمة الخالدة**؛ بیروت: دار الأندلس، (بی تا).
- ادی شیر، السيد؛**الالفاظ الفارسية المعرفة**؛ الطبعه الثانية. بیروت: المطبعة الكاثوليكية، (۱۹۸۸).
- الأزدي، أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد؛**جمهرة اللغة**؛ بیروت: دار العلم للملائين، (۱۹۸۷).
- جامی، عبدالرحمن؛**بهارستان**؛ پژوهشی در سرچشمه‌های حکایات و اقوال حکیمانه. به کوشش وحید سبزیان‌پور و فرزانه فتاحیان. تهران: یاردانش، (۱۳۹۲).
- جفری، آرتور؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ ترجمه فریدون بدراهی، تهران: توس، (۱۳۷۲).
- الجواليقى، ابو منصور؛**المغرب**؛ الطبعه الاولى. دمشق: دار القلم، (۱۴۱۰).
- الجوهري، أبو نصر إسماعيل بن حماد؛**الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية**؛ تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار. بیروت: دار العلم للملائين، (۱۹۸۷).
- الحريري، أبو محمد القاسم بن علي بن محمد؛ درء الغواص فی أوهام الخواص؛ المحقق: عرفات مطرجي. بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، (۱۴۱۸).
- حموى، ياقوت؛**معجم البلدان**؛ بیروت: دار الفكر، (بی تا).
- دهخدا، علی اکبر؛**لغت نامه دهخدا**؛ زیرنظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. چ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (بی تا).
- الدينوري، ابن قتيبة؛**الشعر والشعراء**. القاهرة: دار الحديث، (۱۴۲۳).
- زبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی؛**تاج العروس من جواهر القاموس**؛ المحقق: مجموعة من المحققین، قاهره: دار الهداية، (بلا تاریخ).

- بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان
 زرین کوب، عبدالحسین؛ نه شرقی نه غربی انسانی. تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۴).
- ؛ تاریخ ایران، چ سیزدهم، تهران: امیرکبیر، (۱۳۸۹).
- الزمخشی، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد؛ **أساس البلاغة**؛ تحقیق: محمد باسل عیون السود. بیروت: دار الكتب العلمیة، (۱۹۹۸).
- زیدان، جرجی؛ **تاریخ تمدن اسلامی**؛ بیروت: منشورات دارالمکتبة الحیاء، (بی‌تا).
- سبزیان‌پور، وحید؛ **تاریخ ادبیات عصر عباسی در پرتو فرنگ و تمدن ایران** باستان: چ دوم. تهران: یارداش، (۱۳۹۵).
- سیبیویه.الكتاب، چ سوم، دمشق: دارالقلم، (۲۰۱۴).
- شقاقی، ویدا؛ **مبانی صرف**؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۸۷).
- الصولی، ابو بکر محمد بن یحیی؛ **ادب الكتاب**؛ نسخه و عنی بتصحیحه و تعلیق حوشیه محمد بهجه الازدی و نظر فيه محمود شکری الالوسي. مصر: المطبعه السلفیة، (۱۳۴۱).
- ضیف، شوقی؛ **تاریخ الأدب العربي العصر العباسي الأول**؛ ذوى القربى، (۱۴۳۱).
- عبدالرحیم؛ **شرح و تحقیق فی كتاب المعرّب لأبی منصور الجواليقی**؛ دمشق: دارالقلم، (۱۴۱۰).
- عضدانلو، حمید؛ آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی؛ تهران: نشر نی، (۱۳۸۴).
- علی صفتی، فخر الدین؛ **لطایف الطوایف**؛ بررسی سرچشمۀ‌های داستانها و سخنان حکیمانه در منابع عربی، سبزیان‌پور. وحید و حدیث دارابی. تهران: یارداش، (۱۳۹۲).
- عرفی، سدید الدین محمد؛ **جواجم الحکایات ولوامع الروایات**؛ به کوشش جعفر شعار. تهران: علمی فرهنگی، (۱۳۶۶).
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم؛ **العین**؛ المحقق: د مهدی المخزومی، د ابراهیم السامرائی، بیروت: دار ومکتبة الہلال، (بالاتاریخ).
- قربانی، محمد علی؛ **واژه های دخیل در قرآن**؛ مشهد، مؤسسه فرهنگی قدس، بنیاد پژوهش های اسلامی، (۱۳۸۸).
- القلقشندی، احمد بن علی بن احمد الفرازی؛ **صبح الاعشی فی صناعة الانشاء**؛ بیروت: دار الكتب العلمیة، (بی‌تا).
- لوتمان، ی، اوسپنیسکی، بی، آی؛ در باب ساز و کار نشانه شناسی فرهنگ؛ ترجمه: فرزان سجودی. مجموعه مقالات نشانه شناسی فرهنگ. تهران: نشر مهر، (۱۳۹۰).
- محمد بن احمد بن الأزهري الھروي، أبو منصور؛ **تهذیب اللغة**؛ المحقق: محمد عوض مرعوب. دار إحياء التراث العربي - بیروت، (۲۰۰۱).

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین؛ التبیه و الاشراف؛ تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی.
القاهره: دار الصاوی، (بی‌تا).

معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ چ دوازدهم. تهران: امیرکبیر، (۱۳۷۷).
مکی، محمد کاظم؛ تمدن اسلامی در عصر عباسیان؛ ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت،
(۱۳۸۳).

ب) مقاله

آذرنوش، آذرتاش؛ «وام واژه‌های فارسی در نشوار المحاضره تنوخی (قرن چهارم) به قیاس
وامواژه‌های کهن‌تر»، مقاله نامه فرهنگستان /۴، (۱۳۸۶)؛ ص ۴۹-۶۷.

-----؛ «ابونواس»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، (۱۳۶۷)؛ ص ۳۴۱-۳۶۸.
-----؛ «الكلمات الفارسية في شعر الجاهلي»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۴۵ و ۴۶؛
(۱۳۶۷)؛ ص ۱۲-۱.

-----؛ «رسالة التبصر بالتحارة جاحظ و واژه‌های فارسی آن»، مقالات و بررسی‌ها، ش
۶۰، (۱۳۷۵)؛ ص ۵۹-۱۷۸.

-----؛ فرامرز میرزاوی و مریم رحمتی ترکاشوند؛ «واژه‌های فارسی در کتاب الامتاع
والمؤانسة ابوحیان توحیدی»، جستارهای زبانی، دوره پنجم، (۱۳۹۳)؛ ص ۱-۴۱.

امانی چاکلی، بهرام، سیده لیلا سنگدهی، مریم بیگدلی؛ «الفاظ معرب فارسی در حوزه جامه و
پوشش در معجم تاج العروس من جعفری، مسعود؛ واژه‌های فارسی کتاب الأعتبار»، مجله
مطالعات ایرانی، ش ۱۰، (۱۳۸۵)؛ ص ۵۷-۶۸.

جواهر القاموس و انعکاس آن در متون نخستین اسلامی، مجموعه مقالات همايش ترويج
زبان و ادبیات ایران، دوره ۸، (۱۳۹۲).

-----؛ «دراسة معربات جمهرة اللغة و مطابقتها في معجمي دهخدا و معین»، بحوث في
اللغة العربية وأدابها، (۱۳۴۲)؛ ص ۲۹-۴۲.

حدیدی، حسین؛ «نمود بلاغی واژه‌های فارسی در زبان عربی»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی،
دوره ۳، ش ۴، (۱۳۹۴)؛ ص ۵۱-۳۵.

داخواه، حسن؛ «فرهنگ ایرانی و واژه‌های فارسی در سروده‌های ابن معتز»، الدراسات الأبية،
عدد ۲ و ۳ و ۴، (۲۰۱۲)؛ ص ۱۴۹-۱۲۱.

سیزیان‌پور، وحید؛ «جستاری در کشف ریشه‌های ایرانی مفاهیم مشترک حکمی متنی و
فردوسی». مجله فرهنگ، ویژه ادبیات، (۱۳۸۴)؛ ص ۱۰۵-۸۳.

- بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان ؛ «تأثیر ترجمه عربی کلیله و دمنه بر ادب عربی». *مجله معارف*. دوره بیست و دوم. ش پیاپی ۶۴ و ۶۵، (۱۳۸۵)؛ ص ۸۵ - ۱۱۴
- و هدیه جهانی؛ «بررسی و اموازه‌های فارسی امثال مولد در مجمع الأمثال میدانی»، *مجله ادبیات تطبیقی کرمان*. ش ۱۰، (۱۳۹۳)؛ ص ۱۴۱ - ۱۶۷
- عامری، حیات؛ «و اموازه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*. ج ۱، ش ۲، (۱۳۹۵)؛ ص ۸۷ - ۱۰۴.
- فاتحی نژاد، عنایت الله؛ «واژه‌های فارسی و معرب در کهن‌ترین معجمات عربی (العين، جمهرة اللغة، تهذیب اللغة)»، *ویژه‌نامه فرهنگستان*. ش ۷، (۱۳۹۲)؛ ص ۲۴۵ - ۲۷۰
- محقق، مهدی؛ «تأثیر زبان فارسی در عربی». *محله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*. ش چهارم. س هفتم، (۱۳۹۹)؛ ص ۹۱ - ۱۰۰
- ؛ «واژه‌های فارسی در کتاب *تقویم الأدویة* حبیش بن ابراهیم تفلیسی»، نامه فرهنگستان، ش ۳ - ۶ (پیاپی ۱۵)، (۱۳۷۹)؛ ص ۸ - ۲۸
- مرادی، مریم و مرضیه رحمانی؛ «بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ با استفاده از فرضیه نسبیت و زبان‌شناسی». *محله نقد زبان و ادبیات خارجی*. دوره دوازدهم. ش ۱۶، (۱۳۹۵)؛ ص ۲۳۷ - ۲۵۸
- مرادیان، خدامراد؛ «تعرب یا عربی بودن واژه‌های بیگانه، واژه‌های پارسی در زبان تازی»، *محله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ش ۹۱ - ۹۲، (۱۳۵۴)؛ ص ۳۶۰ - ۳۶۴
- نظری، علیرضا و زهره اسد الله پور عراقی؛ «تداخل زبانی و دگرگونی معنایی و اموازه‌های عربی و جنبه‌های تأثیر آن بر ترجمه از عربی»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س پنجم، (۱۳۹۴)؛ ص ۹۷ - ۱۱۹

ج) منابع لاتین

“on language linguistics” new York, ny: continuum. Haroof, p. b,

فهرست واژگان معرب از فارسی

در این بخش از پژوهش به معرفی ۱۷۰۵ واژه این پژوهش می‌پردازیم. شیوه کار بدین صورت است که برای هر لغت نامه عددی انتخاب شده است و سپس برای هر دسته نیز عددی. ابتدا شماره دسته مورد نظر داخل پرانتز آمده، و بعد از آن، شماره لغت نامه بهمراه شماره صفحه آورده شده است. قبل از شروع فهرست ابتدا شماره‌ها ذکر شود:

شماره فرهنگ لغتها: العین^۱، جمهرة اللغة^۲، تهذيب اللغة^۳، الصحاح^۴، المحكم^۵، اساس البلاغه^۶، المعرب^۷، لسان العرب^۸ تاج العروس^۹ الفاظ الفارسية المعربة^{۱۰}
شماره دسته بنديها

صفات و حالات انسانی^{۱۱}، لباس و پوشاك^{۱۲}، اصطلاحات زبانی^{۱۳}، وسائل زندگی^{۱۴}، اصطلاحات مربوط به ساختمان، خانه، قصر، باغ و باجچه^{۱۵}، خوراکها^{۱۶}، مشاغل و حرفة‌ها^{۱۷} ابزارکار^{۱۸}، وسائل آشپزخانه^{۱۹}، عطر و لوازم آرایشی و بهداشتی^{۲۰}، زیور آلات و اشیا و سنگهای قیمتی^{۲۱}، نوشیدنیها و لوازمات آن^{۲۲}، کیفیت، اندازه و کمیت^{۲۳}، وسائل سوارکاری و اصطلاحات مربوط به آن^{۲۴} پارچه‌ها^{۲۵}، وسائل و اصطلاحات ارتباطی و راهداری^{۲۶}، شیرینی^{۲۷}، دریا و کشتیرانی^{۲۸}، اسباب بازی و لوازمات آن^{۲۹}، وسائل اندازه‌گیری^{۳۰}، روشنایی و تاریکی^{۳۱}، عید و جشن^{۳۲}، بازی^{۳۳}، مراکز شهری^{۳۴}، قومیت^{۳۵}، طعم و مزه^{۳۶}، زمان و وقت^{۳۷}، کود^{۳۸}، موجودات خیالی^{۳۹}، سبزیجات و گیاهان^{۴۰}، حیوانات^{۴۱}، درختان^{۴۲}، عناصر طبیعی^{۴۳}، پرندگان^{۴۴}، رنگها^{۴۵}، میوه^{۴۶}، گلها^{۴۷}، ادویه^{۴۸}، آجیل^{۴۹}، آبزیان^{۵۰}، دارو^{۵۱}، اعضای بدن^{۵۲}، نجوم و برجهای فلکی و اصطلاحات مربوط به تقویم^{۵۳}، بیماریها^{۵۴}، کشاورزی^{۵۵}، شکلهای اعداد ریاضی^{۵۶}، وسائل و اصطلاحات جنگی^{۵۷}، حکومت و کشورداری^{۵۸}، وسائل دیوانی^{۵۹}، مسائل اقتصادی^{۶۰}، مسکوکات، صفات و اسباب و لوازم آن^{۶۱}، اصطلاحات مربوط به موسیقی^{۶۲}، آلات موسیقی^{۶۳}، اسم علم^{۶۴}، متفرقات^{۶۵}، مبهم^{۶۶}.

- .۱ آب (الأباب): (۳۳) (۱۰، ۶)
- .۲ آباد (الأبد): (۳) (۱۰، ۶)
- .۳ آبدان (الإمدان): (۳۳) (۱۰، ۱۲)
- .۴ آبریز (الإبريق - إبريق): (۹) (۱۱۹۲/۲، ۲)
- .۵ آبزن (بنز): (۴) (۹، ۳۴/۲۵)
- .۶ آب سیر (العبس): (۳۱) (۱۰، ۱۴)
- .۷ آجر - آگور (الأجر): (۳۳) (۲، ۲/۱۱۹۰)
- .۸ آخ (أخ): (۳) (۱، ۴/۳۲۰)
- .۹ آخور (الآخر): (۵) (۱۰، ۱/۸)
- .۱۰ آذر (آذر): (۴۳) (۸/۱، ۱/۱۳۲)
- .۱۱ آذربایجان (أذربیجان): (۵۵) (۸/۱، ۱/۱۰۴)
- .۱۲ آذربایجان (أذربیجان): (۵۵) (۷، ۷/۱۴۶)
- .۱۳ آذرگون (الأذريون): (۳۵) (۸/۱، ۱۰)
- .۱۴ آذريون (آذريون): (۳۷) (۷، ۷/۳۵)
- .۱۵ ابر (الإبل): (۳۳) (۱۰، ۷)
- .۱۶ ابریشم (ابریشم): (۱۵) (۱۰، ۷/۹۵)
- .۱۷ ابزار (الأبزار): (۳۸) (۷، ۷/۱۱۴)
- .۱۸ ابزام (ابزيم): (۱۴) (۲، ۲/۱۱۹۳)
- .۱۹ ابسان (البسنة): (۱) (۱۰، ۱/۲۳)
- .۲۰ آبلوج (أبلوج): (۱۷) (۷، ۷/۳۵)
- .۲۱ ابن مفرض (ابن مفرض): (۳۱) (۱، ۱/۵۰)
- .۲۲ ابھت (الابھت): (۳) (۱۰، ۱/۱۰)
- .۲۳ ابیل (الأبیل): (۵۲) (۷، ۷/۱۳۷)
- .۲۴ اپرناک (الهبانق): (۱) (۱۰، ۱/۱۵۶)
- .۲۵ اترج (أترج): (۳۲) (۷، ۷/۳۵)
- .۲۶ اثار (ثور): (۶) (۹، ۹/۳۱۷)
- .۲۷ اجوق (أجوق): (۴۵) (۱۰، ۱/۲۱)

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

- ۱۰۵ استاد (الاستاذ): (۷) (۱۲۵، ۷) (۱۰) (۱۲۵، ۷) .۵۳
 استبرق (الاستبرق): (۱۵) (۱۳۲۶/۳، ۲) (۸) .۵۴
 استر (ستر): (۳۱) (۳۱۳/۹، ۳) (۱۰، ۱۰) (۱۰۸، ۷) .۵۵
 استوانه (استون): (۴۶) (۴۶، ۹، ۹) (۱۶۸/۳۵، ۷) (۷) .۵۶
 اسراف (سرف): (۵۰) (۵۰، ۸) (۱۴۸/۹، ۸) (۱۰) (۱۴۸/۹، ۸) .۵۷
 اسپاین (اسفاین): (۵۵) (۵۵، ۹) (۱۹۱/۳۵، ۹) .۵۸
 اسفند (أسفند): (۱۰) (۳۵، ۷) (۱۰، ۱۰) .۵۹
 اسفیوس (بخدق): (۳۰) (۳۰، ۵، ۵) (۳۱۹/۵، ۵) .۶۰
 آسک (آسک): (۵۵) (۵۵، ۷) (۱۲۴، ۷) .۶۱
 اسکدار (أسكدار): (۴۹) (۴۹، ۷) (۳۵، ۷) .۶۲
 اسکرجه (الاسكرجه والاسكرجه): (۹) (۹، ۷) .۶۳
 آسمان‌گون (السمانجوني والأسمانجوني): (۳۵) (۳۵) (۱۰، ۱۰) .۶۴
 آسمان‌گونه (السبتاجونه): (۳۱) (۳۱) (۱۰، ۱۰) (۸۴، ۷) .۶۵
 شباني (الأشباني): (۱۲) (۱۰، ۱۰) (۴۰/۴، ۴) (۱۴۹۰/۴، ۴) (۱۰/۱۰، ۴) .۶۶
 اشتريانه (زومانق): (۴) (۴، ۴) (۷۸، ۱۰) (۴۰/۲۵، ۹) .۶۷
 اشچ (أشچ-أشق): (۴۱) (۴۱، ۷) (۳۶، ۷) .۶۸
 اشچ (الأشنة): (۱۰) (۱۰، ۱۰) (۱۱، ۱۰) .۶۹
 اشقت (الأشقة): (۴۱) (۴۱، ۳) (۱۶۹/۹، ۳) (۱۱، ۱۰) .۷۰
 اشقاقل (الأشقاقل): (۴۱) (۴۱، ۱۰) (۱۱، ۱۰) .۷۱
 اشكز (الاشكن): (۱۴) (۱۴، ۹) (۱۸۰/۱۵، ۹) (۸) (۵/۱۰) .۷۲
 آشنا (الأوشن): (۳) (۳، ۱۰) (۱۱، ۱۰) .۷۳
 آشوب (أشب-أشبُوب): (۳) (۹۴/۸، ۵) (۹۴/۸، ۵) (۹۵، ۷) .۷۴
 اصطبل (الكتوان): (۵) (۵، ۱۰) (۱۳۵، ۷) .۷۵
 اصطخر (إصطخر): (۵۵) (۵۵، ۷) (۱۴۸، ۷) .۷۶
 اصطخر (طrix): (۵) (۵، ۱۰) (۱۱۱، ۱۰) .۷۷
 اسلم اکواش (أسلم الكوش): (۴۹، ۷) (۴۹، ۷) .۷۸
- ۱۳۶ ارجان (ارج): (۵۵) (۵۵، ۸) (۲۰۷/۲، ۸) (۱۳۶، ۷) .۲۸
 ارجان (الأرجان): (۳۲) (۳۲، ۸) (۱۰، ۱۰) (۱۳۷) .۲۹
 اردشاھي (الأرضي شوكى): (۳۰) (۳۰، ۸) (۱۰، ۱۰) .۳۰
 ارز (الأرش): (۵۰) (۵۰، ۸) (۱۰، ۱۰) (۷۲، ۱۰) .۳۱
 ارزن (الأرزن): (۳۲) (۳۲، ۸) (۱۰، ۱۰) .۳۲
 ارغوان (ارجوان): (۳۵) (۳۵، ۹) (۹، ۹) (۱۳۰/۳۸، ۴) (۴، ۴) .۳۳
 ارغوان (أرجوان): (۳۷) (۳۷، ۸) (۱۱۲، ۷) (۲۳۵۳/۶، ۶) .۳۴
 ارمغان (البرمغان): (۵۶) (۵۶، ۸) (۱۰، ۱۰) (۱۶۰) .۳۵
 ارمول (أرمول): (۱) (۱، ۱) (۲۶۶/۸، ۳) (۳، ۳) .۳۶
 اروميه (أرميه): (۵۵) (۵۵، ۷) (۱۴۱، ۷) .۳۷
 آرى (آرا): (۳) (۳، ۷) (۳۵، ۷) .۳۸
 ارياجه (ارياجه): (۴۱) (۴۱، ۸) (۱۰۴/۱، ۸) .۳۹
 اريكه (الأريكة): (۴) (۴، ۹) (۱۰، ۹) .۴۰
 آزاد (أزد): (۶) (۶، ۹) (۳۷۳/۹، ۹) (۱۴۳، ۷) .۴۱
 آزاددرخت (الآزاددرخت): (۳۲) (۳۲، ۹) (۱۰، ۱۰) .۴۲
 آسا (الأسوة): (۳) (۳، ۱۰) (۱۰، ۱۰) .۴۳
 اسب (اسبيرج): (۱۹) (۱۹، ۹) (۴۰۲/۵، ۹) (۸) .۴۴
 اسب (الإسب): (۳۱) (۳۱، ۷) (۳۵، ۷) (۱۴۹) (۱۰، ۹) .۴۵
 اسب بان (الإسبادة): (۷) (۷، ۹) (۱۰، ۱۰) .۴۶
 اسبد (أسبد): (۲۵) (۲۵، ۹) (۳۷۴/۹، ۹) (۸) (۳، ۸) .۴۷
 اسبست - یونجه (الأسبست - الفصافص): (۴۹/۴، ۴) (۱۰۴۹/۳، ۲) (۱۲۲۳/۳، ۲) (۳۰) .۴۸
 اسپرک (شبرق): (۳۲) (۳۲، ۸) (۱۷۱/۱۰، ۸) (۸۵/۱۲، ۳) (۱۰، ۱۰) (۴۶۹، ۷) .۴۹
 اسپست (القصب): (۳۰) (۳۰، ۸) (۱۷۸/۱، ۸) (۲) (۲۷۸/۱، ۸) .۵۰
 اسپهديه (الأصبهنيه): (۵۱) (۵۱، ۱۰) (۱۰۷، ۱۰) (۲۰۹/۱، ۴) (۲۰۳، ۵) (۲۷۴/۸، ۵) (۶۶/۷، ۸) (۷۵/۱۸) .۵۱
 اسپوار (أسوار): (۱) (۱، ۷) (۳۶، ۷) (۴۹، ۷) .۵۲

-
- | | |
|---|--|
| <p>.۷۹ أضباء (أضباء): (۳) (۱۲، ۳، ۶۴)</p> <p>.۸۰ أطخم (طخم): (۳۵) (۲، ۲، ۶۱/۱)</p> <p>.۸۱ اطماط (الأطماط): (۳۹) (۱۰، ۱۱)</p> <p>.۸۲ افر (أفر): (۳) (۱۰، ۱۰، ۱۱)</p> <p>.۸۳ افسار (السفار): (۱۴) (۱۰، ۱۰، ۹۱)</p> <p>.۸۴ اك (الأك): (۳) (۱۰، ۱۰، ۱۲)</p> <p>.۸۵ اكانه (اجانة): (۴) (۸، ۵، ۴۹/۷)</p> <p>.۸۶ الا (الاُلُوَّة): (۴، ۲، ۱۰) (۲۴/۱، ۲، ۲۲۷۱/۶)</p> <p>.۸۷ الموت (الموت): (۵۵) (۱۰، ۱۰، ۱۴۴)</p> <p>.۸۸ آماج (الأماج): (۴۷) (۱۰، ۱۰، ۱۲)</p> <p>.۸۹ آمد (الأمد): (۲۷) (۱۰، ۱۰، ۱۲)</p> <p>.۹۰ املح (الأملح): (۴۱) (۷، ۳۶، ۱۰، ۱۴۶)</p> <p>.۹۱ انبار (أنبار): (۵) (۷، ۱، ۳۲۹/۱)</p> <p>.۹۲ انبر (الهنبر): (۳۱) (۱۰، ۱۰، ۱۵۸)</p> <p>.۹۳ انه (الأنج): (۳۶) (۷، ۱۰، ۱۰، ۱۵۳)</p> <p>.۹۴ انجمن (الهنمن): (۵۶) (۷، ۱۰، ۱۵۸)</p> <p>.۹۵ انجيذج (أنجيذج): (۴۹) (۷، ۳۶)</p> <p>.۹۶ اندازه (الهنداز): (۲۰) (۹، ۱۵/۳۹۱)</p> <p>.۹۷ اندام (الهندام): (۴۲) (۷، ۹، ۳۴/۷۹)</p> <p>.۹۸ اندام (هدم): (۴۲) (۴، ۴، ۵/۶۰۲۰)</p> <p>.۹۹ اندرآ (اندرم): (۳) (۸، ۸، ۱۲/۱۰)</p> <p>.۱۰۰ اندرود (أندراؤرد): (۲) (۷، ۷، ۱۴۶)</p> <p>.۱۰۱ اندرون (الإدرون): (۵) (۱۰، ۱۰، ۸)</p> <p>.۱۰۲ اندرونست (تیچ): (۳) (۸، ۲/۴۱۸)</p> <p>.۱۰۳ انک (الآنک): (۳) (۱۰، ۱۰، ۱۲)</p> <p>.۱۰۴ انکبار (إنجبار): (۳۰) (۸، ۱۰، ۳۸)</p> <p>.۱۰۵ انگدان (الحلتیت): (۴۱) (۱۰، ۱۰، ۵۱)</p> | <p>.۱۰۶ انگشتدان (الأشتان): (۸) (۷، ۳۶ و ۱۲۵)</p> <p>.۱۰۷ انگشتدان (الأنجذان): (۳۰) (۱۰، ۱۰، ۱۵۰)</p> <p>.۱۰۸ انوشیروان (أتوشرووان): (۵۵) (۷، ۷، ۱۱۶)</p> <p>.۱۰۹ آهن (الأهن): (۳۳) (۰، ۱۰، ۱۰، ۱۳)</p> <p>.۱۱۰ آهو (الآهو): (۳۱) (۱۰، ۱۰، ۱۳)</p> <p>.۱۱۱ اهواز (أهواز): (۵۵) (۷، ۷، ۱۴۷)</p> <p>.۱۱۲ اواره (أوارحة): (۴۹) (۷، ۷، ۳۶)</p> <p>.۱۱۳ آواز (الأواز): (۵۳) (۰، ۱۰، ۱۳)</p> <p>.۱۱۴ اوپاش (الأباشة): (۳) (۱۰، ۱۰، ۷)</p> <p>.۱۱۵ اووس (الأوس): (۳۱) (۱۰، ۱۰، ۱۳)</p> <p>.۱۱۶ اوستان (أوزج): (۵) (۳، ۳، ۱۰/۱۰۴)</p> <p>.۱۱۷ اياره (إياره): (۴۱) (۷، ۷، ۳۶)</p> <p>.۱۱۸ ايون (الإيون): (۴۹) (۷، ۷، ۱۱۳)</p> <p>.۱۱۹ ايون (الإيون): (۵) (۰، ۱۰، ۱۳)</p> <p>.۱۲۰ آینن (آینن): (۵۲) (۷، ۷، ۳۶)</p> <p>.۱۲۱ با (بأج): (۶) (۸، ۵/۰۴۰)</p> <p>.۱۲۲ باب (البابة): (۳) (۰، ۱۰، ۱۶۰)</p> <p>.۱۲۳ بابادی (الباباری): (۳۸) (۷، ۷، ۳۵)</p> <p>.۱۲۴ باپونه (بابونج): (۳۷) (۷، ۷، ۳۶)</p> <p>.۱۲۵ بادخیز (بادغیس): (۳) (۹، ۹/۱۵، ۴۴۲)</p> <p>.۱۲۶ بادرنگبو (البورنك): (۱۰) (۰، ۱۰، ۳۰)</p> <p>.۱۲۷ بادررو (بادرروج): (۱۰) (۸، ۸/۱۳۸)</p> <p>.۱۲۸ بادروج (البادروج): (۳۰) (۰، ۱۰، ۱۴)</p> <p>.۱۲۹ بادرود (البادرود): (۳۰) (۰، ۱۰، ۱۵)</p> <p>.۱۳۰ بادمجان (باذتجان): (۳۶) (۵، ۵، ۵۹۴/۷)</p> <p>.۱۳۱ باده (الباطية): (۱۲) (۷، ۷، ۲۱۱)</p> <p>.۱۳۲ باده (بادق): (۱۲) (۸، ۸/۱۰)</p> <p>.۱۳۳ باده (۷/۹، ۷، ۲۰۸)</p> <p>.۱۳۴ باذان (بدن): (۲۵) (۹، ۹، ۳۴/۲۴۰)</p> |
|---|--|

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

- براستق (سمط - السميط): (۱) (۹، ۱۹) (۳۸۲/۱۹).
براستک (سوط): (۵) (۴، ۴) (۱۱۳۵/۳).
بربط (البريط): (۵۴) (۸/۷) (۲۵۸) (۳) (۳۷/۷) (۱۸، ۱۰) (۱۳۸/۱۹).
بریند (البریطاء): (۲) (۱۸، ۱۰) (۱۳۸/۱۹).
بربوز (البربوز): (۱) (۱۸، ۱۰).
برتا (برط): (۲) (۲، ۲) (۱۳۲۶/۳).
برخ (برخ): (۳) (۸/۳) (۸) (۷/۳).
برخداء (البرخاداء): (۱) (۱۸، ۱۰).
برده (برده): (۱) (۴، ۳) (۲۹۹/۱۱).
بردهدان (بردع): (۲۴) (۹/۲۰).
بردي (البردي): (۶) (۱۰) (۱۹، ۱۰).
برديس (البردسه): (۴۲) (۲، ۲) (۱۱۱۷/۲).
برز (البرز): (۵۶) (۵۶).
برزخ (البرزخ): (۵۲) (۱۰، ۱۰).
برزن (برزن): (۹) (۲، ۲) (۱۱۹۱/۲).
برزه (برزة): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۸۹، ۹).
برزون (البرذون): (۳۱) (۱۰، ۱۰).
برزیق (البرزق): (۵۵) (۲، ۲) (۱۱۱۹/۲).
برس (البرس): (۵۶) (۷/۲۵).
برسام (البرسام): (۴۴) (۲، ۲) (۱۲۰/۲).
برسماشان (البرسماشان): (۳۰) (۱۰، ۱۰) (۲۰۵/۳۱).
برشامه (البرشم): (۲) (۱۰، ۱۰).
برشوم (البرشوم): (۶) (۱۰، ۱۰) (۷۵/۲۸).
برطيل (برطل): (۳) (۷/۷) (۲۱) (۳۷).
برق (البرق): (۲۱) (۷/۷).
برنامه - بارنامه (برنامج): (۴۹) (۹، ۹) (۴۲۱/۵).
بار (الباره): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۵).
بارگاه (البارجاه): (۵) (۷) (۱۹۹).
باز (الباع): (۳) (۱۰، ۱۰) (۳۱).
باز (باز): (۳۴) (۷/۷) (۱۵، ۱۰).
بازار (البازار): (۵۰) (۱۰، ۱۰) (۱۵).
بازرگان (البازگان): (۷) (۷).
بازل (البزل): (۳۱) (۱۰، ۱۰) (۲۲).
بازوبند (معضد): (۱۱) (۹/۸).
بازيان (البizar): (۷) (۷/۷).
باشه: باشق: (۳۴) (۱، ۱) (۴۶/۵).
و (۹۴).
باغ (الباغ): (۱) (۱۰) (۳۱).
باقلى (الباقى): (۳۰) (۹/۸).
بالاور (بلهور): (۳۳) (۱۰) (۲۷).
باله (الباله): (۴) (۸) (۱۲۵/۲۸).
باهاوا (نهى): (۴) (۸) (۳۴۳/۱۵).
بيا (الباب): (۵) (۱۰، ۱۰) (۳۰).
بير (بير): (۳۱) (۷/۷) (۳۷).
بت (بد): (۵۲) (۱، ۱) (۱۳/۸).
بت (بط): (۹) (۷/۷) (۴۴۵/۲).
بعجه (البيج): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
بعخ بع (بخبخ): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
بحت (بخت): (۳) (۱، ۲) (۲۵۲/۱).
بحتيار (البحتير والبحترى): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
بحدق (بحدق): (۳۰) (۸) (۱۳/۱۰).
بحنس (البحنس): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
بحيه (البحتى): (۲) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
بد (البيد): (۳) (۱۰، ۱۰) (۳۲).
بدرقه (بدرق و بدراق): (۴۷) (۲، ۲) (۱۱۱۸/۲).
بدرقه (بدرق و بدراق): (۴۷) (۱۰، ۱۰) (۱۴/۱).
برازيق (البرازيق): (۳) (۹، ۹) (۱۰، ۱۰) (۱۷).
برسيانه (برسيانه): (۳) (۷، ۷) (۱۵، ۱۰).

-
- | | |
|---|--|
| <p>٢١٤ بسفارداج (بسفارداج): (٣٦) (٣٧، ٧)</p> <p>٢١٥ بشام (البسام): (٣٢) (٢٤، ١٠)</p> <p>٢١٦ بشيش (البشيش): (٣٠) (٢٣، ١٠)</p> <p>٢١٧ بشكه (شغنة): (٤) (١١٥٧/٢، ٢)</p> <p>٢١٨ بشم (البشم): (٣٠) (٢٤، ١٠)</p> <p>٢١٩ بغداد (بغداد): (٥٥) (٥، ٥) (٨٧/٦، ٨) (٨٣)</p> <p>٢٢٠ بغشر (بغشر): (٣) (٢٢٦/١٠، ٩)</p> <p>٢٢١ بقم (البقم): (٣٥) (١١٦٧/٢، ٢)</p> <p>٢٢٢ بكر (بكر): (٣٤) (٧٦/٤، ٨)</p> <p>٢٢٣ بكمات (البكمات): (٦) (٢٥، ١٠)</p> <p>٢٢٤ بكن (القتنق): (٧) (٢٢٠/١، ٥)</p> <p>٢٢٥ بليوس (البليوس): (٣٦) (٢٦، ١٠)</p> <p>٢٢٦ بلح (بلح): (٣٤) (٧٤/١، ٦)</p> <p>٢٢٧ بلسن (البلسن): (٦) (٢٦، ١٠)</p> <p>٢٢٨ بلندی (البلندی): (٥٦) (٢٦، ١٠)</p> <p>٢٢٩ بم (البم): (٥٣) (١٩٥٥، ٧)</p> <p>٢٣٠ بم (بم): (٥٥) (١٦٥، ٧)</p> <p>٢٣١ بن (البنج - البنک): (٥٦) (٨٤/٢٧، ٩)</p> <p>٢٣٢ بنات (البنات): (٤١) (٢٨، ١٠)</p> <p>٢٣٣ بند (البند): (٤٧) (٤٥١/٧، ٩)</p> <p>٢٣٤ بندر (البندر): (١٨) (٢٧، ١٠)</p> <p>٢٣٥ بندق (البندق): (١٩) (١٤٥٤/٤، ٤)</p> <p>٢٣٦ بنشين (بنش): (٣) (٢٨، ١٠)</p> <p>٢٣٧ بنفسه (بنفسج): (٣٧) (٢٠٥، ٧)</p> <p>٢٣٨ بنق (البنق): (٢) (٣٧٤/١، ٢)</p> <p>٢٣٩ بنكدار (البندار): (٧) (٢٨، ١٠)</p> <p>٢٤٠ بهادر (البهادر): (١) (٢٨، ١٠)</p> <p>٢٤١ بهار (البهار): (٢٧) (١٨٠، ٧)</p> <p>٢٤٢ بهار (البهار): (٥٦) (٨) (٨١، ٤) (٣٨، ٧)</p> <p>٢٤٣ (٢٩، ١٠)</p> | <p>١٨٩ برنى (البرنى): (٥٦) (١٨، ١٠)</p> <p>١٩٠ برنجاسب (البرنجاسف): (٣٠) (٢٠، ١٠)</p> <p>١٩١ برنگ - برنج كابلی (البرنج والبرنک): (٦) (٢٠، ١٠)</p> <p>١٩٢ برنى (البرنى): (٦) (٨) (٤٩ / ١٣، ٥)</p> <p>١٩٣ بره (البدج): (٣١) (٢) (٢٦٥/١، ٧)</p> <p>١٩٤ بره (برق): (٣١) (٢) (١٣٢٦/٣، ٩)</p> <p>١٩٥ بري (برق): (٤٠٠/٦، ٥)</p> <p>١٩٦ بريان (البرهان): الحجة والدليل ومعناه الواضح الظاهر المعلوم. (٢١، ١٠)</p> <p>١٩٧ بريدن (برى): (٥٦) (١٨، ١٠)</p> <p>١٩٨ بز (بز): (٣١) (١٥، ٩)</p> <p>١٩٩ بزرگ (البزرک): (٤٨) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠٠ بزرگ (البزرک): (٥٣) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠١ بزریش (معتز اللحیة): (١) (٢٤٩/١٥، ٩)</p> <p>٢٠٢ بزم (البزمة): (٢٢) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠٣ بزمکاه (بزمخ): (٢٢) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠٤ بزیون (البزیون): (١٥) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠٥ بس (بس): (٣) (٤٢٧/٨، ٥)</p> <p>٢٠٦ بسپایه (بسپایج): (١٠) (٣٧، ٧)</p> <p>٢٠٧ بست (البست): (٤٥) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢٠٨ بستان (البستان): (٥) (١٦٦، ٧)</p> <p>٢٠٩ بستان (بستان): (٣) (٩٨، ٧)</p> <p>٢١٠ بستانی (البستانی): (٧) (٢٢، ١٠)</p> <p>٢١١ بستوق (بستوقة): (٤) (٣٧، ٧)</p> <p>٢١٢ بسذ (البسذ): (١١) (٣٧٧/٩، ٩)</p> <p>٢١٣ بسطام (بسطام): (٥٥) (٢، ٢)</p> <p>٢١٤ بسطام (بسطام): (٥٥) (١٣٢٦/٣، ٧)</p> <p>٢١٥ (١٧١ - ١٧٠)</p> |
|---|--|

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۰۹
❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پیز و زمستان ۱۳۹۷

- | | |
|---|---|
| <p>بوم (اليوم): (۳) (۵۷) (۴۲۴/۱۵، ۳). بیاب (البيَاب): (۷) (۱۰) (۳۱، ۱۰). بیابان- بی آب (البياب): (۱۰) (۳۳) (۱۰، ۱۰). بیان (الخباء): (۴) (۷، ۷) (۲۸۲). بیت (البيت): (۵۰) (۱۰) (۳۲، ۱۰). بیجادق (البيجادق): (۱۱) (۳۲، ۱۰). بیرق (البيرق): (۴۷) (۳۲، ۱۰). بیرم (برام): (۸) (۴۳، ۸) (۴۳/۱۲، ۴) (۱۸۷۰/۵، ۴). بیله (بالله): (۱۰) (۴، ۴) (۱۶۴۲/۴، ۵). بیله (بالله): (۱۰) (۴) (۴۳۵/۱۰، ۳) (۲۸۳/۱۵، ۷) (۱۶۴ - ۱۳۶). بیمارستان (بیمارستان): (۵) (۳۸، ۷) (۱۰). بیمارستان (مارستان): (۲۴) (۷، ۷) (۵۷۷، ۱۰). پاپوش (البابوج): (۲) (۱۰) (۱۴، ۱۰). پاداش (الفاداش): (۵۲) (۲۶۸، ۷). پارس (الفارس): (۳۱) (۱۱۸، ۱۰). پارس- فارس (فارس): (۵۵) (۴۷۳، ۷). پاره پاره (فرفر): (۱۳) (۱۱۹، ۱۰). پاشا (الباشا): (۴۸) (۱۶، ۱۰). پاک (الباک): (۳) (۹۹، ۷). پالانی (حمر): (۳۱) (۲۰۸ / ۴، ۸). پالوده- فالوده (فالوذ): (۱۷) (۴۸۰، ۷). پانید (فند): (۱۷) (۱) (۱۸۹/۸، ۹). پای در - خرمنگاه (البيدر): (۴۵) (۳۲، ۱۰). پایاب (الأنبوب): (۵) (۱۰، ۱۰) (۱۵۰ - ۱۴۹). پای‌ها (البالغاء- البلغ): (۴۲) (۴۴۹/۲۲، ۹). پای (۱۳۱۷/۴، ۴) (۵۳۷/۵، ۵) (۱۶۳، ۷). پتیاره (الفتکر): (۱) (۱۱۷، ۱۰). پیچ پیچ (القیفج): (۳) (۱۱۷، ۱۰). </p> | بهر (بهر): (۳۰) (۹) (۲۶۵/۱۰، ۹). بهرام (البهرام): (۳۰) (۴۹۱/۴، ۹). (۳۸، ۷) (۲۹، ۱۰) (۴۳۴/۵). بهرامن (البهرم): (۳۰) (۱۰) (۲۹، ۱۰). بهرج (بهرج): (۳۰) (۴۳۳/۵، ۹). بهرمان (بهرمان): (۳۵) (۲، ۲) (۱۳۲۴/۳، ۷). بهره (البهرج): (۵۰) (۱۰) (۱۶۲، ۷). بهزر (البهر): (۵۶) (۱۰) (۲۹، ۱۰). بھط (البھط): (۶) (۱۷۴/۱۹، ۹) (۱۷۴/۱۹، ۹). بھمان (البھمۃ): (۳۱) (۱۰) (۱۱۱۷/۳، ۴). بھمن (البھمن): (۴۳) (۱۰) (۳۰، ۱۰). بھو (البھو): (۵) (۱۰) (۱۴۷، ۷). بواسیر (الباسور): (۴۴) (۷، ۷). بوته- کورۂزرگری (البوتقة): (۴۱) (۱۰). (۳) (۱۰) (۱۰). بوته- کورۂزرگری (البوتقة): (۸) (۱۰) (۳۰). بوج (بوج): (۲۱) (۸) (۲۱۷/۲، ۸). بوریا (باری): (۴) (۲، ۲) (۱۳۲۶/۳، ۵). (۸) (۸۶ / ۴، ۸) (۵۹۵/۲، ۴) (۳۳۲ - ۳۰۹/۱۰). (۳۷) (۱۰) (۱۰). بوریا (بور): (۵) (۹) (۲۵۵/۱۰، ۹). بوزی (بوص): (۱۸) (۲) (۹) (۸۷/۱). (۵۰۰/۱۷، ۷) (۳۸۲/۸، ۵) (۹ / ۷، ۸). (۳۱) (۱۰) (۱۶۸). بوزینه (البهنانة): (۳۱) (۱۰) (۳۰، ۱۰). بوس (بوس): (۳) (۹) (۴۷۱/۱۵، ۹) (۴) (۹۱۰ / ۳). (۳۱ / ۶، ۸). بوستان افروز (عبير): (۳۷) (۴، ۴) (۷۳۵/۲). (۵۱۷/۱۲، ۸) (۴ / ۴، ۸). بوسیلیک (البوسلیک): (۵۳) (۱۰، ۱۰) (۳۱). بوش دربندی (البوش دربندی): (۴۴) (۱۰). (۳۱). بوطانیة (البوتانية): (۳۰) (۱۰) (۳۱). |
|---|---|

-
- | | |
|--|---|
| <p>پشک (البشع): (۲۴، ۱۰) (۳۳) (.۳۲۲)</p> <p>پشور (الفشار): (۳) (۱۲۰، ۱۰) (.۳۲۳)</p> <p>پلاس (البلاس): (۲) (۲، ۹) (۳۴۰/۱) (.۳۲۴)</p> <p>- (۴۶۲/۱۵) (۴، ۳/۳) (۹۰۹، ۷) (۳۷، ۷) (۱۰، ۱) (.۳۲۵)</p> <p>(۱۵۸) (.۳۲۶)</p> <p>پلید (البلید): (۱) (۱۰، ۱۰) (۲۶) (.۳۲۷)</p> <p>پلید اندام (البلندم): (۱) (۱۰، ۱۰) (۲۶) (.۳۲۸)</p> <p>پنج انگشت (البنجكشت): (۳۰) (۱۰، ۱۰) (۲۷) (.۳۲۹)</p> <p>پنج انگشت (البنججست): (۴۲) (۱۰، ۱۰) (۲۷) (.۳۳۰)</p> <p>پنجره (الفنر): (۵) (۱۰، ۱۰) (۱۲۲) (.۳۳۱)</p> <p>پنجکیه (البنجکیه): (۲۵) (۷، ۷) (۱۹۱) (.۳۳۲)</p> <p>پنچگان (فرج): (۲۳) (۳، ۳) (۱۶۴/۱۱) (.۳۳۳)</p> <p>(۱۶۴/۶) (۴۶۴، ۷) (۳۴۹/۲/۸) (.۳۳۴)</p> <p>بنک (الفنک): (۲۰) (۱۰، ۱۰) (۱۲۲) (.۳۳۵)</p> <p>پهلوان (البهلوان): (۱) (۱۰، ۱۰) (۲۹) (.۳۳۶)</p> <p>پوزه (البوزة البوظة): (۱۲) (۱۰، ۱۰) (۳۱ - ۳۰) (.۳۳۷)</p> <p>پولاد (الفولاد): (۳۳) (۷، ۷) (۴۸۰، ۱۰) (۱۲۱) (.۳۳۸)</p> <p>پیاده (البیاده): (۴۷) (۱۰، ۱۰) (۳۲) (.۳۳۹)</p> <p>پیاده (البیندق): (۱) (۷، ۷) (۲۱۱) (.۳۴۰)</p> <p>پیاله (البیکام): (۹) (۱۰، ۱۰) (۲۸) (.۳۴۱)</p> <p>پیاله (فیالجه): (۴) (۹، ۹) (۲۲۶/۲۹) (.۳۴۲)</p> <p>پیچاندن (ألوى): والألوى : (۳) (۳، ۳) (.۳۴۳)</p> <p>(۴۱۰/۹/۵) (۳۲۰/۱۵) (.۳۴۴)</p> <p>پیروزج (المیروزج): (۱۱) (۷، ۷) (۹۷) (۱۰) (.۳۴۵)</p> <p>(۱۲۲) (.۳۴۶)</p> <p>پیش پاره (شفارج - الشیشفارج): (۶) (.۳۴۷)</p> <p>(۳۰۸/۲/۸) (۴۵، ۷) (۳۲۴/۱) (.۳۴۸)</p> <p>پیش تخته (البیشخته): (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۲۴) (.۳۴۹)</p> <p>پیک (البیک): (۱۶) (۵، ۵) (۵۱۰/۷) (.۳۵۰/۲) (.۳۴۱)</p> <p>(۷، ۷) (۴۷۳) (۱۲۲، ۱۰) (.۳۴۲)</p> <p>پیک (فیج): (۱۶) (۱، ۱) (۱۸۶/۶) (.۳۴۳)</p> <p>(۱۰۴۳/۲) (۲) (.۳۴۴)</p> <p>پیله (الفیلجه): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۲۳) (.۳۴۵)</p> | <p>پخته (البختج): (۳) (۸، ۸) (۲۱۱/۲) (.۳۴۶/۵) (.۳۴۷)</p> <p>(۱۷، ۱۰) (.۳۴۷)</p> <p>پر زغ (البرزع): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۹) (.۳۴۷)</p> <p>/ (۲۷۸/۲۶، ۹) (۶) (.۳۴۷)</p> <p>(۱۰، ۸) (۱۱۸، ۱۰) (۴۷، ۷) (۴۷/۴) (۱۵۴/۳) (.۳۴۷)</p> <p>پریهین (فرفح): (۵) (۵، ۵) (۳۱۸/۷) (.۳۴۷)</p> <p>(۱۱۹، ۱۰) (۴۴/۳) (.۳۴۷)</p> <p>پرتو (البرت): (۲۱) (۱۰، ۱۰) (۱۸) (.۳۴۷)</p> <p>پرچین (الفرجين): (۵) (۱۰، ۱۰) (۱۱۸) (.۳۴۷)</p> <p>پرخاش (البرخاش والخرباش): (۳) (۱۰، ۱۰) (۱۸) (.۳۴۷)</p> <p>پردز (البردیس): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۹) (.۳۴۷)</p> <p>پردیس (الفردوس): (۵۲) (۷، ۷) (۴۷۰) (.۳۴۷)</p> <p>پردیس (برجیس): (۴۳) (۷، ۷) (۳۷) (.۳۴۷)</p> <p>پرزال (البرزل): (۱) (۱۰، ۱۰) (۱۹) (.۳۴۷)</p> <p>پرستو (البرستوك): (۳۴) (۱۰، ۱۰) (۲۰) (.۳۴۷)</p> <p>پرستوک (البلسک): (۳۴) (۱۰، ۱۰) (۲۶) (.۳۴۷)</p> <p>پرگار (البرکار): (۸) (۱۰، ۱۰) (۲۰) (.۳۴۷)</p> <p>پرگار (دور): (۸) (۱۰، ۹) (۳۳۳-۳۳۴/۱۱) (.۳۴۷)</p> <p>پرگار «دایرة پرگار» (الطربال): (۵۵) (۱۰، ۱۰) (۱۱۱) (.۳۴۷)</p> <p>پرگنه (البرکة): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۲۰) (.۳۴۷)</p> <p>پرنیان (البرگان): (۲) (۱۰، ۱۰) (۲۰) (.۳۴۷)</p> <p>پرواز (البرواز): (۵۶) (۹، ۹) (۳۳۳-۳۳۴/۱۱) (.۳۴۷)</p> <p>پروانک (فرانق): (۳۱) (۴، ۴) (۱۵۴/۴) (.۳۴۷)</p> <p>(۴۶۶، ۷) (۳۰۷/۱۰) (.۳۴۷)</p> <p>پروانه (البروانة): (۳۴) (۱۰، ۱۰) (۲۱) (.۳۴۷)</p> <p>پروز (الفروز): (۲) (۱۰، ۱۰) (۱۱۸) (.۳۴۷)</p> <p>پروه (الفرو): (۲) (۹، ۹) (۲۵/۳۴) (.۳۴۷)</p> <p>پسته (البستج): (۳۹) (۱۰، ۱۰) (۲۲) (.۳۴۷)</p> <p>پسته (فستق): (۳۹) (۸، ۸) (۳۰۸/۱۰) (.۳۴۷)</p> <p>(۱۱۹، ۱۰) (۲۵/۳۴) (.۳۴۷)</p> <p>پسته (البستج): (۳۹) (۱۰، ۱۰) (۲۲) (.۳۴۷)</p> <p>پسته (فستق): (۳۹) (۸، ۸) (۳۰۸/۱۰) (.۳۴۷)</p> <p>(۱۱۹، ۱۰) (۴۶۶، ۷) (۳۰۱/۲۶) (.۳۴۷)</p> <p>پسندیده (إیسن): (۳) (۱۰، ۱۰) (۲۳) (.۳۴۷)</p> <p>پشت (البشت): (۴۲) (۱۰، ۱۰) (۲۴ - ۲۳) (.۳۴۷)</p> |
|--|---|

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۱۱

❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- .۳۷۰ تخت‌دار (دخدار): (۷) (۹، ۹) (۲۷۷/۱۱) (۴)
- .۳۷۱ تدور (الدرج): (۳۴) (۲۲۵، ۷) (۶۵۵/۲) (۲۷۹/۴) (۳۴۱/۵) (۵، ۵) (۲۹۳، ۸) (۲۷۹)
- .۳۷۲ تر: (التر): (۸) (۴۶۲/۹) (۴۶۲/۱۰) (۹، ۹) (۲۸۲/۱۰) (۸) (۲۲۲، ۷) (۸۹/۴)
- .۳۷۳ ترازو و دان (طرازدان): (۴) (۲) (۷۰۴/۲) (۴) (۲۸۳/۳) (۱۹۵-۱۹۶/۱۵) (۸) (۳۶۸/۵) (۸) (۷) (۱۱۲) (۴۶)
- .۳۷۴ تربذ (التربد): (۴۱) (۱۰) (۳۴) (۱۱۲، ۱۰) (۳۰) (۱۱۲، ۱۰)
- .۳۷۵ ترخون (الطرخون): (۴) (۴۶۷/۸) (۵، ۵) (۴۶۷) (۱۱۲، ۱۰)
- .۳۷۶ ترس (الترس - مشجر): (۴) (۴) (۴۷۸/۱۵) (۹) (۴۷۷/۱۵) (۹) (۲۴۱/۷) (۵، ۵) (۳۲/۶) (۸) (۱۰) (۱۴۳، ۱۰)
- .۳۷۷ ترسو (الطرسع): (۱) (۱۱۲، ۱۰) (۲۶) (۳۴، ۱۰)
- .۳۷۸ ترش (ترش): (۱) (۱۱۲، ۱۰) (۳۶، ۱۰)
- .۳۷۹ ترکش (التلکش): (۴) (۳۶، ۱۰)
- .۳۸۰ ترنج - منک (الأَنْرَج): (۴) (۳۶) (۱۴۳، ۱۰)
- .۳۸۱ ترنجین - شیرخشت (الترنجین): (۴) (۱۰) (۳۵)
- .۳۸۲ ترنوک (الترنوک): (۱) (۱۰) (۳۵)
- .۳۸۳ تره (تره): (۱۶) (۴۸۰/۱۳) (۸) (۳۵۴/۳۶) (۹)
- .۳۸۴ تریاک (ترق: والریاک): (۴۱) (۸) (۳۲/۱۰) (۴) (۱۴۵۳/۴) (۱۱۳/۲۵) (۹) (۲۹۵، ۷)
- .۳۸۵ تریان (الطريان): (۴) (۳) (۲۵۸/۱۱) (۱۰) (۱۱۲) (۴۶، ۷)
- .۳۸۶ تزیب (تزيّب): (۵۶) (۵۶) (۸۲، ۱۰)
- .۳۸۷ تسک (طقس): (۵۰) (۴، ۴) (۱۵۱۷/۴) (۸) (۱۰) (۲۲۵/۱۰)
- .۳۸۸ تسمة (الطمسمة): (۸) (۱۱۳، ۱۰)
- .۳۸۹ تشک (الدوشك): (۲) (۱۰) (۶۴، ۱۰)
- .۳۹۰ تلخ (الطلخ): (۲۶) (۱۱۳، ۱۰)
- .۳۹۱ تله (الفخ): (۸) (۱۱۷، ۱۰)
- .۳۹۲ تلوسه (الليلسة): (۸) (۱۰) (۳۶، ۱۰)
- .۳۴۷ پلهور (فلر): (۷) (۹) (۳۴۶/۱۳) (۵) (۲۵۵/۱۰)
- .۳۴۸ پلهور (فیلور): (۷) (۷) (۴۸۱، ۷) (۶۵/۵) (۸)
- .۳۴۹ پیه (البيه): (۱) (۱۰) (۱۶، ۱۰)
- .۳۵۰ تابه (طجن): (۹) (۸) (۳۰۷/۷) (۵، ۵) (۲۶۴/۱۳) (۸) (۱۱۱، ۱۰) (۳۴۷/۳۵) (۹)
- .۳۵۱ تاج (توج): (۴۸) (۸) (۲۱۹/۲) (۸)
- .۳۵۲ تارشب (الطرشم): (۴۳) (۴۳) (۱۱۲، ۱۰)
- .۳۵۳ تازه (تاجه): (۵۱) (۹) (۴۴۱/۵) (۹) (۱۱۲/۱۱) (۳)
- .۳۵۴ تازه (طاраж - طرج): (۱۳) (۱) (۱۷۰/۶) (۸) (۱۱۲، ۱۰) (۴۵۱، ۷) (۳۱۷/۲)
- .۳۵۵ تاس (طس): (۹) (۹) (۴۶، ۷) (۱۱۲، ۱۰) (۴)
- .۳۵۶ تاسا (الفسيان): (۱) (۱) (۲۹۲/۱۱) (۳) (۸) (۱۵)
- .۳۵۷ تاسه (تاساه): (۳) (۱۰) (۳۶، ۱۰)
- .۳۵۸ تاسو (الطسوح): (۵۵) (۷) (۴۷، ۷) (۱۱۲، ۱۰)
- .۳۵۹ تالسان (طلس): (۵۵) (۹) (۲۰۴/۱۶) (۴) (۹۴۴/۳) (۸) (۱۲۴/۶)
- .۳۶۰ تالشان (الطيالسان): (۲) (۳) (۲۳۴/۱۲) (۷) (۱۱۳، ۱۰) (۴۴۷-۴۴۶)
- .۳۶۱ تباھجه (الطباهجه): (۶) (۵، ۵) (۴۶۸/۴) (۸) (۲/۲) (۱۱۱، ۱۰) (۴۶، ۷) (۳۱۷)
- .۳۶۲ تباھرس (الطبرس): (۱) (۱) (۱۱۱، ۱۰)
- .۳۶۳ تبر (الطبر): (۸) (۱۰) (۱۱۱)
- .۳۶۴ تبرزد (طبرزد): (۸) (۵، ۵) (۱۲۳/۹) (۸) (۱۱۱، ۱۰) (۴۳۵/۹) (۹) (۴۹۷)
- .۳۶۵ تبرزین (الطبرزين): (۸) (۷، ۷) (۴۴۹) (۴) (۱۰) (۱۱۱)
- .۳۶۶ تبست (الطبس): (۵۶) (۹، ۹) (۱۹۳/۱۶) (۱۰) (۱۰) (۱۱۱)
- .۳۶۷ تبهرس (تبهرس): (۱) (۱) (۱۰) (۲۹، ۱۰)
- .۳۶۸ تغ (التغ): (۴۱) (۷) (۳۸، ۷) (۳۴، ۱۰)
- .۳۶۹ تخت (تخت): (۴) (۲، ۲) (۱۰۰۱/۲) (۵) (۳۴، ۱۰) (۴۶۸/۴) (۹) (۵۰۷/۴)

| | | | |
|------|--|------|-------------------------------------|
| .٤٢١ | ثوم (الثُّوم): (٦) (١٠، ١٢٢) | .٣٩٣ | تمهجر (تمهجر): (٥٧) (١٤٧، ١٠) |
| .٤٢٢ | جادة (الجادَة): (٦) (١٠، ٣٩) | .٣٩٤ | تمويل (تميل): (٣٠) (٩، ١٤٣/٢٨) |
| .٤٢٣ | جاديه (الجادِي): (٣٨) (١٠، ٣٩) | .٣٩٥ | تن (اللُّن): (٤٢) (٩، ١٤٣) |
| .٤٢٤ | جاروب (شرياف): (٤) (٤، ١٣٨١/٤) | .٣٩٦ | تن بناء (التَّجَفَاف): (٢) (٧، ٢٢٤) |
| .٤٢٤ | جاروب (شرياف): (٤) (٤، ١٣٨١/٤) | .٣٩٧ | تبان (طبان): (٢) (٧، ٣٨) |
| .٤٢٥ | جام (جام): (٩) (٨، ١١٢/١٢) | .٣٩٨ | تبور (التبور): (٥٤) (١٠، ١١٣) |
| .٤٢٥ | جام (جام): (٩) (٨، ١١٢/١٢) | .٣٩٩ | تنپاس (الطنفسة): (٥٦) (١٠، ١١٣) |
| .٤٢٦ | جام دار (الجمدار): (٧) (٧، ٤٤) | .٤٠٠ | تنگ (الضنك): (١) (١٠، ١١٠) |
| .٤٢٧ | جان دار (الجندار): (٧) (٧، ٤٦) | .٤٠١ | تنگ (طَخْ): (١٣) (١٠، ١١٣) |
| .٤٢٨ | جاه (الجاه): (٥٦) (١٠، ٤٩) | .٤٠٢ | تنن (التنين): (٤٣) (٨، ٨/١٠، ١٠) |
| .٤٢٩ | جباجب (الجباجب): (٣٣) (١٠، ٣٧) | .٤٠٣ | تنور (تنر): (٩) (٨، ٩/٤٧٥) |
| .٤٣٠ | جيزيز (الجيزيز): (٣٣) (١٠، ٣٨) | .٤٠٤ | تنوره (التنوره): (٢) (١٠، ٣٧) |
| .٤٣١ | ححرم (الححرم): (١) (١٠، ٣٨) | .٤٠٤ | تهنج (تهنج): (٥٦) (١٠، ١٥٨) |
| .٤٣٢ | جن bianar (الجبنiar): (١) (١٠، ٣٨) | .٤٠٥ | توبال - مس (توبال): (٣٣) (١٠، ٣٣) |
| .٤٣٣ | جدوار (الجدوار): (٣٠) (١٠، ٣٩) | .٤٠٦ | توباه (التفاح): (٣٦) (١٠، ٣٦) |
| .٤٣٤ | جذر (جذر): (٣١) (٢، ٤٥٣/١) | .٤٠٧ | توت (توت): (٣٦) (٣، ٣) (٨، ٢٢٠/١٤) |
| .٤٣٥ | جيزيز (جيزيز): (١) (٢، ١١١٣/٢) | .٤٠٨ | .٤٠٩ |
| .٤٣٦ | جرث (جرث - جرر): (٤٠) (١، ٩) | .٤١٠ | توتيا (التوتيا): (٤١) (٧، ١٢٩) |
| .٤٣٦ | جرث (جرث - جرر): (٤٠) (١، ٩) | .٤١١ | توج (توج): (٥٥) (٧، ٢٢٠) |
| .٤٣٧ | (٣٩٩/١٠، ٩) (٨، ١٢٨/٢) | .٤١٢ | تود (الطود): (٣٣) (١٠، ١١٤) |
| .٤٣٧ | جرجشت (قرقس): (٤٩) (٢، ٩) | .٤١٣ | تور (الثور): (٩) (٢، ١٢٣) |
| .٤٣٨ | (٣٦٨/١٦) (٨، ٦) (٦١٠/٦) | .٤١٤ | تير (تير): (٤٧) (٩، ٥) (٩، ٥/١٨) |
| .٤٣٩ | (٣٦٨/١٦) (٨، ٦) (٦١٠/٦) | .٤١٤ | (٨، ٨/٤، ٤) (٨، ٢١٨) (٨، ٤/٩٧) |
| .٤٤٠ | جريال (الجريال): (٣٥) (١٠، ٤١) | .٤١٤ | تير (جائز): (٥) (٣، ٣) (٩، ٤/٢١٨) |
| .٤٤١ | جساد (الجساد): (٣٨) (١٠، ٤١) | .٤١٥ | تير (جوز): (٤) (٨، ٥/٤٥٢) |
| .٤٤٢ | جفت آفرید (الجفت آفرید): (٣٠) (١٠، ٤٢) | .٤١٦ | تيريز (دخرص): (٢) (٢، ٢) (٨، ٧) |
| .٤٤٢ | حق (الحق): (٣٣) (١٠، ٤٢) | .٤١٧ | (٣٥) (٩، ٧) (٧، ٢٦٥/٢٦) |
| .٤٤٣ | جلبان (الجلبان): (٣٠) (١٠، ٤٢) | .٤١٨ | تیزاب (التجاب): (١١) (٩، ٣٤) |
| .٤٤٤ | جلهم (الجلهم): (٣١) (١٠، ٤٣) | .٤١٨ | ثدي (ثدي): (٥٧) (٨، ١٤/٩٠) |
| .٤٤٤ | جمهوري (الجمهوري): (١٢) (١٠، ٤٥) | .٤١٩ | نعم (النعم): (٣٠) (٤، ٥) (٨، ٥/٨٨٠) |
| .٤٤٥ | جناخ (الجناخ): (٢) (١٠، ٤٦) | .٤٢٠ | (٨، ١٢/٧٧) |
| .٤٤٦ | جنبش (كبش): (٥٦) (١٠، ٤٧) | .٤٢٠ | شكنة (شكنة): (٥٦) (٨، ١٣/٧٩) |
| .٤٤٧ | جنبش (كبش): (٥٦) (١٠، ٤٧) | | |

بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۱۳ ◊ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌پژوهی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- چرخ - سودانیک (السوُدانق): (۳۴) (۸، ۱۰) (۱۷۱) (۲۵-۴۴۱) (۴۴۰/۲۵) (۷، ۹) (۳۷۶) (۱۰) (۸۸) .۴۷۵
- چرم (صرم): (۵۶) (۹، ۱۳۲) (۵۰۱/۱۳۲) (۴) (۱۹۶۵/۵) (۸، ۲۱) (۳۳۴/۱۲) (۴۶، ۷) (۱۰۷، ۱۰) .۴۷۶
- چشم (الششم): (۴۱) (۴)، (۱۰، ۱۰) (۱۰۰) (۴۷۷) .۴۷۷
- چشمیزک (جسمیرج): (۴۱) (۹، ۵) (۴۵۴/۵) (۷) (۳۹) (۱۰، ۴) (۴۱) (۴۲، ۱۰) (۴۷۹) .۴۷۸
- چکاره (البَكْرَة): (۳) (۱۰، ۴۲) (۴۷۹)
- چلبان (جلابة): (۱) (۱۰، ۱۰) (۴۲) .۴۸۰
- چلغوز (جلوز): (۳۹) (۷، ۷) (۲۳۹) (۳۹، ۷) .۴۸۱
- چمان (الجمان - الجمانه): (۱۱) (۲، ۲) (۴۹۵/۱) .۴۸۲
- چمنگ (الجنك): (۵۴) (۱۰، ۴۶) (۴۲۶/۱۰) (۸) (۵، ۷) (۴۶۹/۳۴) (۹۲/۱۳) (۸) (۱۰) (۴۵) .۴۸۳
- چمچم (الجمجم): (۲) (۱۰، ۴۴) (۴۸۳)
- چنار (الجَنَّار): (۲) (۱۰، ۴۶) (۴۸۴)
- چنار (صنار): (۳۲) (۹، ۲/۴۰) (۴۸۵)
- چنگ (الجنك): (۵۴) (۱۰، ۴۶) (۴۸۶)
- چنگال (دلک): (۶) (۸، ۴۲۶/۱۰) (۷) (۴۲، ۷) (۱۵۶/۴) (۴۸۷)
- چهار (استار): (۴) (۴۶) (۲۶۵/۱۲) (۳۸) .۴۸۸
- چهارگاه (الجهارکاه - الشارکاه): (۵۳) (۱۰) (۴۶) (۱۰۰) (۴۸۹)
- چهره (الجهارة): (۴۲) (۱۰، ۴۶) (۴۹۰)
- چوبه (شوبق): (۸) (۷، ۱۰) (۶۵) .۴۹۱
- چوگان (صوغجان): (۲۳) (۹، ۶/۷۰) (۸) .۴۹۲
- چول (الشَّوَّل): (۳۳) (۷، ۱۰، ۱۰۵) (۴۲۳) .۴۹۳
- چون بودی؟ (شون بودي): (۳) (۷، ۷) (۹۸) .۴۹۴
- چی (الشَّيء): (۳) (۱۰، ۱۰۵) .۴۹۵
- چیدن (حنى): (۵۶) (۱۰، ۴۶) .۴۹۶
- چین (الصين): (۵۵) (۷، ۴۲۹) (۷) (۹۳) .۴۹۷
- حانوت (حان): (۲۴) (۵، ۵) (۳۰۵/۵) (۹) .۴۹۸
- چرخ (الجروح): (۴۷) (۱۰، ۱۰) (۴۷۰/۳۴) .۴۹۹
- جهنم (جهنم): (۵۲) (۹، ۸) (۴۳۷/۳۱) (۸) (۱۱۲) (۴، ۱۸۹۲/۵) .۴۴۹
- جمهوری (الجمهوري): (۱) (۱۰، ۴۶) (۱۰، ۴۹) (۱) (۱۰، ۴۵۰) .۴۵۰
- جو Biden (جوی): (۱) (۱۰، ۴۶) (۲۴۶/۷) (۹، ۸) (۱۳/۳) (۸) (۴۷) (۱۰، ۱۹۴/۷) (۳) .۴۵۱
- جوخ (جوخ): (۴۵) (۴۵) (۲۴۶/۷) (۹، ۸) (۱۳/۳) (۸) (۴۷) (۱۰، ۱۹۴/۷) (۳) .۴۵۲
- جودباء (جودباء): (۲) (۵، ۵) (۵۳۲/۷) (۷) (۱۰، ۴۸) (۴۸) .۴۵۳
- جوراب (جورب): (۲) (۲) (۱۱۷۵/۲) (۷، ۷) (۴۰۴/۷) (۹، ۲/۱۵۵) (۷، ۷) (۲۴۳) (۷) .۴۵۴
- جوزاهنج (جوزاهنج): (۴) (۴۱) (۴۵۶/۵) (۹، ۹) (۳۹، ۷) (۷، ۷) (۴۱) (۴۹) (۷، ۷) (۴۵۶) .۴۵۵
- جوزبیو (جوزبیو): (۴۱) (۴۱) (۳۹، ۷) (۷، ۷) (۴۹) (۱۰، ۵۶) .۴۵۶
- جوش (جاش): (۵، ۵) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) .۴۵۷
- جوشن (جوشن): (۲) (۲) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) .۴۵۸
- جوف (جوف): (۱) (۱) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) .۴۵۹
- جوق (الجَوْق): (۳) (۷، ۷) (۲۳۱) .۴۶۰
- جوق (جوق): (۶) (۷، ۷) (۳۹) .۴۶۱
- جوبيار (الجوبار): (۵) (۱۰، ۱۰) (۳۸) .۴۶۲
- جيد (الجودياء): (۲) (۸، ۸) (۱۳۹/۳) (۸) .۴۶۳
- جيير (جيير): (۵۵) (۹، ۹) (۵۰۱/۱۰) .۴۶۴
- جييران (الجييران - الجيسوان): (۳۲) (۸) (۱۴۵/۱۰) (۱۴) (۴۹) (۱۰، ۱۰) (۴۹) .۴۶۵
- چاقو (الجَثَّة): (۸) (۱۰، ۱۰) (۳۸) .۴۶۶
- چادر (شدر - شادر): (۲) (۷، ۹) (۶۹۱/۲) (۹، ۹) (۱۰، ۱۰) (۱۵۰/۱۲) (۸، ۸) (۴۵) (۷، ۷) (۳۹۹) (۴، ۴) (۹۸) .۴۶۷
- چادرشب (الشرشف): (۴) (۱۰، ۱۰) (۱۰۰) .۴۶۸
- چاشنى (الشستنة): (۶) (۱۰، ۱۰) (۱۰۰) .۴۶۹
- چاکر (الشاكرى): (۱) (۷، ۷) (۴۵) (۱۰۲، ۱۰) (۱۰۲) .۴۷۰
- چاهچور (الشخشير): (۲) (۱۰، ۱۰) (۹۸) .۴۷۱
- چای (الشای): (۱۲) (۱۰، ۱۰) (۱۰۶، ۱۰) (۱۰۶) .۴۷۲
- چراغ (السراج): (۲۱) (۱۰، ۱۰) (۸۹) .۴۷۳
- چرخ (الجروح): (۴۷) (۱۰، ۱۰) (۴۷) .۴۷۴

-
- | | |
|--|--|
| <p>.۰۲۸ خراره - بادافره (دوا به - دوامه): (۱۹) (۳)</p> <p>.۰۲۹ خراسان (خراسان): (۵۵) (۷)</p> <p>.۰۳۰ خراش (خرش): (۵۶) (۱۰)</p> <p>.۰۳۱ خربال (الخربيل): (۱) (۱۰)</p> <p>.۰۳۲ خربزه (بطيخ): (۳۶) (۴)</p> <p>.۰۳۳ خربق (الخربق): (۳۰) (۱۰)</p> <p>.۰۳۴ خربنده (الخربندة): (۷)</p> <p>.۰۳۵ خرپشت (القربوس): (۵) (۱۰)</p> <p>.۰۳۶ خرتل (القرطالة): (۵) (۱۰)</p> <p>.۰۳۷ خربق (سرطان): (۴۳) (۱)</p> <p>.۰۳۸ خرد (الخريد): (۱) (۱۰)</p> <p>.۰۳۹ خردادی (الخزادی): (۱۲)</p> <p>.۰۴۰ خردل (خرفق - خردل): (۳۸) (۹)</p> <p>.۰۴۱ خرده (الخردة): (۱۳)</p> <p>.۰۴۲ خرر (خمر): (۳۰) (۸)</p> <p>.۰۴۳ خرس (خرص): (۳۱)</p> <p>.۰۴۴ خرش (الخرش): (۵۶)</p> <p>.۰۴۵ خرشوم (الخرشوم): (۳۳) (۱۰)</p> <p>.۰۴۶ خرطال (الخرطال): (۳۰) (۱۰)</p> <p>.۰۴۷ خرف (الحرف): (۳۰) (۵)</p> <p>.۰۴۸ خرف (خرف): (۳۰)</p> <p>.۰۴۹ خرگه (الخرگاه): (۵)</p> <p>.۰۵۰ خرم (الخرم): (۳۰) (۸)</p> <p>.۰۵۱ خرم (خرم): (۱۳) (۵)</p> <p>.۰۵۲ خز (الخز): (۲)</p> <p>.۰۵۳ خز (القز): (۱۵)</p> <p>.۰۵۴ خزاق (خزاق): (۵۵) (۷)</p> <p>.۰۵۵ خزانه دار (الخزندار): (۷) (۱۰)</p> <p>.۰۵۶ خزرانگ (خزرانق): آنه (۲)</p> <p>.۰۵۷ خزرانگ (خزرانق): (۲۳۷/۲۵، ۹) (۳۴۷/۵)</p> <p>.۰۵۸ و ۵۴ (۲۷۴، ۱۰)</p> | <p>.۰۹۹ حق (حق): (۳۰) (۹)</p> <p>.۰۰۰ حریش (الحریش): (۳۱) (۱۰)</p> <p>.۰۰۱ حرشف (الحرشف): (۳۰) (۸)</p> <p>.۰۰۲ حرض (حرض): (۴۵/۹)</p> <p>.۰۰۳ حنجر (الحنجر): (۴۴) (۲)</p> <p>.۰۰۴ حور (حور: العَرُ): (۳۲) (۹)</p> <p>.۰۰۵ خاتون (خاتون): (۱)</p> <p>.۰۰۶ خارچینی (الخارِصیني): (۳۷) (۴)</p> <p>.۰۰۷ خارشتر (الأشتَغَاز): (۳۰) (۱۰)</p> <p>.۰۰۸ خارک (الخارج): (۳۲) (۱۰)</p> <p>.۰۰۹ خاشاک (الحسفل): (۳۰) (۱۰)</p> <p>.۰۱۰ خاقان (خاقان): (۵۵) (۱۰)</p> <p>.۰۱۱ خال (الحال): (۴۲) (۱۰)</p> <p>.۰۱۲ خام (الخام): (۱۳) (۱۰)</p> <p>.۰۱۳ خاموش (خمس): (۳)</p> <p>.۰۱۴ خان (الخان): (۳)</p> <p>.۰۱۵ خان (خان): (۵)</p> <p>.۰۱۶ خانقاہ (خانقاہ): (۵۲)</p> <p>.۰۱۷ خانه (الأقْنَة): (۵) (۱۱)</p> <p>.۰۱۸ خانه (حون): (۵) (۸)</p> <p>.۰۱۹ خایسک (مطرقه): (۸)</p> <p>.۰۲۰ خایه (خایجه - خیج): (۴۲)</p> <p>.۰۲۱ خبیث (الختاب - الخنابس): (۱)</p> <p>.۰۲۲ خدا (خدای): (۵۵)</p> <p>.۰۲۳ خداوند (الخَوَّنَد): (۵۲)</p> <p>.۰۲۴ خدیو (الخدیوی): (۴۸) (۱۰)</p> <p>.۰۲۵ خذخوش (صرف): (۵۶) (۹)</p> <p>.۰۲۶ خر (خر): (۳۰) (۵)</p> <p>.۰۲۷ خراتین (خراطین): (۳۴) (۷)</p> |
|--|--|

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---------------------------|------|-------------------------|---------|-------------------------|------|---------------------|--------|-------------------|------|-----------------|--------|-----------------|------|-----------------|--------|----------------------|--------|------------------------|------|------------------------|--------|--------------------------|------|--------------------------|--------|--------------------------|------|--------------------------|--------|------------------------|------|---------------------------|---------|----------------|---------|--------------------|---------|--------------------|------|------------------------|----------|--------------------|------|--------------------|---------|--------------------|------|------------------------|---------|--------------------|------|--------------------|--------|--------------------|------|------------------------|---------|--------------------|------|--------------------|--------|--------------------|------|--------------------|----------|--------------------|------|------------------------|----------|------------------------|------|--------------------|---------|------------------------|------|--------------------|---------|--------------------|------|--------------------|---------|--------------------|------|-------------------|----------|-------------------|------|-----------------------|---------|-----------------|------|-----------------|---------|-----------------|------|-----------------|---------|-----------------|------|-----------------|----------|-----------------|------|-----------------|----------|--|---|
| <p>۱۱۵</p> <p>❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷</p> <table border="0"> <tbody> <tr> <td>خنجه (خنجه): (۵۶) (۳۲۵/۵)</td> <td>.۰۸۳</td> </tr> <tr> <td>خنبه (خنبه): (۵) (۴۰/۷)</td> <td>(۵۰۲/۵)</td> </tr> <tr> <td>خنبه (الخنبق): (۵) (۴۷)</td> <td>.۰۸۴</td> </tr> <tr> <td>خنجر (الخنجر): (۴۷)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خنجر (خنجر): (۴۷)</td> <td>.۰۸۵</td> </tr> <tr> <td>خندق (خذق): (۵)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خندق (خذق): (۵)</td> <td>.۰۸۶</td> </tr> <tr> <td>خندق (خذق): (۵)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خندله (الخندلة): (۱)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خندلیس (الخندلیس): (۱)</td> <td>.۰۸۷</td> </tr> <tr> <td>خندلیس (الخندلیس): (۱)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خنده‌ریش (الخندریس): (۱)</td> <td>.۰۸۸</td> </tr> <tr> <td>خنده‌ریش (الخندریس): (۱)</td> <td>(۷/۱۶)</td> </tr> <tr> <td>خنده‌ریش (الخندریس): (۱)</td> <td>.۰۸۹</td> </tr> <tr> <td>خنده‌ریش (الخندریس): (۱)</td> <td>(۷/۱۶)</td> </tr> <tr> <td>خندیان (الخندیان): (۱)</td> <td>.۰۹۰</td> </tr> <tr> <td>خنیاگر (الخنیاگرین): (۵۳)</td> <td>(۵۸/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خو (خیم): (۵۶)</td> <td>(۲۷۲/۵)</td> </tr> <tr> <td>خوار (الخوار): (۱)</td> <td>(۶۲۲/۱)</td> </tr> <tr> <td>خوان (الخوان): (۹)</td> <td>.۰۹۱</td> </tr> <tr> <td>خوانچه (الخوانچة): (۹)</td> <td>(۱۳۴/۳۲)</td> </tr> <tr> <td>خود (الخوذة): (۴۷)</td> <td>.۰۹۲</td> </tr> <tr> <td>خوار (الخوار): (۱)</td> <td>(۵۸/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خوان (الخوان): (۹)</td> <td>.۰۹۳</td> </tr> <tr> <td>خوانچه (الخوانچة): (۹)</td> <td>(۵۸/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خود (الخوذة): (۴۷)</td> <td>.۰۹۴</td> </tr> <tr> <td>خوار (الخوار): (۱)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خوان (الخوان): (۹)</td> <td>.۰۹۵</td> </tr> <tr> <td>خوانچه (الخوانچة): (۹)</td> <td>(۵۸/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خود (الخوذة): (۴۷)</td> <td>.۰۹۶</td> </tr> <tr> <td>خوار (الخوار): (۱)</td> <td>(۴۰/۷)</td> </tr> <tr> <td>خوان (الخوان): (۹)</td> <td>.۰۹۷</td> </tr> <tr> <td>خور (الخُور): (۳۰)</td> <td>(۱۵۱/۱۱)</td> </tr> <tr> <td>خور (الخُور): (۱۸)</td> <td>.۰۹۸</td> </tr> <tr> <td>خوراکی (الخُردیق): (۶)</td> <td>(۲۱۸/۲۵)</td> </tr> <tr> <td>خوراکی (الخُردیق): (۶)</td> <td>.۰۹۹</td> </tr> <tr> <td>خور (الخُور): (۱۰)</td> <td>(۵۳/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خوربان (الحرباء): (۴۳)</td> <td>.۱۰۰</td> </tr> <tr> <td>خور (الخُور): (۱۰)</td> <td>(۲۶۳/۷)</td> </tr> <tr> <td>خور (الخُور): (۱۰)</td> <td>.۱۰۱</td> </tr> <tr> <td>خورنق (خرنق): (۴۸)</td> <td>(۳۲۰/۴)</td> </tr> <tr> <td>خورنق (خرنق): (۴۸)</td> <td>.۱۰۲</td> </tr> <tr> <td>خوره (الخرج): (۶)</td> <td>(۷/۸/۱۰)</td> </tr> <tr> <td>خوره (الخرج): (۶)</td> <td>.۱۰۳</td> </tr> <tr> <td>خوزستان (الخوز): (۵۵)</td> <td>(۲۷۷/۷)</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>.۱۰۴</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>(۴۹۶/۴)</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>.۱۰۵</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>(۲۹۵/۶)</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>.۱۰۶</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>(۱۹۰/۱۷)</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>.۱۰۷</td> </tr> <tr> <td>خوش (خُش): (۱۰)</td> <td>(۱۹۸/۱۷)</td> </tr> </tbody> </table> | خنجه (خنجه): (۵۶) (۳۲۵/۵) | .۰۸۳ | خنبه (خنبه): (۵) (۴۰/۷) | (۵۰۲/۵) | خنبه (الخنبق): (۵) (۴۷) | .۰۸۴ | خنجر (الخنجر): (۴۷) | (۴۰/۷) | خنجر (خنجر): (۴۷) | .۰۸۵ | خندق (خذق): (۵) | (۴۰/۷) | خندق (خذق): (۵) | .۰۸۶ | خندق (خذق): (۵) | (۴۰/۷) | خندله (الخندلة): (۱) | (۴۰/۷) | خندلیس (الخندلیس): (۱) | .۰۸۷ | خندلیس (الخندلیس): (۱) | (۴۰/۷) | خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | .۰۸۸ | خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | (۷/۱۶) | خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | .۰۸۹ | خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | (۷/۱۶) | خندیان (الخندیان): (۱) | .۰۹۰ | خنیاگر (الخنیاگرین): (۵۳) | (۵۸/۱۰) | خو (خیم): (۵۶) | (۲۷۲/۵) | خوار (الخوار): (۱) | (۶۲۲/۱) | خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۱ | خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۱۳۴/۳۲) | خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۲ | خوار (الخوار): (۱) | (۵۸/۱۰) | خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۳ | خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۵۸/۱۰) | خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۴ | خوار (الخوار): (۱) | (۴۰/۷) | خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۵ | خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۵۸/۱۰) | خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۶ | خوار (الخوار): (۱) | (۴۰/۷) | خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۷ | خور (الخُور): (۳۰) | (۱۵۱/۱۱) | خور (الخُور): (۱۸) | .۰۹۸ | خوراکی (الخُردیق): (۶) | (۲۱۸/۲۵) | خوراکی (الخُردیق): (۶) | .۰۹۹ | خور (الخُور): (۱۰) | (۵۳/۱۰) | خوربان (الحرباء): (۴۳) | .۱۰۰ | خور (الخُور): (۱۰) | (۲۶۳/۷) | خور (الخُور): (۱۰) | .۱۰۱ | خورنق (خرنق): (۴۸) | (۳۲۰/۴) | خورنق (خرنق): (۴۸) | .۱۰۲ | خوره (الخرج): (۶) | (۷/۸/۱۰) | خوره (الخرج): (۶) | .۱۰۳ | خوزستان (الخوز): (۵۵) | (۲۷۷/۷) | خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۴ | خوش (خُش): (۱۰) | (۴۹۶/۴) | خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۵ | خوش (خُش): (۱۰) | (۲۹۵/۶) | خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۶ | خوش (خُش): (۱۰) | (۱۹۰/۱۷) | خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۷ | خوش (خُش): (۱۰) | (۱۹۸/۱۷) | <p>خسرو (کسر): (۵۵)</p> <p>خسرو شاهپور (خسروساپور): (۵۵)</p> <p>خسروانی (خسروانی): (۱۱)</p> <p>خسرودار (خسرودار): (۴۸)</p> <p>خشتك (الخشتق): (۲)</p> <p>خشخاش (الخشخاش): (۳۰)</p> <p>خشف - يخدان (الخشف): (۴)</p> <p>خشک (خشق): (۱۳)</p> <p>خشکبار (الخشکر): (۶)</p> <p>الخُشْكَنَانُ (خشکنانج): (۶)</p> <p>خشم (خشم): (۱)</p> <p>خفتان (الخفقان): (۲)</p> <p>خفن (خفت): (۱)</p> <p>خفة (خب): (۱)</p> <p>خلار (خلر): (۵۵)</p> <p>و</p> <p>خلخال (خلحال): (۱۱)</p> <p>خلخله (الخلخة): (۱۰)</p> <p>خلنج (خلج): (۴)</p> <p>خلنگ (الخلنج): (۴۴)</p> <p>خم (الخُم): (۵)</p> <p>خمار (الخمار): (۱۲)</p> <p>خمان (خنن): (۳)</p> <p>خمان (خنن): (۱۴۲)</p> <p>خمخ (الخمخ): (۳۰)</p> <p>خمشر (الخمشر): (۱)</p> <p>خشب (حب - حب): (۹)</p> <p>خنج (خنج): (۱)</p> | <p>.۰۵۷</p> <p>.۰۵۸</p> <p>.۰۵۹</p> <p>.۰۶۰</p> <p>.۰۶۱</p> <p>.۰۶۲</p> <p>.۰۶۳</p> <p>.۰۶۴</p> <p>.۰۶۵</p> <p>.۰۶۶</p> <p>.۰۶۷</p> <p>.۰۶۸</p> <p>.۰۶۹</p> <p>.۰۷۰</p> <p>.۰۷۱</p> <p>.۰۷۲</p> <p>.۰۷۳</p> <p>.۰۷۴</p> <p>.۰۷۵</p> <p>.۰۷۶</p> <p>.۰۷۷</p> <p>.۰۷۸</p> <p>.۰۷۹</p> <p>.۰۸۰</p> <p>.۰۸۱</p> <p>.۰۸۲</p> |
| خنجه (خنجه): (۵۶) (۳۲۵/۵) | .۰۸۳ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنبه (خنبه): (۵) (۴۰/۷) | (۵۰۲/۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنبه (الخنبق): (۵) (۴۷) | .۰۸۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنجر (الخنجر): (۴۷) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنجر (خنجر): (۴۷) | .۰۸۵ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندق (خذق): (۵) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندق (خذق): (۵) | .۰۸۶ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندق (خذق): (۵) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندله (الخندلة): (۱) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندلیس (الخندلیس): (۱) | .۰۸۷ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندلیس (الخندلیس): (۱) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | .۰۸۸ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | (۷/۱۶) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | .۰۸۹ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنده‌ریش (الخندریس): (۱) | (۷/۱۶) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خندیان (الخندیان): (۱) | .۰۹۰ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خنیاگر (الخنیاگرین): (۵۳) | (۵۸/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خو (خیم): (۵۶) | (۲۷۲/۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوار (الخوار): (۱) | (۶۲۲/۱) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۱ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۱۳۴/۳۲) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۲ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوار (الخوار): (۱) | (۵۸/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۳ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۵۸/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوار (الخوار): (۱) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۵ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوانچه (الخوانچة): (۹) | (۵۸/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خود (الخوذة): (۴۷) | .۰۹۶ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوار (الخوار): (۱) | (۴۰/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوان (الخوان): (۹) | .۰۹۷ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خور (الخُور): (۳۰) | (۱۵۱/۱۱) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خور (الخُور): (۱۸) | .۰۹۸ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوراکی (الخُردیق): (۶) | (۲۱۸/۲۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوراکی (الخُردیق): (۶) | .۰۹۹ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خور (الخُور): (۱۰) | (۵۳/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوربان (الحرباء): (۴۳) | .۱۰۰ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خور (الخُور): (۱۰) | (۲۶۳/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خور (الخُور): (۱۰) | .۱۰۱ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خورنق (خرنق): (۴۸) | (۳۲۰/۴) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خورنق (خرنق): (۴۸) | .۱۰۲ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوره (الخرج): (۶) | (۷/۸/۱۰) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوره (الخرج): (۶) | .۱۰۳ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوزستان (الخوز): (۵۵) | (۲۷۷/۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۴ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | (۴۹۶/۴) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۵ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | (۲۹۵/۶) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۶ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | (۱۹۰/۱۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | .۱۰۷ | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| خوش (خُش): (۱۰) | (۱۹۸/۱۷) | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

٦٣٣. دارفلفل (دار فلفل): (٣٢) (١٠، ٦٨) .
 ٦٣٤. دارین (دارین): (١٨) (٥، ٤١٩/٩) .
 ٦٣٥. داشات (دشن): (٣) (٧، ٤١) .
 ٦٣٦. داشن - دستاران (الدَّاشن): (٥٠) (٧، ٣٠١) .
 ٦٣٧. داع (الداع): (٤١) (١٠، ٦٠) .
 ٦٣٨. داکدان (داکدان): (٥٦) (٢، ١٢٨٤/٣) .
 ٦٣٩. دامجان (الدامجانة): (٩) (٩، ٦٦) .
 ٦٤٠. دانا (داناج - دنج): (١) (٥٨٠/٥) .
 ٦٤١. دانگ (الدَّانق): (٥٠) (٧، ٣٠٣) .
 ٦٤٢. دایه (الدَّایة): (٧) (١٠، ٦٠) .
 ٦٤٣. دبن (دبن): (٥) (٥، ٣٥٣/٩) .
 ٦٤٤. دبوس (الدَّبُوس): (٥٥) (٧، ٤١) .
 ٦٤٥. درج (الدَّجْر): (٣٦) (٢، ٦١) .
 ٦٤٦. دخترنوش (دخترنوش): (٥٥) (٣، ٢٧٩/٧) .
 ٦٤٧. دختوش (دَخْتُوش): (٥٥) (٢، ١٢٢٦/٣) .
 ٦٤٨. در ک..ن (درکون): (٤٢) (٧، ٣١٦) .
 ٦٤٩. دراج (الدَّرَاج): (٣٤) (١٠، ٦١) .
 ٦٥٠. دراز (دراز): (٤٦) (٩، ١٤٦/١٥) .
 ٦٥١. درب (الدَّرُوب): (٥٦) (٧، ٣١٥) .
 ٦٥٢. دریان (داربنة): (٧) (٢، ٦٨٠/٢) .
 ٦٥٣. دریند (درب): (٥٥) (٨، ١) .
 ٦٥٤. دردیس (الدردیس): (٤٤) (٤٤، ١، ٦١) .
 ٦٥٥. دردر (دردر): (٤٢) (٤، ٦٥٧/٢) .
 ٦٥٦. دردم (الدردم): (٣١) (٣١، ٦٢) .
 ٦٥٧. درز (الدرز): (٢) (٩، ١٤٥/١٥) .
 ٦٥٨. درز (ذرز): (٢) (٨، ٣٤٨/٥) .
 ٦٥٩. درزی (الدرزی): (٧) (١٠، ٦٢) .
٦٧٧. خوش اسبرم (الخشبرم): (٣٠) (٩، ٤) .
 ٦٧٨. خوشاب (الخشاب): (١٢) (٨، ٥٥) .
 ٦٧٩. خوشسای (بَقْش): (٣٢) (٩، ٨٣/١٧) .
 ٦٨٠. خوشه (الخوشق): (٥٦) (٥، ٥٥) .
 ٦٨١. خولنجان (الخلنجان): (٣٠) (١٠، ٥٧) .
 ٦٨٢. خون سیاوشان (دمي - دم الأخوين): (٣٠) (٩، ٦٣٨/٦٥) .
 ٦٨٣. خون شیاوشان (الشیان): (٣٠) (١٠، ١٠٥) .
 ٦٨٤. خونبیش (الخنبیش): (١) (١٠، ٥٧) .
 ٦٨٥. خوتناب (الختب): (١) (١٠، ٥٧) .
 ٦٨٦. خویش (الخیش): (٢) (١٠، ٥٩) .
 ٦٨٧. خیارچنبر (خیار شنیر): (٣٦) (٧، ٤٠) .
 ٦٨٨. خیال (الخيال): (٥٦) (١٠، ٥٩) .
 ٦٨٩. خید (الخید): (٦) (٩، ٢٩٥/٤) .
 ٦٩٠. خیر (الخير): (٥٦) (٧، ٢٧٧) .
 ٦٩١. خیربو (خیربوا): (٣٠) (٧، ٤٠) .
 ٦٩٢. خیری (خیری): (٣٠) (٧، ٤١) .
 ٦٩٣. خیزان (الخیزان): (٣٢) (٩، ٥٤) .
 ٦٩٤. خیسفوج (الخیسفوج): (٣٠) (٧، ٤١) .
 ٦٩٥. دأب (الدَّأب): (٥٦) (٨، ١٠، ٥٩) .
 ٦٩٦. داجیه (الدَّاجِه): (٢١) (١٠، ٦٠) .
 ٦٩٧. داحس (الدَّاحِس): (٤٤) (٣، ٤٦٦/٤) .
 ٦٩٨. دارابکرد (دَرَابِكْرُد): (٥٥) (٧، ٣١٦) .
 ٦٩٩. داربزین (الدربزین والدرابزون): (٤) (١٠، ٦١) .
 ٦٣٠. دارچینی (الدارصیني): (٣٢) (١٠، ٦٠) .
 ٦٣١. دارش (الأديم الدارش): (٢) (٢، ٦٢٨/٢) .
 ٦٣٠. دارشیشغان (دارشیشغان): (٣٢) (١٠، ٦٠) .

بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۳۹۷ شماره ۳، سال ۳، پاییز و زمستان
دانشگاه مطالعات فلسفی فارسی - عربی [Downloaded from jcsfa.modares.ac.ir on 2024-04-09]

- | | |
|---|---|
| <p>دست (الدست): (۴) (۹، ۲۸۵/۲۵) (۴، ۲۰۴/۱۷، ۹) (۴۸) (۹، ۲۰۴/۱۷) (۷)</p> <p>دستکه (دستکه): (۵۵) (۱۰، ۶۴) (۶۴، ۳۱۱، ۷) (۱۰، ۵۵) (۳۱۱، ۷)</p> <p>دشت (الدشت): (۳۳) (۹، ۵۲۰/۴) (۸) (۳۳/۲)</p> <p>دشت (الدشت): (۵۵) (۵) (۴۸/۱۰) (۳) (۱۰)</p> <p>دشمن (الدشمان): (۴۸) (۱۰، ۶۴) (۱۰، ۶۴)</p> <p>دشمه (الدشمة): (۱) (۱۰، ۶۴) (۱۰، ۶۴)</p> <p>دشن (الداشن): (۲) (۱۰، ۶۴)</p> <p>دغا (الدواخة): (۱) (۱۰، ۶۸)</p> <p>دف (الدف): (۵۴) (۱۰، ۶۵)</p> <p>دفتر (الدفتر): (۴۹) (۱۰، ۶۵)</p> <p>دفل (الدفل): (۳۰) (۹، ۴۹۲/۲۸) (۹)</p> <p>دفع (كرب): (۳۲) (۲) (۳۲/۱، ۲)</p> <p>دکان (الدکان): (۵۰) (۴، ۵) (۴، ۲۱۱۴/۵)</p> <p>دکرس (الضفرس): (۱) (۱۰، ۱۱۰)</p> <p>دل (دل): (۴۲) (۵، ۲۷۱/۹)</p> <p>دله (ابن مفرض): (۳۱) (۹، ۲۰/۱۹)</p> <p>دله (دلت): (۳۱) (۸، ۳۰۳/۲۵)</p> <p>دله (۴) (۷) (۱۰۲) (۴، ۴۱)</p> <p>دله (قضص): (۳۱) (۴، ۱۱۰۲/۳)</p> <p>دمار (الدمار والدمور والدمارة): (۵۶) (۱۰)</p> <p>دمار (الثماء): (۵۶) (۷)</p> <p>دمپا - درپا (درپی دربیه): (۴۲) (۱۰، ۶۱)</p> <p>دمحال (الدمحال): (۱) (۳، ۲۱۶/۵)</p> <p>دمقس (الدمقس): (۱۵) (۱۰، ۶۶) (پارچه)</p> <p>دمه (دمق): (۳۳) (۴، ۴) (۹، ۱۴۷۷/۴)</p> <p>دمه گیر - نفس گیر (دمهکر): (۵۶) (۱۰، ۶۶)</p> <p>دند (الدند): (۳۸) (۱۰، ۶۶)</p> <p>دقیری (الدقیری): (۱) (۱۰، ۶۷)</p> | <p>درفش (الدرفس): (۴۸) (۹، ۲۰۴/۱۷) (۷)</p> <p>درگاه (الدرگاه): (۵) (۱۰، ۶۲)</p> <p>درماء (الدرماء): (۳۱) (۱۰، ۶۲)</p> <p>درمک (الدرمک): (۶) (۱۰، ۶۲)</p> <p>درهم (درهم): (۵۱) (۴) (۵) (۱۹۱۸/۵)</p> <p>دره (۱۲، ۸) (۱۴۹/۳۲) (۹، ۴۸۳/۴)</p> <p>دروازه‌گاه (درسیج): (۵) (۹، ۵۶۵/۵)</p> <p>درواستگ (الدرواسچ): (۱۴) (۷، ۴۱)</p> <p>دروع (الدروع): (۵۲) (۱۰، ۶۲)</p> <p>درونک (الدرانچ): (۵۶) (۱۰، ۶۲)</p> <p>درویش (الدرویش): (۵۲) (۱۰، ۶۳)</p> <p>دریچه (الدریچه): (۵) (۹، ۲۸۱/۲۵)</p> <p>دریوزه‌گر (المدروز): (۷) (۱۰، ۶۲)</p> <p>دست (الدست): (۴۲) (۷، ۵۱۸/۴)</p> <p>دست بند (الدستبند): (۲۳) (۱۰، ۶۳)</p> <p>دست فشرده (الدستشار): (۶) (۱۰، ۶۴)</p> <p>دستاران - داشن (الدستاران): (۵۰) (۱۰، ۶۳ - ۶۴)</p> <p>دستان (الدستان): (۵۳) (۱۰، ۶۴)</p> <p>دستبند (دستیج - دسج): (۱۱) (۸، ۲۷۱/۲)</p> <p>دستبیوه (الدستبیوه): (۳۶) (۱۰، ۶۳)</p> <p>دستبیوه - شمامه (شمم: الشمام): (۱۰، ۹)</p> <p>دسته (الدسته): (۳) (۹، ۵۶۶/۵)</p> <p>دستوار (سوار): (۱۱) (۹، ۱۰۳/۱۲)</p> <p>دستور (دستر، الدستور): (۴۹) (۹، ۲۹۲/۱۱)</p> |
|---|---|

| | |
|------|---|
| .۷۱۱ | دَنْقَهُ (الدَّنْقَهُ): (۴۱) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۱۲ | دَهُ (الدَّهَمُ): (۴۶) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۱۳ | دَهُ (دَهُ): (۳) (۹، ۹) (۳۸۰ - ۳۸۱/۳۶، ۳) |
| .۷۱۴ | دَهُ بَدْرُودُ (دَهُ بَدْرُودُ - دَرَدَر): (۵۶) (۹، ۹) (۶۵۷/۲، ۴) (۳۵۴/۱۱) |
| .۷۱۵ | دَهُ پَرُ (الدَّهَبَرَجُ): (۵۶) (۹، ۹) (۵۸۱/۵، ۹) (۴۱، ۷) (۶۷، ۱۰) |
| .۷۱۶ | دَهَانِجُ (الدَّهَانِجُ): (۳۱) (۴، ۱) / ۱ (۳۱۶) (۸) (۳۱۸، ۷) (۵۸۲/۵، ۹) (۲۷۷/۲) |
| .۷۱۷ | دَهَادَرُ (الدَّهَادَرُ - الدَّهَادَرُ): (۱) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۱۸ | دَهَدَهَهُ (الدَّهَدَهَهُ): (۴۶) (۸، ۸) (۴۸۹ / ۱۳، ۸) (۱۰) (۶۸) |
| .۷۱۹ | الدَّهَرَسُ (دَهَرَسُ): (۵۶) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۲۰ | دَهَقُ (دَهَقُ): (۵۶) (۴، ۴) (۱۴۷۸/۴) |
| .۷۲۱ | دَهَقَانُ (دَهَقُ): (۷) (۵، ۵) (۴۵۷/۴، ۸) (۱۰، ۸) (۶۸، ۱۰) (۴۲، ۷) (۴۸/۳۵، ۹) (۱۰، ۶) |
| .۷۲۲ | دَهَلِيزُ (دَهَلِيزُ): (۵) (۱، ۱) (۱۲۳/۴، ۳) |
| .۷۲۳ | دَهَمَانُ (الدَّهَمَانُ): (۴۸) (۱۰، ۱۰) (۴۲، ۷) (۸۷۸/۳، ۴) (۳۴۹/۵، ۸) |
| .۷۲۴ | دَهَمَسْتُ - درخت غار (الدَّهَمَسْتُ): (۳۲) (۶۸، ۱۰) |
| .۷۲۵ | دَهَنَهُ (الدَّهَنَجُ): (۳) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۲۶ | دوَاتَدَارُ (الدَّوَادَارُ وَالدُّوَيْدَارُ): (۴۹) (۱۰) (۶۸) |
| .۷۲۷ | دوَادُورُ (الدَّوَادُورَةُ): (۵۶) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۲۸ | دوَبَيْتَيُ (مَثَنَةُ): (۵۳) (۴، ۴) (۲۲۹۴/۶) |
| .۷۲۹ | دوَبَيْدَ (دَبَدَ): (۱۵) (۹، ۹) . (۴۰۷/۹، ۹) . (۵۶۴ / ۲، ۴) (۴۹۰) |
| .۷۳۰ | دوَبَيْدَ (دَيَابُوذُ): (۱۵) (۲، ۲) (۱۳۲۲/۳) |
| .۷۳۱ | دوَدُ وَ دَمُ (الدَّوَدُمُ وَالدَّوَادِمُ): (۳) (۱۰) (۶۰، ۱۰) (۲۹۰، ۷) (۱۶۹/۱۵) |
| .۷۳۲ | (۷۲، ۱۰) (۳۶) (۷۵، ۷۵) رَازِقٍ (الرَّازِقِيُّ): (۷۵) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۳۳ | دَوَدُو (دَوَدُو): (۱۶) (۳، ۳) (۱۵۸/۱۴، ۳) |
| .۷۳۴ | دَوَرَقُ (دَرَقُ): (۹) (۹، ۹) (۲۸۲/۲۵) |
| .۷۳۵ | (۳۰۱، ۷) (۱۴۷۴/۴) دَوَسْتُ (دَوَسْتُ): (۱) (۹، ۹) (۵۱۹/۴، ۹) |
| .۷۳۶ | دَوَسْكَانِيُ (نَخْبُ): (۵۶) (۹، ۹) (۲۴۷/۴، ۹) |
| .۷۳۷ | دَوَسْرُ (الدَّوَاسِرِيُ وَالدَّوَاسِرِانِيُ): (۵۶) (۱۰) |
| .۷۳۸ | (۶۴) دَوَغُ (الدَّوَغُ وَالدَّوْقُ): (۱۲) (۷، ۷) (۳۱۹) |
| .۷۳۹ | (۱۰) دَوَغَاهُ (الدَّوَغَاهُ): (۵۳) (۶۹ - ۶۸) |
| .۷۴۰ | دَوَلَابُ (دَوَلَابُ): (۴) (۵، ۵) (۳۳۶/۹) |
| .۷۴۱ | (۶۵، ۱۰) دَوَيْدَنُ (دَوَيْدَنُ): (۵۶) (۹، ۹) (۸۰/۳۸، ۹) |
| .۷۴۲ | دَيَاجُ (الدَّيَاجُ): (۱۵) (۷، ۷) (۲۹۱) |
| .۷۴۳ | (۶۰، ۱۰) دَيَاجُ (دَيَاجُ): (۲) (۵، ۵) (۳۴۷/۷، ۷) |
| .۷۴۴ | (۲۶۲/۲) دَيَاجُ (دَيَاجُ): (۲) (۴۴۷/۷، ۷) |
| .۷۴۵ | (۲۶۴/۱، ۲) (۳۱۲/۱، ۴) دَيَيْدَبَانُ (الدَّيَيْدَبَانُ): (۷) |
| .۷۴۶ | (۱۱، ۱۰) دَيَيْزَهُ (دَيَيْزَهُ): (۳۵) (۲، ۲) (۴۴۷/۱، ۱۰) |
| .۷۴۷ | (۶۳، ۱۰) دَيَيْگَ (الدَّيَيْگَ): (۹) (۶۹، ۱۰) |
| .۷۴۸ | دَيَگَدانُ (دَيَگَدانُ وَدَيَقَانُ): (۹) (۴۱۷/۳۵، ۹) |
| .۷۴۹ | (۴۱، ۷) دَيَنُ وَ دَيَانَهُ (الدَّيَنُ وَالدَّيَانَهُ): (۱۰) (۶۹) |
| .۷۵۰ | دِينَارُ (دِينَارُ): (۵۱) (۲، ۵) (۶۴۰/۲) |
| .۷۵۱ | (۲۹۰، ۷) دَيَوَاشَتَى (دَيَوَاشَتَى): (۱) (۱۲، ۹) (۲۵۸/۱۲، ۹) |
| .۷۵۲ | دِيَوَانُ (الدَّيَوَانُ): (۴۹) (۵، ۵) (۴۰۳/۹) |
| .۷۵۳ | (۳۱۷) ذَنْبُ (ذَنْبُ): (۵۲) (۹، ۹) (۴۱۱/۲) |
| .۷۵۴ | (۷۵) رَازُ (الرَّازُ): (۷) (۱۰، ۱۰) |
| .۷۵۵ | رازِقَى (الرَّازِقَى): (۷۶) (۱۰، ۱۰) (۳۶) |

بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۱۹
❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- | | |
|---|---|
| <p>رزبان (رَبَّاب): (۷) (۱۰، ۱۰) .^{.۷۸۴}</p> <p>رزق (الرِّزْق): (۵۰) (۵۰، ۱۰) .^{.۷۸۵}</p> <p>رس (الشَّلْق): الشُّلْقُ: (۳۱) (۱، ۱) .^{.۷۸۶}</p> <p>رسه (الرِّزْدَق): (۵۶) (۹، ۹) .^{.۷۸۷}</p> <p>رسن (الرِّسْن): (۴) (۳۳۷، ۱۰) .^{.۷۸۸}</p> <p>رسن (رسن): (۸) (۹۳/۳۵، ۹) .^{.۷۸۹}</p> <p>رشته (اطریه: ... الہبریہ): (۶) (۴، ۶/۶) .^{.۷۹۰}</p> <p>رشته (۶/۱۵، ۸) (۴۸۹/۳۸، ۹) .^{.۷۹۱}</p> <p>رشته (الرِّشَتَه - رشیدیه): (۶) (۹۶/۸) .^{.۷۹۱}</p> <p>رشک (الرِّشك): (۱) (۷۲، ۱۰) .^{.۷۹۲}</p> <p>رشک (الرِّشك): (۳۴) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۹۳}</p> <p>رشن (رشن): (۵۶) (۹۵-۹۶/۳۵، ۹) .^{.۷۹۴}</p> <p>رصاص (الرصاص): (۳۳) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۹۵}</p> <p>رصد (الرصد): (۵۳) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۹۶}</p> <p>رصدخانه (رسدق - رسداق): (۲۴) (۵) .^{.۷۹۷}</p> <p>رسدق (۶۱۲/۶) (۱۱۶/۱۰، ۸) .^{.۷۹۸}</p> <p>رطل (الرِّطْل): (۴) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۹۸}</p> <p>رفف (الرِّفَفُ): (۲) (۳۶۱/۲۳، ۹) .^{.۷۹۹}</p> <p>رفف (رفف): (۲۱) (۳۶۱/۲۳، ۹) .^{.۸۰۰}</p> <p>ركف (ركف): (۵۶) (۱۲۹/۹، ۸) .^{.۸۰۱}</p> <p>ركف (۶۵/۲۳) .^{.۸۰۱}</p> <p>رمکا (الرمکه): (۵۶) (۷۹۸/۲، ۲) .^{.۸۰۲}</p> <p>رمکا (۷۳، ۱۰) .^{.۸۰۲}</p> <p>رمل (رمل): (۵۶) (۲۵۸/۱۰، ۵) .^{.۸۰۳}</p> <p>رمه (رمه): (۵۶) (۱۴۸۴/۴، ۴) .^{.۸۰۴}</p> <p>رمه (۱۲۵/۱۰، ۸) (۱۳۷/۱۰، ۳) .^{.۸۰۴}</p> <p>رند (رند): (۱۰) (۷۳، ۱۰) .^{.۸۰۵}</p> <p>رنده (الأَرْنَدَج): (۳۵) (۵۹۷/۵، ۹) .^{.۸۰۶}</p> <p>(۳۵، ۷) (۲۸۳/۲، ۸) (۳۱۸/۱، ۶) .^{.۸۰۶}</p> <p>(۷۱، ۱۰) .^{.۸۰۷}</p> <p>رنف (الرنف): (۱۲) (۱۰، ۱۰) .^{.۸۰۷}</p> | <p>رازیانه (الرازیانج): (۳۸) (۱۰) (۷۰، ۱۰) .^{.۷۵۶}</p> <p>راسن (الراسن): (۳۸) (۷) (۳۵۵-۳۵۴) .^{.۷۵۷}</p> <p>راسو (إین عرس): (۳۱) (۹، ۹) (۲۴۵/۱۶) (۴) .^{.۷۵۸}</p> <p>(۹۴۸/۳) .^{.۷۵۸}</p> <p>راسو (عرس): (۳۱) (۸) (۶/۶) (۱۳۴) (۹) .^{.۷۵۹}</p> <p>(۲۴۶/۱۶) .^{.۷۵۹}</p> <p>راشوان (الراشوان): (۱۶) (۸) (۲۱۵/۱۰، ۵) .^{.۷۶۰}</p> <p>(۸۴/۲۶، ۹) (۲۷۳/۶) .^{.۷۶۰}</p> <p>رام (الرام): (۴۳) (۱۰) (۷۴، ۱۰) .^{.۷۶۱}</p> <p>رامق (الرأمق): (۳۴) (۳۳۳، ۷) .^{.۷۶۲}</p> <p>راموز (الراموز): (۱۸) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۶۳}</p> <p>(۱۳۲/۳۵، ۹) .^{.۷۶۴}</p> <p>ران (الران): (۴) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۶۴}</p> <p>رانج (الرانج): (۶) (۱۰) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۶۵}</p> <p>راه (راه، بیره ریها): (۱۶) (۱۰) (۷۵، ۱۰) .^{.۷۶۶}</p> <p>راهب (الراہب): (۵۲) (۱۰) (۷۴، ۱۰) .^{.۷۶۷}</p> <p>راهنامه (راهنامج): (۱۶) (۹، ۹) (۶۰۲/۵) .^{.۷۶۸}</p> <p>(۷۴، ۱۰) (۴۲) .^{.۷۶۸}</p> <p>راهوار (الرهوج): (۱۶) (۷، ۷) (۳۲۴) .^{.۷۶۹}</p> <p>راهوار (رهوج - رهوان): (۳۱) (۲، ۲) (۱۱۷۹/۲) .^{.۷۷۰}</p> <p>(۳۹۳/۲، ۸) (۲۸۵/۶) (۴، ۹) (۳۵۱/۱) .^{.۷۷۰}</p> <p>(۷۴، ۱۰) (۶۳۸) .^{.۷۷۰}</p> <p>راهی (رهو): (۱۶) (۲) (۸۰۸/۲، ۲) .^{.۷۷۱}</p> <p>راوک (الراووق): (۱۲) (۱۰) (۷۵) .^{.۷۷۲}</p> <p>ربان (الرگبان): (۱۸) (۵۷۸، ۷) .^{.۷۷۳}</p> <p>ربان (ربان): (۷) (۷۳/۳۵، ۹) .^{.۷۷۴}</p> <p>ربیع (الربیع): (۵۶) (۷۰، ۱۰) .^{.۷۷۵}</p> <p>ربین (ربین): (۵۰) (۱۷۵/۱۳، ۸) .^{.۷۷۶}</p> <p>ربیه (الریبه): (۳۰) (۷۰، ۱۰) .^{.۷۷۷}</p> <p>ربون (ربون): (۵۶) (۲۶۳/۱۰، ۵) .^{.۷۷۸}</p> <p>رت (الرطی): (۱) (۱۰) (۷۳، ۱۰) .^{.۷۷۹}</p> <p>رخ (الرخ): (۱۹) (۱، ۱) (۱۳۹/۴) .^{.۷۸۰}</p> <p>(۷۱، ۱۰) .^{.۷۸۰}</p> <p>رخت (الرخت): (۱۴) (۱۰) (۷۱، ۱۰) .^{.۷۸۱}</p> <p>رخت (قعد): (۲) (۴، ۴) (۵۲۵/۲) .^{.۷۸۲}</p> <p>(۳۵۷/۳، ۸) .^{.۷۸۲}</p> <p>رخش (ترخش): (۵۶) (۱۰) (۷۱، ۱۰) .^{.۷۸۳}</p> |
|---|---|

| | |
|--|---|
| زال (زال): ^{.۸۳۷} زبان (الزبان): ^{.۸۳۸} زبیرجد (الزبیرج - الزبیرج): ^{(۱۱) (۱۰)} زبیرجد (الزبیرج): ^{(۱۱) (۱۰)} زبیر (الزبیر): ^{(۵۱) (۹)} زبیون (الزبیون): ^{(۳) (۳۸۸/۲۵)} زخم (الزخم): ^{(۴۴) (۱۰)} زرافکند (الزرافکند): ^{(۵۳) (۱۰)} زرافه (زرافه): ^{(۳۱) (۹)} زرآوند (الزرآوند): ^{(۳۰) (۱۰)} زرد (زردہ: زَرْدَة): ^{(۳۵) (۹)} زردآب (الزردآب): ^{(۵۶) (۱۰)} زردالو (مشمش): ^{(۳۶) (۹)} زردچوبه (عروق الصفر): ^{(۳۸) (۹)} زردک (الزَّرَدَج): ^{(۵۶) (۱۰)} زردم (زردم - زردبہ): ^{(۴۲) (۲)} زرده (الزردی): ^{(۱۷) (۱۰)} زرده (زردق): ^{(۳۶) (۵)} زرشک (إثراة): ^{(۳۰) (۵)} زرشک (زرشک): ^{(۶) (۹)} زرغب (کیمخت): ^{(۵۶) (۱)} زرفن (الزرفن): ^{(۴) (۸)} زرشک (إثراة): ^{(۳۰) (۵)} زرشک (زرشک): ^{(۱۵) (۷)} زرغب (کیمخت): ^{(۵۶) (۱)} زرفن (الزرفن): ^{(۴) (۸)} زرگون (زرجن): ^{(۳۵) (۹)} زرگون (زرجون): ^{(۱۲) (۵)} زرگون (زرجون): ^{(۱۲) (۵)} زاغ (زوج): ^{(۴۱) (۱۰)} زاج-زاغ (الزَّاج): ^{(۳۴) (۷)} زارسام (الضرسامة): ^{(۱) (۱۰)} زاغ (ریح): ^{(۳۴) (۷)} زاغ (زاغ): ^{(۳۴) (۷)} زاغ (نصح): ^{(۳۴) (۷)} | رهآورد (عارضه): ^{(۵۶) (۴)} رهوه (رهج): ^{(۵۶) (۴)} رواج (الرواج): ^{(۵۰) (۱۰)} رویاه تربک (الریرق): ^{(۳۰) (۱۰)} رویج (ریج): ^{(۵۱) (۵)} روح (روح): ^{(۵۶) (۳)} رود (رود): ^{(۵۶) (۷)} رود (روط): ^{(۵۶) (۹)} روده (الروزق): ^{(۴۲) (۹)} روزنامه (الروزنامه): ^{(۴۹) (۱۰)} روزنه (روزن): ^{(۵) (۷)} روس (الرُّوس): ^{(۱) (۱۰)} روستا (الرزدق): ^{(۵۶) (۴)} روشن (اللوشان): ^{(۲۱) (۱۰)} روشه (الروضه): ^{(۳۰) (۱۰)} رون (الرُّون): ^{(۵۶) (۱۰)} رونق (الرونق): ^{(۵۰) (۱۰)} روی باز (الرویضة): ^{(۱) (۱۰)} روین / روناس (الفوة): ^{(۳۵) (۱)} ری (الری): ^{(۵) (۷)} ریگ (الریغ): ^{(۵۶) (۱۰)} ریواس (الریواس): ^{(۳۰) (۷)} زاج (زوج): ^{(۴۱) (۲)} زاج-زاغ (الزَّاج): ^{(۳۴) (۷)} زارسام (الضرسامة): ^{(۱) (۱۰)} زاغ (ریح): ^{(۳۴) (۷)} زاغ (زاغ): ^{(۳۴) (۷)} زاغ (نصح): ^{(۳۴) (۷)} |
|--|---|

بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۲۱
❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- | | |
|--|---|
| <p>زندپیچی (زندپیچی): (۱۵) (۸۱، ۱۰) .۸۹۳</p> <p>زنده پیل (زندبل): (۳۱) (۱۴۴/۲۹، ۹) .۸۹۴</p> <p style="text-align: right;">(۸۰) (۳۶۰)</p> <p>زندیق (زندق): (۵۲) (۲) (۱۳۲۹/۳) .۸۹۵</p> <p>زندیق (زندق): (۵۲) (۲) (۲۹۸/۹) .۸۹۵</p> <p>زندگار (زنگار): (۳۳) (۴۳، ۷) .۸۹۶</p> <p>زنمرده (الزنمردة): (۱) (۱) (۳۶۸/۱۷) .۸۹۷</p> <p style="text-align: right;">(۸۱)</p> <p>زنها (زنها): (۳) (۸۱، ۱۰) .۸۹۸</p> <p>زه (زیج): (۴۷) (۲۴/۶، ۹) .۸۹۹</p> <p>زه زه (الزهواه): (۳) (۸۱، ۱۰) .۹۰۰</p> <p>زهی زهی (الزههه): (۳) (۸۱، ۱۰) .۹۰۱</p> <p>زود (زود): (۳) (۵۲۵/۳۷، ۹) .۹۰۲</p> <p style="text-align: right;">(۹۸، ۷)</p> <p>زور (الزور): (۴۷) (۴۶۲/۱۱) .۹۰۳</p> <p style="text-align: right;">(۸۲، ۱۰)</p> <p>زورق (الزورق): (۱۸) (۳۵۲، ۷) .۹۰۴</p> <p>زولبیا (زلاییة): (۱۷) (۷۱۳/۶، ۵) .۹۰۵</p> <p>زون (الزون): (۵۲) (۱۶۵/۱۳) .۹۰۶</p> <p style="text-align: right;">(۸) /۱۳</p> <p>زونکل (الزونکل): (۱) (۸۲، ۱۰) .۹۰۷</p> <p>زی (الجیة): (۲) (۴۹، ۱۰) .۹۰۸</p> <p>زيان (الذین): (۵۶) (۶۹، ۱۰) .۹۰۹</p> <p>زيان زن (الضیزن): (۱) (۱۱۰، ۱۰) .۹۱۰</p> <p>زياتر (تَنَبِّر): (۳) (۷۶، ۱۰) .۹۱۱</p> <p>زيج (زیج): (۴) (۳۲۱/۱) .۹۱۲</p> <p style="text-align: right;">(۲۹۴/۲)</p> <p>زیر (الزیر): (۱) (۳۸۱/۷) .۹۱۳</p> <p>زیر (زیر): (۵۳) (۴۳، ۷) .۹۱۴</p> <p>زیربا - آش زیره (الزیرباج): (۴۱) (۸۲، ۱۰) .۹۱۵</p> <p>زیرگاه (الزایرجة): (۴) (۸۲، ۱۰) .۹۱۶</p> <p>زیستن (الزی): (۵۶) (۸۳، ۱۰) .۹۱۷</p> <p>زیق (زیق): (۳۴) (۲، ۵) (۸۲۴/۲) .۹۱۸</p> <p style="text-align: right;">(۴۹۰/۶)</p> <p style="text-align: right;">(۳۵۰، ۷) (۱۵۰ /۱۰) .۹۱۸</p> | <p>زرناب (الزرنب): (۳۰) (۷۸، ۱۰) .۸۷۲</p> <p>زرنباد (الزَّرْبَد): (۳۰) (۷۸، ۱۰) .۸۷۳</p> <p>زرنبوک (زَرَبُوك): (۳۰) (۷۸، ۱۰) .۸۷۴</p> <p>زرنج (زَرْجَح): (۵۵) (۳۴۱، ۷) .۸۷۵</p> <p>زرنگی (الزانکی): (۱) (۸۱، ۱۰) .۸۷۶</p> <p>زرنه (الرَّنْقَة): (۵۰) (۷۹، ۱۰) .۸۷۷</p> <p>زرنیخ (الزرنيخ): (۱۱) (۳۵۶، ۷) .۸۷۸</p> <p>زره (الزَّرَد): (۴۷) (۷۷، ۱۰) .۸۷۹</p> <p>زرباب (الزرابی - الزرباب): (۱۱) (۷۷، ۱۰) .۸۷۰</p> <p>زربین (الزربیر): (۳۵) (۷۸، ۱۰) .۸۷۱</p> <p>زلال (الزلال): (۵۶) (۷۹، ۱۰) .۸۷۲</p> <p>زلق (زلق): (۳۶) (۱۴۴ / ۱۰) .۸۷۳</p> <p>زلق (زلق): (۳۶) (۴۱۴/۲۵، ۹) .۸۷۴</p> <p>زمادرد (الزمادرد): (۶) (۷۹، ۱۰) .۸۷۵</p> <p>زمج - ده برادران (زمج): (۳۴) (۱۱۶۵/۲، ۲) .۸۷۶</p> <p style="text-align: right;">(۳۴۸، ۷)</p> <p>زمردہ (الزمردہ): (۵۷) (۴۳، ۷) .۸۷۷</p> <p>زمزم (زمزم): (۳) (۷۹، ۱۰) .۸۷۸</p> <p>زمهریر (زمهریر): (۵۶) (۱۲۱۹/۲، ۲) .۸۷۹</p> <p style="text-align: right;">(۷۹)</p> <p>زن (الرَّن): (۳۰) (۸۱، ۱۰) .۸۸۰</p> <p>زنانه (زنانی): (۱) (۸۱، ۱۰) .۸۸۱</p> <p>زنباره (الصباقرة): (۱) (۱۰۹، ۱۰) .۸۸۲</p> <p>زنباره (تَنَبِّر): (۳) (۷۹، ۱۰) .۸۸۳</p> <p>زنبری (الزنبری): (۱) (۷۹، ۱۰) .۸۸۴</p> <p>زنبری (الزنبریة): (۱۸) (۷۹، ۱۰) .۸۸۵</p> <p>زنبورک (الزنبرُک): (۴) (۸۰، ۱۰) .۸۸۶</p> <p>زنبل (زنبل): (۹) (۴۳، ۷) .۸۸۷</p> <p>زنبل (زنفلج): (۴) (۳۲۰/۱) .۸۸۸</p> <p style="text-align: right;">(۸۱، ۱۰) (۴۳ و ۳۴۶) .۸۸۸</p> <p>زنجبیل (زنجبیل): (۳۸) (۳۵۴، ۷) .۸۸۹</p> <p>زنجبفر (زنجبفر): (۳۵) (۴۳، ۷) .۸۹۰</p> <p>زنجبیر (زنجبیر): (۴) (۸۰، ۱۰) .۸۹۱</p> <p>زنند (الزنند): (۴) (۸۰، ۱۰) .۸۹۲</p> |
|--|---|

| | |
|--|--|
| <p>٩٤٥ سخت (السُّخْت): (٥٦) (١) (١٩٤/٤) (٢)، (١٣٢٢/٣) (٤٢/٢، ٨) (٥٥٣/٤، ٩) (٧٥/٧) (٣، ٢)</p> <p>٩٤٦ سخت (سختیت): (٥٦) (٨) (٥٠/٢) (٥) (٧٢/٥)</p> <p>٩٤٧ سختیان (السختیان): (٥٦) (١٠) (٨٥)</p> <p>٩٤٨ سخیر (السخَرُ): (٣٠) (٨٥)</p> <p>٩٤٩ سداب (السدَب والسدَاب): (٣٠) (٨٨، ١٠)</p> <p>٩٥٠ سدر (سدر): (٥) (٤٤/٨) (٤٤٦/٨) (٨) (١١)</p> <p>٩٥١ سده (السدَق والسدَق): (٢٢) (٤٤٠/٢٥، ٩)</p> <p>٩٥٢ سرا (السَّرَّاء): (٥) (٩١)</p> <p>٩٥٣ سرا (السَّرَايَة والسَّرَايَا): (٥) (٩١)</p> <p>٩٥٤ سراب (السراب): (٥٦) (٨٨، ١٠)</p> <p>٩٥٥ سراد (السرادَة): (٤) (٢٤٩/١٢، ٣)</p> <p>٩٥٦ سرآمد (السرمَدِي): (٢٧) (٩٠)</p> <p>٩٥٧ سرایدار (السرادِق): (٧) (٣٩٩، ٧)</p> <p>٩٥٨ سرب (أسرب - أسرف): (٣٣) (١، ١) (٤١٢/٥)</p> <p>٩٥٩ سرب (سرب): (٣٣) (٣، ٣) (٢٨٩/١٢)</p> <p>٩٦٠ سربد (السربَد): (١) (٨٨، ١٠)</p> <p>٩٦١ سربند (السلَبَنَد): (١٤) (٩٢، ١٠)</p> <p>٩٦٢ سربوش (الشريوش): (٤٧) (٩٩، ١٠)</p> <p>٩٦٣ سربوش (الطربوش): (٢) (١١١، ١٠)</p> <p>٩٦٤ سرج - زین (السرج): (١٤) (٤٠٠، ٧)</p> <p>٩٦٥ سرجس (سرجس): (٥٥) (٥، ٥) (٥٨٢/٧)</p> <p>٩٦٦ سرخ (سهرز): (٦) (٥، ٥) (٤٧٦/٤)</p> <p>٩٦٧ سرخاب (السرخاب): (١٠) (٨٩، ١٠)</p> <p>٩٦٨ سرخاب (السرخاب): (٣٤) (٨٩، ١٠)</p> | <p>٩١٩ زیوه - جیوه (زئبق): (٣٣) (٣٤٧، ٧) (٤٢، ٧)</p> <p>٩٢٠ (٨٢، ١٠)</p> <p>٩٢١ ژوین (الزوین): (٤٧) (٨١، ١٠)</p> <p>٩٢٢ ژیک (الزيك): (١١) (٨٢، ١٠)</p> <p>٩٢٣ سابری (السابرى): (٢) (٨٤، ١٠)</p> <p>٩٢٤ ساج (الساج): (٣٢) (٩٦، ١٠) (١٠٤١/٢، ٢)</p> <p>٩٢٥ ساده (الساذج): (١٣) (٣٩٥، ٧) (٨٨، ١٠)</p> <p>٩٢٦ سالار (السالار): (٤٨) (٨٣، ١٠) (٧٠/١٢، ٩)</p> <p>٩٢٧ سایه (السايَة): (٥٦) (٨٣، ١٠)</p> <p>٩٢٨ سایه بان (الساباط): (٤) (٨٤، ١٠)</p> <p>٩٢٩ سایه برست (السبازرة): (١) (٨٤، ١٠)</p> <p>٩٣٠ سیخ (سیخ): (٥٦) (٨٣، ١٠)</p> <p>٩٣١ سپنج (السنجَنَج): (٥٦) (٩١، ١٠)</p> <p>٩٣٢ سپهبد (الصهيد - الصبهيد): (٤٨) (٤٣٠، ٧)</p> <p>٩٣٣ سپیدار (أسيبدار): (٣٢) (٨) (٦٤٢/١، ٤)</p> <p>٩٣٤ سپیدبر (الصيف): (٢٧) (٨٤، ١٠) (٤٣، ٧)</p> <p>٩٣٥ ستاره (السیدارة): (٤٣) (٨٦، ١٠)</p> <p>٩٣٦ ستاک (الإستاج): (٤) (٨٦، ١٠)</p> <p>٩٣٧ ستاو (الستَّ): (٥٦) (٨٤، ١٠)</p> <p>٩٣٨ ستم (الشتم): (٥٢) (٩٨، ١٠)</p> <p>٩٣٩ سجوری (السجوري): (١) (٩٦، ١)</p> <p>٩٤٠ سجل - سنگ و گل (سجل): (٣٣) (٢)</p> <p>٩٤١ سجیه (السُّجِيَّة): (٥٦) (٨٥، ١٠)</p> <p>٩٤٢ سحا - خفاش (سحا): (٣٤) (٣٧٢/١٤، ٨)</p> <p>٩٤٣ سحط (السحط): (٤) (٣٣٧/١٩، ٩)</p> <p>٩٤٤ سخ (السخ): (٢٠) (٨٥، ١٠)</p> |
|--|--|

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

| | |
|---|--|
| <p>۱۲۳ ◇ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷</p> <p>سیدآب (الإسفيداج والإسفيدبا): (۱۰) .۹۹۵ سکبا (سکباج): (۶) (۴۴، ۷، ۱۰) (۹۲) .۹۹۶ سکینچ (سکینچ): (۱) (۴۱، ۷) (۴۴) .۹۹۷ سکر (السكر): (۱) (۴، ۲/۶۸۸) .۹۹۸ سکره (سکرچ): (۴) (۲۹۹، ۲/۸) (۴۴) .۹۹۹ سکستان (سجستان): (۵۵) (۵۹۴/۴، ۹) (۸) .۱۰۰ سکنجین (السكنجين): (۱۲) (۴۴، ۷) (۱۰) .۱۰۱ سگپستان (السبستان): (۳۲) (۵۴۷/۴، ۹) .۱۰۲ سگ‌گیر (الساجور): (۴) (۸۵) (۱۰، ۸) .۱۰۳ سل (السل): (۴۴) (۹۳، ۱۰) .۱۰۴ سلاح‌دار (السلاحدار): (۷) (۹۲، ۱۰) .۱۰۵ سلحفاة (السلحفاة): (۳۱) (۳۹۸، ۷) (۴۴ و ۹۳-۹۲) .۱۰۶ سلق - چغندر (سلق): (۳۶) (۴۵۶/۲۵، ۹) .۱۰۷ سلور (صلور): (۴۰) (۱۲، ۹) .۱۰۸ سم (سبک) - سنبوق: (۳۱) (۱۱۲۵/۲، ۲) (۷، ۴۴ و ۳۶۳) .۱۰۹ سمد (سمد): (۲۸) (۴۶۳/۸، ۵) (۹، ۸) .۱۱۰ سمرج (السمرج): (۵۰) (۱۶۴/۱۱، ۳) (۹) .۱۱۱ سمسار (فسر): (۷) (۱، ۳/۴۴) (۴۵/۶) .۱۱۲ سمسم (السمسم): (۵۱) (۲۹۲/۱۲، ۹) (۴۸/۱۲) (۷۸۷/۲) (۳۵۱، ۴/۴) .۱۱۳ سمند (السمند): (۳۱) (۲۱۴/۸، ۹) (۹۳، ۱۰) (۶۵۱/۸، ۵) (۸۷/۱۲، ۹) (۳۷۳، ۷) .۱۱۴ سمندر (السمندر): (۳۱) (۴۴، ۷) (۹۴، ۱۰) (۴۴) .۱۱۵</p> | <p>سرخآوای (نخم): (۳۴) (۴، ۴/۲۰۳۹/۵) .۹۷۹ (پرنده) .۹۷۰ سرخآوای (نخم): (۳۴) (۹، ۴/۴۸۳/۳۳) .۹۷۱ سرد (صرد): (۵۶) (۴/۲۷۱/۸، ۹) (۴۹۶/۲) .۹۷۲ (۴۲۰، ۷) (۲۴۸/۳، ۸) .۹۷۳ سردادب (السردادب): (۵) (۴/۸۹، ۱۰) (۴۴) .۹۷۴ سردار - راز دار (السردار): (۷) (۸۹، ۱۰) .۹۷۵ سرسام (السرسام): (۴۴) (۹۰، ۱۰) (۴۴) .۹۷۶ سرسیک (سرخ): (۱) (۸۸، ۱۰) .۹۷۷ سرسینه (القصص - القصص): (۴۲) (۴، ۳/۱۰۱/۱۸، ۹) (۱۰۵۲) .۹۷۸ سرق (السرق): (۱۵) (۲، ۲/۷۱۸/۲) (صح: ۴/۱۰۵) (۱۴۹۶/۴) (۳۰۷/۸، ۳) (۱۵۵) (۱۰/۱۰) .۹۷۹ سرکار (السرکار): (۴۹) (۹۰، ۱۰) (۴۹) .۹۸۰ سرکوب (الشرجب): (۵۶) (۹۹، ۱۰) (۵۶) .۹۸۱ سرگین (السرقين): (۲۸) (۷، ۷/۳۷۴) (۱۰) (۹۳) .۹۸۲ سرمج (السرمق): (۳۰) (۹۰، ۱۰) (۴۹) .۹۸۳ سرموزه (السرموچ): (۲) (۹۰، ۱۰) (۴۰) .۹۸۴ سرموزه (جرموق): (۷) (۹۰، ۱۰) (۳۹) .۹۸۵ سرو (السرو): (۳۲) (۹۰، ۱۰) (۴۸) .۹۸۶ سروات (سروات): (۴۸) (۹۱، ۱۰) (۴۸) (۴۰) .۹۸۷ سریش (ثرط): (۸) (۸/۷) (۲۶۷) (۴) (۱۱۱۷/۳) .۹۸۸ سلطن (سلطن): (۴۶) (۹۰، ۹/۱۸۶/۳۵) .۹۸۹ سفا (سفاء): (۱۴) (۸/۱۴) (۳۸۸) .۹۹۰ سفنه (الستنجه): (۵۰) (۱۰، ۹) (۹۱) .۹۹۱ سفیاف (السفیاف): (۳) (۱۰، ۱۰) (۹۱) .۹۹۲ سفیق (السفیق): (۴۷) (۸/۱۰) (۱۵۸) .۹۹۳ سفط (السفط): (۱۲) (۴، ۴/۱۱۳۱/۳) (۸/۷) (۳۱۵) .۹۹۴ سفق (سفن): (۵۶) (۴/۴) (۱۴۹۷/۴) .۹۹۵ سفجه (سفجه): (۵۶) (۴، ۷/۴۴) (۹۴) .۹۹۶</p> |
|---|--|

-
- | | |
|---|---|
| <p>.^{۱۰۴۴} سوارکار (اسوار): (۷) (۲، ۲) (۷۳۳/۲، ۷) (۷)</p> <p>.^{۱۰۴۵} سوخت (السُّخْت): (۵۶) (۱۰) (۸۵، ۸)</p> <p>.^{۱۰۴۶} سور (السُور): (۲۲) (۳، ۳) (۳۷/۱۳، ۹)</p> <p>.^{۱۰۴۷} سوزان (الشواطِي): (۵۶) (۱۰) (۹۶، ۱۰) (۳۸۲، ۷)</p> <p>.^{۱۰۴۸} سوس (السُوس): (۵۶) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۴۹} سوسنیر (السيسنير): (۳۰) (۱۰) (۹۷، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۵۰} سوهان (مِبرد): (۸) (۵، ۵) (۴۱۷/۷، ۹)</p> <p>.^{۱۰۵۱} سیاه دانه (الصیدانة): (۲۹) (۱۰) (۱۰۹، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۵۲} سیاه گوش (تفف): (۳۱) (۹) (۳۵۵/۳۶، ۹)</p> <p>.^{۱۰۵۳} سیب (سَبِّ): (۳۶) (۵، ۵) (۸۴/۳، ۹)</p> <p>.^{۱۰۵۴} سیبویه (سَبِّوِيَه): (۵۵) (۹) (۸۵/۳، ۹)</p> <p>.^{۱۰۵۵} سیخ (السِّيَخ): (۴) (۱۰) (۹۷، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۵۶} سیراب (شرب): (۵۶) (۱۰) (۹۹، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۵۷} سیرسور (السِّرْسُور): تعریف سیرسور و اصل معناه الشَّعَبَانُ فَرَحًا.</p> <p>.^{۱۰۵۸} سیسبان (السیسبان): (۳۲) (۱) (۱۲۳۵/۳، ۱)</p> <p>.^{۱۰۵۹} سیستان (سجستان): (۵۵) (۸) (۴۱/۲، ۷)</p> <p>.^{۱۰۶۰} سیم (سام - سوم): (۱۱) (۳، ۳) (۷۷/۱۳، ۸)</p> <p>.^{۱۰۶۱} شادگونه (الشاذکونه): (۲) (۱۰) (۹۹، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۶۲} شاصلی (الشناصلی): (۳۰) (۴) (۲۲۹۲/۶، ۴)</p> <p>.^{۱۰۶۳} شاقول (الشاقول): (۸) (۱۰) (۱۰۱، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۶۴} شاگرد (شاکرد): (۷) (۹) (۲۴۸/۸، ۹)</p> <p>.^{۱۰۶۵} شان (الشأن): (۵۶) (۱۰) (۹۷، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۶۶} شاه (شاه: الشاه): (۴۸) (۹، ۹) (۴۲۶، ۳۶)</p> <p>.^{۱۰۶۷} شاه (شوہ): (۵۶) (۴، ۴) (۲۲۳۹/۶، ۸)</p> <p>.^{۱۰۶۸} شاه بلوط (شاه بلوط): (۳۲) (۱۰) (۱۰۵، ۱۰)</p> | <p>.^{۱۰۶۶} سمهج (سمهج): (۵۵) (۸) (۴) (۳۰۱/۲، ۴)</p> <p>.^{۱۰۶۷} سموال (السموال): (۵۱) (۷) (۹۳، ۷)</p> <p>.^{۱۰۶۸} سناج (السناج): (۵۶) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۶۹} سنباده (السنباذج): (۸) (۷) (۴۴، ۷)</p> <p>.^{۱۰۷۰} سنبک (السنبوک): (۳۱) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۱} سنبوت (السنبوت): (۵۶) (۱۰) (۹۴، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۲} سنتب (الستتب): (۱) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۳} ستور (الستطور): (۵۴) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۴} سنجباب (السنجباب): (۳۱) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۵} سنجد (السنجد): (۳۹) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۶} سنحق (السنحق): (۲) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۷} سنجدین (ستجه): (۵۶) (۷) (۴۴، ۷)</p> <p>.^{۱۰۷۸} سنخ (السناخة): (۵۶) (۱۰) (۹۵، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۷۹} سندان (السندان): (۴) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۸۰} سنديان (السنديان): (۳۲) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۸۱} سنطاب (السنطاب): (۸) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۸۲} سنگه - سنجه (صنجه): (۲۰) (۷) (۴۲۵، ۷)</p> <p>.^{۱۰۸۳} سه پایه (حمر): (۴) (۹) (۹۱/۱۱، ۹)</p> <p>.^{۱۰۸۴} سه در (السدر): (۲۳) (۷) (۴۰۲، ۷)</p> <p>.^{۱۰۸۵} سه دری - سدر (سدلی): (۵) (۳) (۲۴۸/۱۲، ۳)</p> <p>.^{۱۰۸۶} سه طبقه (ستوق): (۵۰) (۷) (۴۰۴، ۷)</p> <p>.^{۱۰۸۷} سه لبه (سلف): (۳) (۴۶۱/۲۳، ۹)</p> <p>.^{۱۰۸۸} سه مره (سَهْمَرَه): (۵۰) (۷) (۳۷۰، ۷)</p> <p>.^{۱۰۸۹} سه پا (السيبة): (۴) (۱۰) (۹۷، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۹۰} سه تو (ستق): (۵۶) (۹) (۴۳۳/۲۵، ۴)</p> <p>.^{۱۰۹۱} سه گاه (السيکاه): (۵۳) (۱۰) (۹۷، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۹۲} سهنیاه (سنهنیاه): (۳) (۱۰) (۹۶، ۱۰)</p> <p>.^{۱۰۹۳} سو (الساو): (۵۶) (۱۰) (۸۳، ۱۰)</p> |
|---|---|
-

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۰۹۸. شخت (الشَّخْتُ): (۵۶) (۹، ۴/۵۸۰) (۵)
۱۰۹۹. شدف (شدف): (۴۷) (۹، ۲۳/۴۸۹) (۸، ۹/۹)
۱۱۰۰. شدف (شندف): (۵۶) (۳، ۱۱/۲۲۲) (۵)
۱۱۰۱. شرخ (شرخ): (۵۶) (۱، ۶/۵۰۱)
۱۱۰۲. شرزه (الشَّرْزَ): (۱) (۱۰، ۱۰/۹۹)
۱۱۰۳. شرم (السُّرْم): (۱) (۱۰، ۱۰/۹۰)
۱۱۰۴. شرن (شَرْن): (۵۶) (۱۰، ۱۰/۱۰۰)
۱۱۰۵. شست (شَصْص): (۵۶) (۹، ۸/۱۲/۱۸)
۱۱۰۶. ششت (الشَّصْ): (۸) (۸/۱۴، ۱۴/۴۳۲)
۱۱۰۷. شطر (شَطَر): (۴۷) (۸، ۸/۴)
۱۱۰۸. شطرنج (شَطَرْنَج): (۱۹) (۸/۳۰۸) (۵)
۱۱۰۹. شغال (إِبْنَ آوَى): (۳۱) (۴، ۶/۲۲۷۴)
۱۱۱۰. شغوش (شَغْوَش): (۵۶) (۹، ۵/۳۰۰)
۱۱۱۱. شفتالو (الفرسَك): (۳۶) (۱۰، ۱۰/۱۱۸)
۱۱۱۲. شفع (الشَّفَع): (۴۶) (۱۰، ۱۰/۱۰۱)
۱۱۱۳. شقال (البَجْل): (۳۱) (۱۰، ۱۰/۴۲)
۱۱۱۴. شقراق (الشَّقْرَاق): (۳۴) (۸، ۸/۳۶۰)
۱۱۱۵. شک (الشَّك): (۴۱) (۱۰، ۱۰/۱۰۲)
۱۱۱۶. شکر (سَكَر): (۱۷) (۸، ۴/۳۷۲) (فارسی معرب)
۱۱۱۷. شکر (الشَّكَر): (۱) (۳، ۱۰/۷)
۱۱۱۸. شکع (الشَّكْعَاعِي): (۳۰) (۴، ۳/۱۲۳۸)
۱۱۱۹. شکع (شَكْع): (۱۴) (۹، ۹/۲۸۹)
۱۱۲۰. شکوفه (شَكْف): (۳۷) (۹، ۹/۵۲۵)
۱۱۲۱. شلغم (الشَّلَجَم): (۳۰) (۱۰، ۱۰/۱۰۲)
۱۱۲۲. شلغم (سلجم): (۳۰) (۷، ۷/۴۴)
۱۱۲۳. شلم (الشَّلَم): (۵۶) (۱۰، ۱۰/۱۰۲)
۱۰۷۹. شاه پیاده (شَهْبَذَق): (۱۹) (۹، ۴/۵۴۰)
۱۰۸۰. شاهبازک (الشَّافَاج): (۳۰) (۹، ۶/۶۴)
۱۰۸۱. شاهبید (صفصف): (۳۲) (۱، ۱/۸۹)
۱۰۸۲. شاهپور (سَابُور): (۵۵) (۷، ۷/۳۸۶)
۱۰۸۳. شاهتره (الشَّاهْتَرَج): (۳۰) (۱۰، ۱۰/۱۰۳)
۱۰۸۴. شاهدانه (الشَّهْدَانَج): (۳۰) (۷، ۷/۴۵)
۱۰۸۵. شاهراء (الشَّهْرَة): (۱۶) (۱۰، ۱۰/۱۰۴)
۱۰۸۶. شاهسفرم (الشَّاهْسِبَرْمَ وَالشَّاهْسِفَرَم): (۳۰) (۱، ۱/۴۲)
۱۰۸۷. شاهکار (الشَّاهْكَار): (۵۳) (۱۰، ۱۰/۱۰۵)
۱۰۸۸. شاهین (الشَّاهِين): (۳۴) (۷، ۷/۴۱۲)
۱۰۸۹. شاهین (بشیدق): (۳۴) (۳، ۸/۲۴۸)
۱۰۹۰. شبا (شَبَا): (۱۴) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۰۹۱. شبات (الشَّبَاتَة): (۳۱) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۰۹۲. شبارق (الشَّبَارَق): (۶) (۲، ۲/۱۲۰)
۱۰۹۳. شبدغ (الشَّبَدَعَ): (۳۱) (۱۰، ۱۰/۹۷)
۱۰۹۴. شبدیز (الشَّبَدَازَ): (۳۱) (۱۰، ۱۰/۹۷)
۱۰۹۵. شبذر (الشَّبَدَارَة): (۱) (۱۰، ۱۰/۹۷)
۱۰۹۶. شبرق (الشَّبَرَق): (۲) (۱۰، ۱۰/۱۷۱)
۱۰۹۷. شبیرم (الشَّبِيرَم): (۳۲) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۰۹۸. شبزد (الشَّبَرَذَ): (۳۰) (۵، ۵/۱۴۳)
۱۰۹۹. شبزده (شَبَزَق): (۱) (۹، ۹/۴۸۹)
۱۱۰۰. شبشب (الشَّوَبَب): (۳۱) (۱۰، ۱۰/۱۰۵)
۱۱۰۱. شبکور (شَبَكَه): (۴۴) (۹، ۹/۱۳۱)
۱۱۰۲. شبنم (الشَّبَم): (۳۳) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۱۰۳. شبه (الشَّبَه): (۳۳) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۱۰۴. شبی (الشَّبِيَح): (۲) (۳، ۱۰/۳۶۸)
۱۱۰۵. شجم (الشَّجَم): (۵۶) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۱۰۶. شخرب (الشَّخَرَب): (۵۶) (۱۰، ۱۰/۹۸)
۱۱۰۷. شخص (الشَّخْص): (۱) (۱۰، ۱۰/۹۸)

-
۱۱۵۱. شوکران (الشیکران): (۳۰، ۱۰) (۱۰۲، ۱۰)
۱۱۵۲. شولم (الشالم والشولم والشلیم): (۷) (۱۰) (۱۰۲)
۱۱۵۳. شوله (الشولة): (۴۳) (۱۰) (۱۰۵، ۱۰)
۱۱۵۴. شوم اختر (شمختر): (۱) (۷، ۷) (۴۵) (۱۰) (۱۰۲)
۱۱۵۵. شوم راه (الشمراج): (۱۶) (۱۰۲، ۱۰)
۱۱۵۶. شوهر (الصہر): (۵۶) (۱۰۹، ۱۰)
۱۱۵۷. شوی (السبج): (۲) (۴، ۴) (۲۹۴/۲، ۸) (۳۲۱) (۱/۱)
۱۱۵۸. شویلا (الشویل والشویلاء): (۳۰) (۱۰) (۱۰۵) (گیاه)
۱۱۵۹. شبیور (الشبویر): (۴۷) (۷، ۷)
۱۱۶۰. شیدمان (الشیدمان): (۳۱) (۹۹، ۱۰)
۱۱۶۱. شیراز (شیراز): (۶) (۷، ۷) (۱۷۷/۱۵)
۱۱۶۲. شیرازه (الشیرازة): (۴۹) (۴۵، ۷) (۴۹، ۱۰)
۱۱۶۳. شیره (السیرج): (۶) (۸۹، ۱۰)
۱۱۶۴. شیرزآب (الشَّرْبَة): (۴۷) (۱۰، ۱۰)
۱۱۶۵. شیشاء (الصیصاء): (۳۲) (۲، ۲) (۱۲۳۴/۳)
۱۱۶۶. شیص (الشیص): (۶) (۵، ۵) (۸۶۶/۲، ۲)
۱۱۶۷. شیبه (الشهدارة): (۳) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۶۸. صابون (الصابون): (۱۰) (۱۰۶، ۱۰)
۱۱۶۹. صاروج - جاروف (صاروج): (۳۳) (۲)
۱۱۷۰. صاع (صوع): (۲۰) (۲۱۴/۸، ۸)
۱۱۷۱. صبار (الصبار): (۶) (۱۰۶، ۱۰)
۱۱۷۲. صحتا (صحن): (۴) (۳، ۳) (۱۴۶/۴)
۱۱۷۳. صد (صد): (۴۶) (۴۶، ۹) (۲۷۰/۸، ۹)
۱۱۷۴. شلمیز (جیش): (۳۰) (۹، ۹) (۱۱۸/۱۷)
۱۱۷۵. شلوار (سرائل): (۲) (۹، ۹) (۱۹۷/۲۹)
۱۱۷۶. شلوار (سرل): (۸) (۲) (۳۳۴/۱۱)
۱۱۷۷. شلیل (شبته): (۳۶) (۵۶) (۸۷۰/۲، ۲)
۱۱۷۸. شمرکند (شمرکند): (۵۶) (۲۳۸/۱۲، ۹)
۱۱۷۹. شمع (الشمع): (۴) (۱۴۴/۱۰، ۸)
۱۱۸۰. شمعدان (الشمعدان): (۴) (۱۰) (۱۰۲، ۱۰)
۱۱۸۱. شمیدن (شم): (۴۲) (۱۰۲، ۱۰)
۱۱۸۲. شنار (الشناز): (۵۶) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۸۳. شنان (الشنان): (۴) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۸۴. شندر (الشندرا): (۱) (۸/۴) (۴۳۱) (۹، ۹) (۲۴۸/۱۲)
۱۱۸۵. شنتر (الشتر): (۳۰) (۹، ۹) (۱۸۱/۱۵)
۱۱۸۶. شنکار (الشنجار): (۳۵) (۷، ۷) (۴۵، ۴۵) (۱۰۲، ۱۰)
۱۱۸۷. شنگرف (الستجرف): (۳۳) (۹، ۹) (۲۱۹/۱۲)
۱۱۸۸. شهربر (الشهربر): (۱) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۸۹. شهد (الشهد): (۶) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۹۰. شهدر (الشهدر): (۱) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۹۱. شهرک (شهرق): (۵) (۹، ۹) (۵۴۲/۲۵)
۱۱۹۲. شهرمان (الشهرمان): (۳۴) (۱۰، ۱۰) (۱۰۳، ۱۰)
۱۱۹۳. شهنشاه - شوه (شهنشاه): (۴۸) (۴، ۴) (۶، ۶) (۲۲۳۹/۶)
۱۱۹۴. شهی (الشهی): (۲۶) (۱۰، ۱۰) (۱۰۴، ۱۰)
۱۱۹۵. شوبند - روی بند (الشوبند): (۱۴) (۱۰) (۱۰۵)
۱۱۹۶. شوذ (السبت): (۴۱) (۹، ۹) (۸۳، ۱۰) (۲۷۳/۵)
۱۱۹۷. شوذ (شبت - شبت): (۵۶) (۹، ۹) (۵۴۳/۴)
۱۱۹۸. شوربا (الشوربة): (۶) (۱۰، ۱۰) (۱۰۵، ۱۰)
۱۱۹۹. شوستر (تستر): (۵۵) (۷، ۷) (۲۲۵، ۷)
۱۱۱۰. شوکت (الشَّوْكَة): (۴۸) (۱۰، ۱۰) (۱۰۳، ۱۰)

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

- ۱۲۷ ◇ دو فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
- .۱۱۹۷ طبرزل (طبرزل): (۱۷) (۹، ۹) (۳۶۲/۲۹) /۱۱
- .۱۱۹۸ طبرستان (طبرستان): (۵۵) (۷، ۷) (۴۴۸)
- .۱۱۹۹ طبق (طبق): (۹) (۵، ۵) (۲۹۴/۶) (۴، ۴) (۱۵۱۳/۳)
- ۳۴۵ و ۴۶ (۵۷/۲۶) (۹، ۹) (۱۹۲/۱۰) (۸)
- .۱۱۹۶ (۱۱۱) (۱۰، ۱۰) (۳۴۶)
- .۱۲۰۰ طبن (الطبن): (۱۹) (۲، ۲) (۳۶۱/۱) ، (۳۶۱/۱)
- .۱۲۰۱ طبندر (الطبندر): (۱) (۱۱۱) (۱۰، ۱۰)
- .۱۲۰۲ طراز (طراز): (۲۰) (۳) (۱۲۴/۱۳) (۷، ۷) (۴۶)
- .۱۲۰۳ طرخه (مأجل): (۴۵) (۱) (۱۷۹/۶)
- .۱۲۰۴ طرز (الطرز): (۳۰) (۱، ۱) (۳۵۵/۷)
- .۱۲۰۵ طرمدار (الطرمدار): (۷) (۱۱۲، ۱۰)
- .۱۲۰۶ طشت (الطشت): (۹) (۲، ۲) (۳۹۷/۱) ، (۹)
- .۱۲۰۷ طشتخوان (طستخان): (۹) (۸) (۱۲۲) /۶
- .۱۲۰۸ طغاء (الطغاء): (۵۱) (۱۰) (۱۱۳)
- .۱۲۰۹ طفاخه (طفح): (۹) (۸) (۵۳۰/۲)
- .۱۲۱۰ طلغان (الطلغان): (۱) (۱۰) (۱۱۳)
- .۱۲۱۱ طنبور (الطنبور): (۵۴) (۵، ۵) (۲۵۹/۹) /۴
- .۱۲۱۲ طنج (الطنج): (۷) (۱۱۳، ۱۰)
- .۱۲۱۳ طيطوى (الطيطوى): (۳۴) (۱۰، ۱۰) (۱۱۴)
- .۱۲۱۴ طيهو (طيهو): (۳۴) (۷، ۷) (۱۱۴)
- .۱۲۱۵ طبطر (الظبطر والظبطير): (۱) (۱۰، ۱۰) (۱۰۹)
- .۱۲۱۶ عبث (عبث): (۵۶) (۳) (۲۰۰/۲) (۸) (۱۶۶/۲)
- .۱۲۱۷ عبس (عبس): (۳۰) (۲، ۲) (۳۳۸/۱) /۶
- .۱۲۱۸ عتل (العتل): (۴۷) (۳) (۱۶۱/۲) (۵) (۳۳۸/۵)
- .۱۲۱۹ عراق (عرق): (۵۵) (۴، ۴) (۱۵۲۳/۴) (۸)
- .۱۱۷۴ صند (الصند): (۲۵) (۷، ۷) (۴۲۹)
- .۱۱۷۵ صغن (صفن): (۲۳) (۹) (۳۰۷/۳۵)
- .۱۱۷۶ صقر (صقر): (۳۴) (۷، ۷) (۱۰۷) - (۱۰۸)
- .۱۱۷۷ صك (الصك): (۴۹) (۴، ۹) (۱۵۹۶/۴) (۴۶، ۷) (۲۴۳/۲۷)
- .۱۱۷۸ صناجه (الصناجة): (۲۹) (۱۰) (۱۰۸، ۱۰)
- .۱۱۷۹ صنج (চنج): (۵۴) (۲، ۲) (۳۱۱/۲) (۸) (۴۷۹/۱) (۴)
- .۱۱۸۰ صندل (الصندل): (۵۶) (۷، ۷) (۴۳۳)
- .۱۱۸۱ صندوق (الصندوق): (۴) (۱۰) (۱۰۸، ۱۰)
- .۱۱۸۲ صنر - نار (الصناد): (۳۲) (۵، ۵) (۲۹۹/۸) (۴، ۸) (۴۶۸) (۳۵۲/۱۲) ، (۹)
- .۱۱۸۳ صنم (صم): (۵۲) (۹) (۵۲۵/۳۲)
- .۱۱۸۴ صهریج (صهرج): (۵۶) (۴، ۵) (۴۶۵/۴) (۹) (۷۵/۶) (۳۱۲/۲)
- .۱۱۸۵ صور (صور): (۱۰) (۵، ۵) (۳۷۱/۸) (۸) (۴۷۱)
- .۱۱۸۶ صیدلانی (صدل): (۷) (۵، ۵) (۲۸۹/۸) (۷) (۱۰۹، ۱۰) (۳۷۸)
- .۱۱۸۷ ضردخ (الضردخ): (۵۶) (۱۰) (۱۱۰)
- .۱۱۸۸ ضغر (الضغر): (۵۶) (۱۰) (۱۱۰)
- .۱۱۸۹ ضمر (الضمير): (۳۰) (۹، ۹) (۴۰۷/۱۲)
- .۱۱۹۰ ضمواً أيديهم (دست در گردن انداختن): (۳) (۱، ۱) (۳۲/۶)
- .۱۱۹۱ ضوبان (الضوبان): (۵۶) (۹، ۱۰) (۱۰۹)
- .۱۱۹۲ ضيطرى (الضيطر): (۵۰) (۱۰، ۱۰) (۱۱۰)
- .۱۱۹۳ طارم (طارمة): (۵) (۴، ۴) (۱۹۷۳/۵) (۹/۳۳)
- .۱۱۹۴ طاق (الطاقي - الطوق): (۵) (۹، ۹) (۳۰۲/۷) (۸)
- .۱۱۹۵ طباشير (طباشير): (۳۳) (۷، ۷) (۴۶، ۷) (۱۱۱)
- .۱۱۹۶ طبردار (الطبردار): (۸) (۱۰) (۱۱۱، ۱۰) (۲۳۱) /۱۰ (۱۵۱۹/۴) (۷) (۴۵۰)

-
- .١٢٥١. فرار - زرین درخت (فرار): (٣٢) (٢) (١٩٨/١)
- .١٢٥٢. فرفیر (البرفير والفرفير): (٣٥) (٢١، ١٠) (٥٩٤)
- .١٢٥٣. فركند (میافارقین، فركند): (٣٣) (٧، ٧) (٥٩٤)
- .١٢٥٤. فرمان (الفرما): (٤٨) (٩٣، ٧) (١١٩)
- .١٢٥٥. فرن (الفرن): (٤٧) (٧، ٧) (٤٧٤)
- .١٢٥٦. فرنگمشک (فرنجمشک): (٣٠) (٩، ٩) (٣١٦/٢١)
- .١٢٥٧. فره (الفراهة): (٧) (١٠، ١٠) (١١٩)
- .١٢٥٨. فرهمند (الفرهد): (١) (١١٩، ١٠)
- .١٢٥٩. فرييون (الفرييون): (٣٢) (١١٧، ١٠)
- .١٢٦٠. فساطط (الفسطاط): (٥٥) (٧، ٧) (٤٨٤)
- .١٢٦١. فشك (فسكل): (٥٦) (٨، ٨) (٥١٩/١١)
- .١٢٦٢. فلاذه (فلاذه): (٥٦) (٤، ٤) (١٨٠٦/٥)
- .١٢٦٣. فلفل (الفلفل): (٣٨) (٨، ٨) (٤٧، ٧)
- .١٢٦٤. فلوا (فلوا): (١٠) (٩، ٩) (٤٩٢/٣٩)
- .١٢٦٥. فنجان (الفنجان): (٩) (٧، ٧) (٤٧)
- .١٢٦٦. فندق (فندق): (٣٩) (٨، ٨) (٣١٦/٢٦)
- .١٢٦٧. فنديره (الفنديره): (٣٣) (١٠، ١٠) (١٢١)
- .١٢٦٨. فنك (الفنك): (٣١) (٧، ٧) (٤٧ و ٤٨٣)
- .١٢٦٩. فهرست (فهرس): (٤٩) (٧، ٧) (٤٧)
- .١٢٧٠. فو (الفو): (٣٠) (١٠، ١٠) (١٢٢)
- .١٢٧١. فوا - روناس (فوا، المُفوا): (٤١) (٨، ٨) / ١٥
- .١٢٧٢. فواز (فواز): (٥٥) (٥، ٥) (٥١٥/٣٥)
- .١٢٧٣. فول (الفول): (٣٢) (٧، ٧) (٤٨)
- .١٢٧٤. فيروز (فز): (٥٥) (٨، ٨) (٣٩٠ / ٥)
- .١٢٧٥. فيروزان (قیززان): (٥٥) (٥، ٥) (٣٢/٩)
- .١٢٧٦. فيل (فيل): (٣١) (٧، ٧) (٤٨)
- .١٢٧٧. فيهج (الفيهج): (١٢) (٩، ٩) (١٦٧/٦)
- .١٢٧٨. فيل (فیل): (٣١) (٧، ٧) (٤٨)
- .١٢٧٩. فيهج (الفيهج): (١٢) (٩، ٩) (١٦٧/٦)
- .١٢٨٠. عرطبه (العرطبة): (٥٤) (٧، ٧) (٤٥٨)
- .١٢٨١. عرطنث (العرطنث): (١٠) (٩، ٩) (٣٠٠/٥)
- .١٢٨٢. عرعر (العرعر): (٣٢) (١، ١) (٨٦/١)
- .١٢٨٣. عطش (العطش): (٥٦) (١٠، ١٠) (١٣/١٣)
- .١٢٨٤. علق (علق): (٣٠) (٤، ٤) (١٥٢٣/٤)
- .١٢٨٥. عمان (مزون): (٥٥) (٥، ٥) (٦٧/٩)
- .١٢٨٦. عبر (عبر): (٤٠) (٩، ٩) (١٤٩/١٣)
- .١٢٨٧. عقز (العقز): (٤١) (٢، ٢) (١١٥٤/٢)
- .١٢٨٨. عهد (العهد): (٤٨) (٤، ٤) (١٢٣، ١٠)
- .١٢٨٩. غار (الغار): (٣٢) (١٠، ١٠) (١١٦)
- .١٢٩٠. غائك (الغائك): (١) (١٠، ١٠) (١١٦)
- .١٢٩١. غير (الغير): (٤٤) (٤، ٤) (١٩٣/١٣)
- .١٢٩٢. غيراء (الغيراء): (٣٢) (٧، ٧) (٤٦٢)
- .١٢٩٣. غراره (الغرارة): (٨) (٨، ٨) (١١٥، ١٠)
- .١٢٩٤. غرقد (الغرقد): (٣٢) (١٠، ١٠) (١١٦)
- .١٢٩٥. غربنيق (الغربنيق): (١) (١٠، ١٠) (١١٦)
- .١٢٩٦. غروب (عروبة): (٤٣) (٧، ٧) (٤٦٠)
- .١٢٩٧. غضروف (جرندق): (٤٢) (٧، ٧) (٢٣٠)
- .١٢٩٨. عمل (العمل): (٣٠) (٩، ٩) (١٢٥/٣٠)
- .١٢٩٩. غورناس (الغورناس): (٣٠) (٨، ٨) (٤٠٢/١٢)
- .١٢٤٠. غوش (الغوش): (٣٢) (٩، ٩) (١١٦، ١٠)
- .١٢٤١. غوغا (الغوغا): (٥٦) (٩، ٩) (١١٦، ١٠)
- .١٢٤٢. فاثور (الفاثور): (٤) (٤، ٤) (١١٧، ١٠)
- .١٢٤٣. قادره (القادره): (٣٣) (١٠، ١٠) (١١٧)
- .١٢٤٤. فاوانيا (فاوانيا): (٤١) (٩، ٩) (١٢٢، ١٠)
- .١٢٤٥. فتراك (الفتراك): (١٤) (٩، ٩) (١١٧، ١٠)
- .١٢٤٦. فن (الفن): (١٣) (٩، ٩) (١١٧، ١٠)
- .١٢٤٧. فرخ (فرخ): (١) (٩، ٩) (٣١٤/٧)
- .١٢٤٨. فرزين (فرزنه): (٥٦) (٧، ٧) (٣٤٤، ١٠) (١١٨)
- .١٢٤٩. فرس (الفرس): (٤) (٤، ٤) (٩٥٨/٣)
- .١٢٥٠. فرسخ (فرسخ): (٢٠) (٨، ٨) (٣١٧/٧)

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

- ۱۲۹
- ❖ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
۱۳۰۴. قلتة (القللة): (۳۱) (۱۰) (۱۲۷، ۱۰) (۸)
۱۳۰۵. قلح (القره): (۴۴) (۱۰) (۱۲۵، ۱۰) (۸)
۱۳۰۶. قطریر (المطریر): (۴۳) (۱۰) (۱۲۸، ۱۰) (۸)
۱۳۰۷. قثار (الفثار): (۸) (۷) (۵۱۵) (۱۰) (۱۳۰، ۱۰) (۸)
۱۳۰۸. قند (القند): (۱۷) (۲) (۶۷۷/۲، ۲) (۱۰) (۱۲۹، ۷) (۸)
۱۳۰۹. قندل (القندل والقندل والقندولیل): (۱) (۱۰) (۱۳۰، ۱۰) (۸)
۱۳۱۰. قنس (النفس): (۳۸) (۹) (۴۰/۱۶، ۹) (۸)
۱۳۱۱. قنه - بارزد (القنة): (۴۱) (۴) (۲۱۸۴/۶، ۴) (۸)
۱۳۱۲. قهرمان (قهرم): (۱) (۹) (۳۲۲/۳۳، ۵) (۸)
۱۳۱۳. قوهی (قوهی): (۲) (۵) (۳۹۳/۴، ۴) (۸)
۱۳۱۴. قیر (القیر): (۵۶) (۸) (۱۲۴/۵، ۸) (۸)
۱۳۱۵. کاسه (الکاس): (۴) (۱۰) (۱۳۱، ۱۰) (۸)
۱۳۱۶. کبابه (الکبابه): (۴۱) (۱۰) (۱۳۱، ۱۰) (۸)
۱۳۱۷. کرزن (الکرزن): (۸) (۱۰) (۱۳۳، ۱۰) (۸)
۱۳۱۸. کرشف (الکرسف): (۱۵) (۱۰) (۱۳۳، ۱۰) - (۱۳۴) (۸)
۱۳۱۹. کمان (الخمان): (۴۷) (۱۰) (۵۷، ۱۰) (۸)
۱۳۲۰. کهزانه (قهز): (۲) (۸) (۳۹۸/۵، ۹) (۸)
۱۳۲۱. کوب (الکوبه): (۹) (۷) (۵۵۹، ۷) (۸)
۱۳۲۲. کوچاه (الجوجة): (۵) (۱۰) (۴۷) (۸)
۱۳۲۳. کوشیدن (کاش بکوش): (۵۶) (۱۰) (۱۴۰، ۱۰) (۸)
۱۳۲۴. کابل (کابل): (۵۵) (۷) (۵۵۶، ۷) (۸)
۱۳۲۵. کاخ (کوخ والکاخ): (۵) (۹) (۳۳۱/۷، ۹) (۸)
۱۳۲۶. کارکاه (الکارکاه): (۸) (۱۰) (۱۳۵، ۱۰) (۸)
۱۳۲۷. کاروان (قیروان): (۵۶) (۲) (۱۲۳۵/۳، ۴) (۸)
۱۳۲۸. کاریز (السوهقة): (۴۵) (۱۰) (۹۶، ۱۰) (۸)
۱۳۲۹. کاسه (القصعة): (۴) (۷) (۵۲۴، ۷) (۸)
۱۳۳۰. کاشانه (الکاشانه والکاشانه): (۵) (۱۰) (۱۳۶) (۸)
۱۲۷۸. قاروره (قواریر): (۹) (۵) (۱۰۸/۵، ۵) (۸)
۱۲۷۹. قالب (القالب): (۵۶) (۱۰) (۱۲۷، ۱۰) (۸)
۱۲۸۰. قبا (القباء): (۲) (۷) (۵۰۳، ۷) (۸)
۱۲۸۱. قباد (قباذ): (۵۵) (۷) (۵۰۸، ۷) (۸)
۱۲۸۲. قبان (القبان): (۲۰) (۳) (۱۵۵/۹، ۳) (۸) (۱۳/۳۶۴) (۸)
۱۲۸۳. قردد (القردد): (۳۳) (۱۰) (۱۲۴، ۱۰) (۸)
۱۲۸۴. قرده (القردسه): (۵۶) (۱۰) (۱۲۴، ۱۰) (۸)
۱۲۸۵. قردمانی (قردم): (۲) (۲) (۳۹۶/۱، ۴) (۸)
۱۲۸۶. قردد (القردد): (۳۳) (۱۰) (۱۲۴، ۱۰) (۸)
۱۲۸۷. قرصد (القرصد): (۵۶) (۹) (۳۱/۹، ۹) (۸) (۳/۳۵۲) (۸)
۱۲۸۸. قرط (القرط): (۳۰) (۹) (۱۱/۲۰، ۹) (۸)
۱۲۸۹. قرطاط (القرطاط): (۱۵) (۱۰) (۱۲۴، ۱۰) (۸)
۱۲۹۰. قرطل (قرطل): (۳۴) (۹) (۲۴۵/۳۰، ۹) (۸)
۱۲۹۱. قرقس (الجرجس): (۸) (۱۰) (۳۹، ۱۰) (۸)
۱۲۹۲. قرقی (الكركي): (۳۴) (۱۰) (۱۳۴، ۱۰) (۸)
۱۲۹۳. قرمز (القرمز): (۳۵) (۲) (۱۱۲۵/۲، ۲) (۸) (۶/۱۱۹، ۹) (۸) (۵/۳۹۴، ۸) (۸) (۶/۲۷۹، ۹) (۸)
۱۲۹۴. قر (هرق): (۲) (۵) (۱۱۸/۴، ۵) (۸)
۱۲۹۵. قواگند (القرakanد): (۲) (۱۰) (۱۲۵، ۱۰) (۸)
۱۲۹۶. قسور (الفسور): (۴۸) (۱۰) (۱۲۶، ۱۰) (۸)
۱۲۹۷. قشیان (القشبانية): (۷) (۱۰) (۱۲۶، ۱۰) (۸)
۱۲۹۸. قطاب (القباط والقطب): (۱۷) (۱۰) (۱۲۳، ۱۰) (۸)
۱۲۹۹. قطف (قطف): (۳۰) (۹) (۲۶۹/۲۴، ۹) (۸) (۴/۲۸۵، ۹) (۸) (۴/۱۴۱۷، ۹) (۸)
۱۳۰۰. قفان (القفان): (۱) (۹) (۱۷/۳۶، ۹) (۸)
۱۳۰۱. قفص (النفس): (۴) (۷) (۵۲۵، ۷) (۸) و (۴۸)
۱۳۰۲. قفندر (القفندر): (۱) (۱۰) (۱۲۷، ۱۰) (۸)
۱۳۰۳. ققب - آزاد درخت (ققب): (۳۲) (۴) (۱/۲۰۴، ۹) (۸) (۱/۶۸، ۹) (۸)

-
- . ۱۳۵۶. کُرد (کرد): (۲۵) (۳۷۹ / ۳ آ) (۳۷۹ / ۳ آ)
 . ۱۳۵۷. کردار (الکردار): (۵۶) (۱۰) (۱۲۳، ۱۰)
 . ۱۳۵۸. کردار (کردار): (۵۲) (۴۸) (۳۴ / ۱۴، ۹)
 . ۱۳۵۹. کردماند (قرمد): (۴۷) (۳۰۵ / ۹، ۳) (۱۲ آ) (۳۰۵ / ۹، ۳)
 . ۱۳۶۰. کرزن (الکرزن): (۴۸) (۱۰) (۱۲۳، ۱۰)
 . ۱۳۶۱. کرکم (الکرکم): (۴۱) (۸ آ) (۵۱۷ / ۱۲ آ)
 . ۱۳۶۲. کرگدن (کرگدن): (۳۱) (۷ آ) (۴۹) (۱۰)
 . ۱۳۶۳. کرمان (کرمان): (۵۵) (۷ آ)
 . ۱۳۶۴. کره - باز (الکرَّر): (۳۴) (۲، ۲) (۷۰۹ / ۲، ۳)
 . ۱۳۶۵. کسب - کنجاره (الکنجارَق): (۴۱) (۴ آ)
 . ۱۳۶۶. کسبند (القسبند): (۲) (۱۲۵، ۱۰)
 . ۱۳۶۷. کستی (الکستیج): (۲) (۴، ۷) (۳۳۷ / ۱ آ)
 . ۱۳۶۸. کستی (کستیج): (۴) (۴۹، ۷)
 . ۱۳۶۹. کسیر (القسیر): (۵۶) (۱۲۵، ۱۰)
 . ۱۳۷۰. کشخان (الکشخَة): (۱) (۷ آ) (۵۳۸)
 . ۱۳۷۱. کشک (الکشک): (۶) (۹ آ) (۳۱۴ / ۲۷)
 . ۱۳۷۲. کشکول (الکشکول): (۵۲) (۱۰، ۱۰) -۱۳۵
 . ۱۳۷۳. کشمش (کشمش): (۳۹) (۵۵۸، ۷) (۴۹، ۷)
 . ۱۳۷۴. کفدان (القدان): (۴) (۴، ۴) (۵۲۷ / ۲ آ)
 . ۱۳۷۵. کفر (کفر): (۵۲) (۸ آ) (۱۴۴ / ۵ آ)
 . ۱۳۷۶. کفر (کفر): (۵۶) (۱۱۵ / ۱۰ آ، ۳)
- . ۱۳۳۱. کاغذ (الکاغَد): (۴۹) (۵، ۹) (۳۵۹ / ۵)
 . ۱۳۳۲. کافور (الكافور): (۴۹) (۷ آ) (۱۳۶، ۱۰)
 . ۱۳۳۳. کال (الکال): (۴۷) (۱۰) (۱۴۱، ۱۰)
 . ۱۳۳۴. کامه - آبکامه (الکمَخ): (۶) (۷ آ) (۳۳۰ / ۷ آ)
 . ۱۳۳۵. کاواک (القاووق): (۲) (۱۰، ۱۰) (۱۳۱)
 . ۱۳۳۶. کاؤوس (القابوس): (۵۵) (۲، ۷ آ) (۱۳۲۶ / ۳)
 . ۱۳۳۷. کبیر (الکبَر): (۳۲) (۸ آ) (۱۲۵ / ۵ آ)
 . ۱۳۳۸. کبیر (کبیر): (۵۶) (۴، ۸ آ) (۸۰۲ / ۲ آ)
 . ۱۳۳۹. کبک (قیچ): (۴) (۵، ۶ آ) (۱۵۱ / ۶)
 . ۱۳۴۰. کبک (تعیط): (۳۴) (۲، ۲) (۱۲۷۲ / ۳ آ)
 . ۱۳۴۱. کبه (القبَّة): (۸) (۱۰) (۱۲۳، ۱۰)
 . ۱۳۴۲. کبودر (الکبوقل): (۴۰) (۱۰) (۱۳۲، ۱۰)
 . ۱۳۴۳. کبیکج (الکبیکج): (۳۰) (۱۰) (۱۳۲، ۱۰)
 . ۱۳۴۴. کتم (الکتم): (۱۰) (۱۰) (۱۳۲، ۱۰)
 . ۱۳۴۵. کتیرا (الکتیراء): (۱۰) (۱۰) (۱۳۲، ۱۰)
 . ۱۳۴۶. کداد (الجداد): (۵۶) (۴، ۲) (۴۵۳) (۹ آ)
 . ۱۳۴۷. کده (کذج): (۵) (۷ آ) (۴۹، ۷)
 . ۱۳۴۸. کدینه (کذینق): (۸) (۷ آ) (۵۵۷، ۷)
 . ۱۳۴۹. کراز (الکراز): (۹) (۱۰) (۱۳۳، ۱۰)
 . ۱۳۵۰. کراوی (الکروایا): (۳۰) (۱۰) (۱۳۵، ۱۰)
 . ۱۳۵۱. کریاس (الکریاس): (۲) (۱، ۱) (۴۲۷ / ۵ آ)
 . ۱۳۵۲. کرت (القرط): (۳۰) (۱۰) (۹۷۰ / ۳ آ)
 . ۱۳۵۳. کرت (دبر - الدِّبَرَة): (۴۵) (۶) (۶۵۳ / ۲ آ)
 . ۱۳۵۴. کرته (القرطق): (۲) (۱۰) (۱۲۴، ۱۰)
 . ۱۳۵۵. کرج (الکُرْج): (۱۹) (۱، ۱) (۲۶۴ / ۴ آ)

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۳۱ ◇ دو فصلنامه مطالعات نظریه‌ی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۴۰۰. کنار (کتر): (۲) (۱، ۹) (۳۵۴/۵) (۶۹/۱۴) (۸) (۱۵۲/۵)
۱۴۰۱. کبیوش (الکبیوش): (۱۴) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۰۲. کنجاله (الکنجارق): (۳۰) (۵۴۴) (۷)
۱۴۰۳. کند (الکند): (۱۳) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۰۴. کنداکر (الکنداکر): (۱) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۰۵. کندجه (الکندجه): (۸) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۰۶. کندو (الکندو): (۴) (۴۹، ۷) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۰۷. کندواز (الخندید): (۱) (۱۰) (۵۸، ۱۰)
۱۴۰۸. کنگر (حرشف): (۳۰) (۵، ۷) (۱۳۴۳/۴)
۱۴۰۹. کنور (القتوّر): (۱) (۱۰) (۱۳۰، ۱۰)
۱۴۱۰. کهبل (الجهبَل): (۱) (۱۰)
۱۴۱۱. کهبل (الکهبل): (۱) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۱۲. کهتر (الجیتر): (۱) (۱۰) (۴۹، ۱۰)
۱۴۱۳. کهدب (الکهدب): (۱) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)
۱۴۱۴. کهرباء (الکهرباء): (۱) (۹، ۷) (۱۸۴/۴)
۱۴۱۵. کهرباء (الکهرباء): (۴۱) (۹، ۷) (۱۳۹، ۱۰)
۱۴۱۶. کهرمان (قهْرمان): (۱) (۹۷، ۷)
۱۴۱۷. کهکوب (القَهْقَب): (۳۱) (۱۰، ۱۰) (۱۳۰، ۱۰)
۱۴۱۸. کوتاه - کوته (الکوتاه - الكوتی): (۱۳) (۹)
۱۴۱۹. کوچک (قوش): (۱۳) (۲، ۷) (۴۸، ۷) (۸۷۶/۲)
۱۴۲۰. کوچک (قوش): (۱۰) (۱۷/۳) (۳۳۸/۶، ۸) (۴) (۳۴۳/۱۷، ۹)
۱۴۲۱. کوچه (کوشہ): (۵) (۷) (۵۳۳، ۷) (۱۳۰، ۱۰)
۱۴۲۲. کوخ (خرد): (۵) (۸) (۱۴۴/۳، ۸)
۱۴۲۳. کود (الکود): (۲۸) (۱۰) (۱۳۹، ۱۰) (کود)
۱۴۲۴. کور (کوئر): (۲۱) (۵) (۱۳۷/۷، ۵) (۱۵۴/۵، ۱۰)
۱۴۲۵. کوره (الکوره): (۵۵) (۷) (۵۴۶، ۷) (۸۰/۱۴، ۹)
۱۴۲۶. کورواش (سبط): (۳۰) (۱۰) (۲۱۸/۷، ۱)
۱۴۲۷. کوزبیو (جوزبیو): (۱۰) (۱۰) (۴۸، ۱۰)
۱۴۲۸. کوزگندم (جوزجندم): (۳۰) (۱۰) (۴۸، ۱۰)
۱۳۷۷. کفری (البُخْرَى): (۴) (۴) (۴۲، ۱۰)
۱۳۷۸. کفش (قفش): (۲) (۳) (۲۶۲/۸، ۹) (۳۳۸/۱۷، ۹)
۱۳۷۹. کفسنگر (الإِسْكَاف): (۷) (۲) (۱۱۳۷/۲، ۴) (۴۹، ۷) (۵۱۴، ۷) (۳۳۷/۶، ۸)
۱۳۸۰. کفگیر (کفکیر): (۹) (۹) (۵۷۸/۶، ۹)
۱۳۸۱. کفیز (القَفْيَز): (۲۰) (۷) (۵۲۷، ۷)
۱۳۸۲. کلاه (القلنسوّة): (۲) (۲) (۱۲۸، ۱۰)
۱۳۸۳. کلبان (الكلبتان): (۸) (۱۰) (۱۳۷، ۱۰)
۱۳۸۴. کلبه (قربیج - جلفن): (۵) (۴) (۱۶۹/۶، ۹)
۱۳۸۵. کلک (الكلک): (۱۸) (۱۰) (۱۳۷، ۱۰)
۱۳۸۶. کله (القلْلَة): (۵۶) (۱۰) (۲۷، ۱۰)
۱۳۸۷. کلدبان (القلهبان): (۱) (۱۰) (۱۲۸، ۱۰)
۱۳۸۸. کلهی (القللی): (۲) (۷) (۵۲۷، ۷)
۱۳۸۹. کلید (الإقليمي): (۴) (۲) (۱۷۵/۲، ۷) (۱۱۶) (۵۷۹)
۱۳۹۰. کم (القَم): (۱۳) (۱۰) (۱۲۸، ۱۰)
۱۳۹۱. کمانچه (الكمانچَة): (۵۴) (۱۰) (۱۳۷، ۱۰)
۱۳۹۲. کمانگر (القمجاو): (۷) (۵) (۶۰۱/۶، ۵)
۱۳۹۳. کمتر (الكمتر): (۱۳) (۱۰) (۹، ۹) (۳۷/۱۴)
۱۳۹۴. کمچه - کفگیر (قفشل): (۹) (۴) (۱۸۰۳/۵، ۵)
۱۳۹۵. کمحد (القمهد): (۱) (۱۰) (۱۲۸، ۱۰)
۱۳۹۶. کمر (الكمَر): (۵) (۹، ۹) (۶۷/۱۴، ۹)
۱۳۹۷. کمل (الكمُلول): (۳۰) (۸) (۵۶۳/۱۱، ۹) (۲۷۰/۳۰، ۹)
۱۳۹۸. کمیت (الكمیت): (۳۵) (۷، ۷) (۵۵۸) (۱۰)
۱۳۹۹. کنادر (الكتنادر): (۱) (۱۰) (۱۳۸، ۱۰)

-
- | | |
|--|---|
| <p>.۱۴۵۲ گرانبال (الجرعیل): (۱) (۴۰، ۱۰)</p> <p>.۱۴۵۳ گرانپشت (الجرنفس): (۱) (۴۰، ۱۰)</p> <p>.۱۴۵۴ گردادب (الجرداب): (۱۸) (۲۲۳، ۷)</p> <p>.۱۴۵۵ گردن (القرد): (۴۲) (۳۴۸ / ۳، ۷) (۴۸، ۷)</p> <p>.۱۴۵۶ گردن (الکردد): (۴۲) (۱۰۲/۹، ۹) (۶۳۸/۲، ۲)</p> <p>.۱۴۵۷ گرده (جردق): (۶) (۱۱۳۶/۲، ۲)</p> <p>.۱۴۵۸ گرده بان (جردب): (۷) (۳۸، ۷) (۹۹/۱، ۴)</p> <p>.۱۴۵۹ گردو (جوز): (۳۹) (۱۰۴۱/۲، ۲)</p> <p>.۱۴۶۰ گرزه (جرذ): (۳۱) (۴۸۰ / ۳، ۸)</p> <p>.۱۴۶۱ گرسنه (الکشنی): (۱) (۱۳۶، ۱۰)</p> <p>.۱۴۶۲ گرگان (الکرک): (۵۵) (۵۴۹، ۷)</p> <p>.۱۴۶۳ گرم (الجرم): (۵۶) (۳۹۲/۳۱، ۹)</p> <p>.۱۴۶۴ گروهه (جلاهق): (۱۹) (۱۱۴۰/۲، ۲)</p> <p>.۱۴۶۵ گربیان (جزبان): (۲) (۲۶۶/۱، ۲)</p> <p>.۱۴۶۶ گزاف (جزاف): (۵۶) (۸۴/۲۳، ۹)</p> <p>.۱۴۶۷ گزر (جزر): (۶) (۳۸، ۷)</p> <p>.۱۴۶۸ گشینز (القشینز): (۳۰) (۱۲۶، ۱۰)</p> <p>.۱۴۶۹ گل (جل): (۳۷) (۲۰۷/۷، ۴)</p> <p>.۱۴۷۰ گل انگین (الجلنجین): (۱۲) (۳۹، ۷)</p> <p>.۱۴۷۱ گل نسرین (الجلنسرين): (۳۷) (۲۴۳/۷، ۱)</p> <p>.۱۴۷۲ گلاب (جلاب): (۱۰) (۱۷۷/۲، ۹)</p> <p>.۱۴۷۳ گلبانگ (الجلبقة): (۴۷) (۴۲، ۱۰)</p> | <p>.۱۴۲۸ کوزن (اجل): (۳۱) (۴، ۴) (۱۶۲۱/۴، ۸) (۷۹/۱، ۸)</p> <p>.۱۴۲۹ کوزه (جوزق): (۹) (۴۸، ۱۰) (۳۹، ۷)</p> <p>.۱۴۳۰ کوزه (کسیج - کسیس): (۹) (۴۴۴/۱۶، ۹)</p> <p>.۱۴۳۱ کوزه (کوز): (۹) (۴۰۲ / ۵، ۸) (۴۰۸/۱۵، ۹)</p> <p>.۱۴۳۲ کوس (الکوس): (۴۷) (۱، ۱) (۳۵۲/۵، ۱۰)</p> <p>.۱۴۳۳ کوس (الکوس): (۴۷) (۳۵۲/۵، ۱۰) (۱۷۱/۱۰، ۷)</p> <p>.۱۴۳۴ کوسه (کوسچ): (۱) (۱۱۷۸/۲، ۲)</p> <p>.۱۴۳۵ کوشک (جسق): (۵) (۳۵ / ۳، ۷)</p> <p>.۱۴۳۶ کوفل (القلف): (۴) (۵۲۹، ۷)</p> <p>.۱۴۳۷ کون خر (القنجور): (۱) (۱۲۸، ۱۰)</p> <p>.۱۴۳۸ کوهپاره (الجهیر): (۳۱) (۴۶، ۱۰)</p> <p>.۱۴۳۹ کوهی (القوهی و القوهیہ): (۵۶) (۵۰۷، ۷)</p> <p>.۱۴۴۰ کیا (الکیا): (۵۷) (۱۴۱، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۱ کیخان (الکیخم): (۴۸) (۱۴۱، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۲ کیسه (التیک): (۴) (۳۷، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۳ کیش (کش): (۳) (۱۳۵، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۴ کیک (الکعک): (۱۷) (۱۷) (۳۱۴/۲۷، ۹)</p> <p>.۱۴۴۵ کیل (الکلیجة): (۲۰) (۱۴۱، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۶ کیمیا (الکیمیاء): (۴۱) (۲، ۲) (۱۰۸۴/۲، ۷)</p> <p>.۱۴۴۷ کیوان (کیوان): (۴۳) (۱۴۰، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۸ گاورس (الجاورس): (۴۸) (۱۰، ۱۰)</p> <p>.۱۴۴۹ گاویش (الجاموس): (۳۱) (۵۱۳/۱۵، ۹)</p> <p>.۱۴۵۰ گچ (الجص): (۳۳) (۴۰۵/۱۷، ۹)</p> <p>.۱۴۵۱ گدا (کدی): (۷) (۱۳۲، ۱۰)</p> |
|--|---|

بررسی نوع و امواژهای معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۳۳ ◇ دو فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پیزی و زمستان ۱۳۹۷

- .۱۴۹۷ لخم (اللخْم): (۴۰) (۲) (۶۲۰/۱) .
.۱۴۹۸ لذن (اللذَن): (۴۱) (۸) (۳۸۵/۱۳) .
.۱۴۹۹ لشکر (عسْكُر): (۴۷) (۲) (۱۳۲۶/۳) .
.۱۵۰۰ لعل (اللعل): (۱۱) (۱۰) (۱۴۲/۱) .
.۱۵۰۱ لقن (لَقْن): (۴) (۱) (۱۶۲/۵) .
.۱۵۰۲ لگام (البَجَام): (۱۴) (۴) (۲۰۲۷/۵) .
.۱۵۰۳ لعق (اليلْمِق): (۲) (۸) (۳۳۲/۱۰) .
.۱۵۰۴ لنگر (الأَنْجَر): (۱۸) (۹) (۱۸۱/۱۴) .
.۱۵۰۵ لوب (لَوْب): (۱۰) (۸) (۷۴۵/۱) .
.۱۵۰۶ لوبيا (اللَّوْبِيَا): (۶) (۱۰) (۱۴۲/۱) .
.۱۵۰۷ لوز (اللَّوْز): (۷) (۳۹) (۵۶۴/۱) .
.۱۵۰۸ لوزینج (اللَّوْزِينِج): (۷) (۷) (۴۹) .
.۱۵۰۹ لوزینه (الجُوزِينِق): (۷) (۷) (۲۳۹/۱) .
.۱۵۱۰ لولک (اللُّور): (۶) (۱۰) (۱۴۲/۱) .
.۱۵۱۱ لوله (اللُّولَب): (۴) (۱۰) (۲۳۸/۱) .
.۱۵۱۲ لیا (لِيَا - لَلِي): (۱۰) (۸) (۳۹۸-۳۹۵/۱) .
.۱۵۱۳ لیمو (اللَّيْمُون): (۶) (۱۰) (۳۶۰/۱) .
.۱۵۱۴ ماد (الماء): (۲۵) (۷) (۵۹۲/۱) .
.۱۵۱۵ ماست (الماست): (۶) (۱۰) (۱۴۶/۱) .
.۱۵۱۶ ماش (المح - الماش): (۶) (۴) (۳۴۰/۱) .
.۱۵۱۷ ماش ماهی (سماهیج): (۴۰) (۹) (۴۸/۶) .
.۱۵۱۸ ماله (مالح - مسجه): (۸) (۲) (۸۹/۱) .
.۱۵۱۹ موبد (الموْبِد): (۵۲) (۱۰) (۱۴۸/۱) .
.۱۵۲۰ مانده (الموانيد): (۵۶) (۷) (۵۹۸/۱) .
.۱۵۲۱ مانده (مانيد): (۵۰) (۷) (۱۴۷/۱) .
.۱۵۲۲ ماه (ماه): (۴۳) (۹) (۵۱۱/۳۶) .
- .۱۴۷۴ گلخن حمام - دمگاه (الدَّامُوق): (۸) (۲) (۶۶/۱۰) (۳۰۸/۷) (۳۲۷/۶) .
.۱۴۷۵ گلستان (جلستان): (۵) (۴) (۱) (۵۴/۶) .
.۱۴۷۶ گلگون (الكَلْكُون): (۳۵) (۱۰) (۱۳۷/۱۰) .
.۱۴۷۷ گلنار (جلنار): (۴۵۶/۱۰) (۹) (۳۷) (۴۵۶/۱۰) .
.۱۴۷۸ گناه (الجَنَاح): (۵۲) (۱۰) (۴۵) .
.۱۴۷۹ گند (الجَنْد): (۵) (۹) (۳۸۱-۳۹۱/۹) .
.۱۴۸۰ گنج (الكَنْز): (۱۱) (۷) (۵۶۰/۷) .
.۱۴۸۱ گندهپیر (قندفر): (۱) (۹) (۴۸۰/۱۳) .
.۱۴۸۲ گندهفیل (قندفل): (۵۶) (۹) (۴) (۲۹۰/۳۰) .
.۱۴۸۳ گواله (جوالق): (۸) (۷) (۲۵۱/۷) .
.۱۴۸۴ گود آب (القوَأْب): (۹) (۱۰) (۱۲۳/۰) .
.۱۴۸۵ گوذر (الجَوَذِر): (۳۱) (۷) (۲۴۶/۷) .
.۱۴۸۶ گور (الجَوْرَة): (۵۲) (۱۰) (۴۸/۱۰) .
.۱۴۸۷ گوفند (كوسيند): (۳۱) (۱۰) (۱۲۵/۱) .
.۱۴۸۸ گوش (الكَوْش): (۴۲) (۷) (۴۹/۷) .
.۱۴۸۹ گون (جون): (۳۵) (۱۰) (۴۹/۷) .
.۱۴۹۰ گوهر (جوهر - جهر): (۱۱) (۲) (۴۶۸/۱) .
.۱۴۹۱ گیج (الكتاج): (۴۴) (۱۰) (۱۳۱/۰) .
.۱۴۹۲ گیسو (الجَسَا - الجِيسُون): (۴۲) (۹) (۱۴۰/۱۵) .
.۱۴۹۳ لاد (اللَّادَة): (۲) (۱۰) (۱۴۲/۱) .
.۱۴۹۴ لازورد (اللَّازُورِد): (۳۵) (۱۰) (۱۴۱/۱۰) .
.۱۴۹۵ لال (لول): (۴۴) (۷) (۳۷۴/۳۰) .
.۱۴۹۶ لحاف (دواج): (۲) (۷) (۴۲ و ۳۰۶) (۱۰) (۶۸)

-
- | | |
|--|--|
| <p>.^{۱۵۴۷} مشته (المسائق) - مشق: (۲) (۳، ۳) (۳۰۴/۸)</p> <p>.^{۱۵۴۸} مشك (المسك): (۱۰) (۳۹۲/۲۶، ۹)</p> <p>.^{۱۵۴۹} مشكدان (شكدن): (۱۰) (۲۸۵/۳۵، ۹)</p> <p>.^{۱۵۵۰} مشكدان (مشكدان): (۴) (۹، ۹)</p> <p>.^{۱۵۵۱} مضض (مضض): (۳) (۱، ۱) (۱۸۷/۸)</p> <p>.^{۱۵۵۲} مظلة (المظلة): (۴) (۴۱۵/۲۹، ۹)</p> <p>.^{۱۵۵۳} مغد (المغد): (۳۰) (۶۷۱/۲، ۲)</p> <p>.^{۱۵۵۴} مقراض (قرض): (۴) (۲۱۶/۷، ۸)</p> <p>.^{۱۵۵۵} ملاب (الملاب): (۱۰) (۲، ۲) (۱۰۲۸/۲)</p> <p>.^{۱۵۵۶} منجنيق (منجق - جنق): (۴۷) (۳۳۸/۱۰، ۸)</p> <p>.^{۱۵۵۷} مه رخان (مهرغان): (۵۶) (۹، ۷) (۲۱/۲۷)</p> <p>.^{۱۵۵۸} مها (المها): (۳۳) (۱۰، ۱۰) (۱۴۸)</p> <p>.^{۱۵۵۹} مهتر (المهثار والمهتر): (۷) (۱۰، ۱۰) (۱۴۷)</p> <p>.^{۱۵۶۰} مهر (المهر): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۴۷)</p> <p>.^{۱۵۶۱} مهر (المهر): (۸) (۱۰، ۱۰) (۱۴۷)</p> <p>.^{۱۵۶۲} مهر (مهرق): (۴۹) (۷، ۷) (۵۶۹)</p> <p>.^{۱۵۶۳} مُهردار (المُهردار): (۷) (۱۰، ۱۰) (۱۴۷)</p> <p>.^{۱۵۶۴} مهر كرد (مهرق): وقيل: هو ثوب حرير أبيض يسكن الصمع ويصلق، ثم يكتب فيه وهو بالفارسية مهر كرد. (۵، ۴/۱۲۱)</p> <p>.^{۱۵۶۵} مهرگان (مهرجان): (۲۲) (۱۰، ۱۰) (۱۴۷)</p> <p>.^{۱۵۶۶} مهره (المهرة): (۱۱) (۱۰، ۱۰) (۱۴۸)</p> <p>.^{۱۵۶۷} مهحصل (المهحصل): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۴۸)</p> <p>.^{۱۵۶۸} مهندس (المهندس): (۷) (۱، ۱) (۱۲۰/۴)</p> <p>.^{۱۵۶۹} موبد (الموبد): (۵۲) (۱۰، ۱۰) (۱۴۸)</p> | <p>.^{۱۵۲۳} ماه گون (الماجشون): (۳۵) (۱۰، ۱۰) (۱۴۳)</p> <p>.^{۱۵۲۴} متر (مطمر): (۸) (۳، ۳) (۲۳۳/۱۳، ۲) و (۱۷۷/۱۴)</p> <p>.^{۱۵۲۵} متراك (المتراك): (۵۶) (۹، ۵) (۴۳۴/۱۲)</p> <p>.^{۱۵۲۶} مترس (شجار): (۵) (۳، ۳) (۲۸۲/۱۰)</p> <p>.^{۱۵۲۷} میجوس (مجس): (۵۲) (۹، ۹) (۴۹۵/۱۶)</p> <p>.^{۱۵۲۸} محرد (محرد): (۵) (۳، ۳) (۲۴۱/۴)</p> <p>.^{۱۵۲۹} محمر (محمر): (۳۱) (۴، ۴) (۶۳۸/۲)</p> <p>.^{۱۵۳۰} محتم (المختم): (۴) (۴، ۴) (۳۶۹/۱)</p> <p>.^{۱۵۳۱} مخرق (مخرق): (۱۹) (۱۰، ۱۰) (۱۴۳)</p> <p>.^{۱۵۳۲} مذيل - نرم آهن (المذيل): (۳۳) (۵، ۵) (۷۶/۱۰)</p> <p>.^{۱۵۳۳} مرتك - مردانگ (المرتج): (۸) (۱، ۱) (۳۳۰/۲۷)</p> <p>.^{۱۵۳۴} مرج (المرج): (۵۶) (۷، ۷) (۵۷۵)</p> <p>.^{۱۵۳۵} مرجان (المرجان): (۱۱) (۱۰، ۱۰) (۱۴۴)</p> <p>.^{۱۵۳۶} مرز (مرز - الحباس): (۷) (۵، ۵) (۴۴/۹)</p> <p>.^{۱۵۳۷} مرزبان (المرزبان): (۷) (۷، ۷) (۵۸۸)</p> <p>.^{۱۵۳۸} مرزنجوش (مرزنجوش): (۳۰) (۵، ۵) (۶۰۱/۷)</p> <p>.^{۱۵۳۹} مرگ (المرک): (۵۶) (۱۰، ۱۰) (۱۴۵)</p> <p>.^{۱۵۴۰} مرو (العرو): (۴) (۱۰، ۱۰) (۱۴۵)</p> <p>.^{۱۵۴۱} مزه (المزج): (۲۶) (۱۰، ۱۰) (۱۴۵)</p> <p>.^{۱۵۴۲} مزیدن (مز): (۲۶) (۱۰، ۱۰) (۱۴۵)</p> <p>.^{۱۵۴۳} مس (النحاس): (۳۳) (۷، ۷) (۵۹۵)</p> <p>.^{۱۵۴۴} مسمار (الدسار): (۸) (۱۰، ۱۰) (۶۴)</p> <p>.^{۱۵۴۵} مشان (الموشان): (۳۲) (۱۰، ۱۰) (۱۴۶)</p> <p>.^{۱۵۴۶} مشت (المشت): (۴۲) (۱۰، ۱۰) (۱۴۶)</p> |
|--|--|

بررسی نوع و اموازه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۳۵ دو فصلنامه مطالعات فلسفی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پیاپی و زمستان ۱۳۹۷

- .^{۱۵۹۴} ناهید (نهذ- آناهید): (۴۳) (۴۹۲/۹، ۹) (۷)
- .^{۱۵۹۵} ناورد (الناورد): (۱۴) (۱۰) (۱۲، ۱۰) (۳۶)
- .^{۱۵۹۶} ناوه (الناوق): (۴) (۱۰) (۱۵۵، ۱، ۱۰) (۱۵۹۷)
- .^{۱۵۹۷} نیر (النیر): (۱۳) (۲۶۵/۱۰، ۵) (۸) (۱۸۸/۵)
- .^{۱۵۹۸} نیریده (نیرج): (۳۱) (۳۱) (۲۳۰/۶، ۹) (۱۰)
- .^{۱۵۹۹} نبهره (نبهرج): (۵۱) (۵۰، ۷) (۱۰) (۱۵۰)
- .^{۱۶۰۰} نبیه (النبية): (۴) (۴) (۱۱۹/۴۰، ۹, ۹)
- .^{۱۶۰۱} نجل (النجل): (۵۶) (۱۰) (۱۵۰)
- .^{۱۶۰۲} نحام (تحام): (۳۱) (۸) (۵۶۸/۱۲، ۸)
- .^{۱۶۰۳} نخ (النخ): (۴) (۸) (۵۹/۳، ۹) (۵) (۳۵۳/۷)
- .^{۱۶۰۴} نخوار (النخوار): (۱) (۱) (۱۵۱، ۱، ۱۰)
- .^{۱۶۰۵} نرخ (النرق): (۵۰) (۱۰) (۱۵۲)
- .^{۱۶۰۶} نرد (النرد): (۲۳) (۲۲) (۵) (۲۱۹/۹، ۹)
- .^{۱۶۰۷} نرسی (النرس): (۵۵) (۷) (۶۰۷، ۷)
- .^{۱۶۰۸} نرگس (نرجس): (۳۷) (۲) (۷۱۱/۲، ۷) (۶۰۶، ۷)
- .^{۱۶۰۹} نرم (نرم- نرمق- الدرمق): (۱۳) (۱)
- .^{۱۶۱۰} نرم آهن (ذلم): (۳۳) (۷) (۷۰۱/۲، ۲)
- .^{۱۶۱۱} نرمک (النمرق والنمرقة): (۴) (۱۰) (۱۵۴)
- .^{۱۶۱۲} نز (النز): (۵۶) (۵) (۱۰/۹، ۹) (۸) (۳۵۱/۱۵)
- .^{۱۶۱۳} نزه (البز): (۴۵) (۱۰) (۱۵۲)
- .^{۱۶۱۴} نزار (التجار والنخر): (۵۶) (۱۰) (۱۵۰)
- .^{۱۶۱۵} نسترن (النستر والنسترن): (۳۷) (۹)
- .^{۱۶۱۶} نستق (النستق): (۴۸) (۷) (۶۲۴)
- .^{۱۶۱۷} نشادر (النشادر): (۳۸) (۱۰) (۱۵۳)
- .^{۱۶۱۸} نشاسته (الشتأ): (۵) (۱۲۴/۸) (۴)
- .^{۱۶۱۹} نشان بان (التبیب): (۱۶) (۱۰) (۱۵۲، ۱۵۳، ۱۰)
- .^{۱۵۷۰} موزه (الموق): (۲) (۲) (۱۳۲۶/۳، ۴) (۱)
- .^{۱۵۷۱} موزه (مزج): (۲۴) (۸) (۴۰۸/۲۶، ۹) (۳۰۶/۷)
- .^{۱۵۷۲} موش (موس): (۳۱) (۹) (۵۲۷/۱۶، ۹)
- .^{۱۵۷۳} موش خوار (عقاب ملاع): (۳۱) (۳) (۲۵۹/۲، ۳)
- .^{۱۵۷۴} مووم (الموم): (۴۴) (۱) (۴۲۲/۸، ۵)
- .^{۱۵۷۵} مویزک (المیویزج): (۳۰) (۱۰) (۱۴۹)
- .^{۱۵۷۶} میبه (المیبة): (۴۱) (۱) (۴۱۱/۸، ۱, ۵) (۵۵۷/۱۰)
- .^{۱۵۷۷} می پخته (المیبختج): (۱۲) (۱۰) (۱۴۸، ۱۰)
- .^{۱۵۷۸} میخانه- ماخور (ماخور): (۲۴) (۷) (۵۰)
- .^{۱۵۷۹} میدان (المیدان): (۱۲) (۷) (۵۸۱، ۷)
- .^{۱۵۸۰} میدان (المیدان): (۵) (۱۰) (۱۴۸)
- .^{۱۵۸۱} میده (المائدة): (۹) (۱۰) (۱۴۸)
- .^{۱۵۸۲} میزاب (المیزاب): (۵) (۹) (۳۴۱/۴، ۹) (۳۴۲-۳۴۱/۴)
- .^{۱۵۸۳} میسوسن (المیسوسن): (۱۲) (۱۰) (۱۴۹)
- .^{۱۵۸۴} میش (ماعز): (۳۱) (۹) (۳۹۴/۱۷، ۹)
- .^{۱۵۸۵} میگون (المیسون): (۳۵) (۱۰) (۱۴۶، ۱۰)
- .^{۱۵۸۶} مینا (المیناء): (۳۳) (۷) (۵۰) (۱۴۹، ۱۰)
- .^{۱۵۸۷} ناخدا (الناخداة): (۷) (۱۰) (۱۵۰)
- .^{۱۵۸۸} نار مشک (النارمسک): (۱۰) (۱۰) (۱۵۲)
- .^{۱۵۸۹} نارگیل (النارجیل): (۳۶) (۱۰) (۱۵۱، ۱۰)
- .^{۱۵۹۰} نارنگ (نارنچ): (۳۶) (۱۰) (۱۵۲، ۱۰)
- .^{۱۵۹۱} نارون - دردار (الدردار): (۳۲) (۱۰) (۶۱)
- .^{۱۵۹۲} نافه (نافجه المیسک): (۱۰) (۷) (۶۲۱، ۷) (۱۰)
- .^{۱۵۹۳} نانخواه (النانخة): (۳۰) (۱۰) (۱۵۵)

-
- . ۱۶۴۷ نیکده (نکد): (۵۶) (۲۳۸/۹، ۹) (۲۴۰/۶، ۹) (۳۷۷ / ۲، ۸)
- . ۱۶۴۸ نیکریش (النکریش): (۱) (۱۰، ۱) (۱۵۴) (۱۰۵)
- . ۱۶۴۹ نیل (النیل): (۳۵) (۱۰) (۱۵۵)
- . ۱۶۵۰ نیلوفر (النیلوفر): (۳۷) (۱۰) (۱۵۶)
- . ۱۶۵۱ نیمیرشت (النمیرشت): (۶) (۱۰، ۱) (۱۵۶)
- . ۱۶۵۲ نیمه (النیم): (۱۳) (۱۰، ۵) (۵۲۷/۱۰، ۳)
- . ۱۶۵۳ هاله (الهاله): (۴۳) (۱۰) (۱۵۸)
- . ۱۶۵۴ هاون (هاون): (۴) (۵، ۵) (۴۲۹/۴، ۹) (۴۲۹/۳۶، ۹)
- . ۱۶۵۵ هاون (هاون): (۴) (۱۰) (۶۳۱) (۱۰، ۱) (۱۵۹)
- . ۱۶۵۶ هینک (الہینق): (۱) (۱۰، ۱) (۱۵۶)
- . ۱۶۵۷ هجل (ہجل): (۱۸) (۹، ۹) (۱۱۶/۳۱)
- . ۱۶۵۸ هرات (هراء): (۵۵) (۷، ۷) (۶۳۳)
- . ۱۶۵۹ هربد (الهربد): (۵۲) (۹، ۹) (۵۰۰/۹، ۸) (۸/۳)
- . ۱۶۶۰ هرد (الهرد): (۳۵) (۷، ۷) (۱۵۷، ۱۰)
- . ۱۶۶۱ هرطمان (الهرطمان): (۳۰) (۱۰، ۱۰) (۱۵۷)
- . ۱۶۶۲ هرق (المُهْرَق): (۲) (۱۰، ۱) (۱۴۸)
- . ۱۶۶۳ هرق (المُهْرَق): (۲) (۱۰، ۱) (۱۴۸)
- . ۱۶۶۴ هرک (الهرج): (۱) (۱۰، ۱) (۱۵۷)
- . ۱۶۶۵ هرمز (الہرمز): (۵۵) (۷، ۷) (۹۳) (۶۳۰)
- . ۱۶۶۶ هرنوہ (القرنوہ): (۳۰) (۱۰، ۱۰) (۱۲۵)
- . ۱۶۶۷ هزار (هزار): (۳۴) (۹، ۹) (۴۳۲/۱۴، ۷) (۵)
- . ۱۶۶۸ هزار جشان (الهزار جشن): (۳۰) (۸، ۸) (۱۰)
- . ۱۶۶۹ هزنبیر (الہزنبیر): (۱) (۱۰، ۱) (۱۵۷)
- . ۱۶۷۰ هفته (الهفتہ): (۲۷) (۵، ۵) (۴۵۸/۴، ۹)
- . ۱۶۷۱ هلاحل (الهلحل): (۴۱) (۱۰، ۱) (۱۵۷)
- . ۱۶۷۲ هلباجه (الهلباجة): (۶) (۱۰، ۱۰) (۱۵۷)
- . ۱۶۷۳ هلیلیح (أهليلیح): (۴۱) (۱۰، ۱۰) (۱۵۷) (۳۶)
- . ۱۶۷۴ نشج (نشج): (۳) (۹، ۹) (۲۴۰/۶، ۹) (۳۷۷ / ۲، ۸)
- . ۱۶۷۵ نشخوار (المشوار): (۵۶) (۹، ۹) (۲۱۹/۱۴، ۴)
- . ۱۶۷۶ نشخوار (نشر): (۵۶) (۹، ۹) (۲۰۶/۵، ۸) (۱۵۳، ۱۰)
- . ۱۶۷۷ نشوان (الشوان): (۵۶) (۹، ۹) (۲۰۶/۵، ۸) (۱۵۳، ۱۰)
- . ۱۶۷۸ نشوہ (النشوة): (۵۶) (۹، ۹) (۱۵۳)
- . ۱۶۷۹ نعناع (العناع): (۳۰) (۹، ۹) (۱۵۴)
- . ۱۶۸۰ نقض (نفض): (۵۶) (۹، ۹) (۴۶/۷، ۸) (۸، ۸) (۲۴۰)
- . ۱۶۸۱ نفیر (النفیر): (۴۷) (۹، ۹) (۱۵۴)
- . ۱۶۸۲ نقاد دانا (سقطار): (۱) (۷، ۷) (۳۸۸/۵، ۴)
- . ۱۶۸۳ نقل - وسمه (عظم): (۱۰) (۴، ۴) (۱۹۸۸/۵، ۴)
- . ۱۶۸۴ نکران (النکر): (۵۶) (۹، ۹) (۱۵۴)
- . ۱۶۸۵ نگونسار (نکس): (۳) (۹، ۹) (۱۵۴، ۱۰)
- . ۱۶۸۶ نلک (النلک): (۳۲) (۹، ۹) (۱۵۴، ۱۰)
- . ۱۶۸۷ نمتك (النمت): (۳۶) (۹، ۹) (۱۵۴، ۱۰)
- . ۱۶۸۸ نوش (نَشَّ): (۵۶) (۹، ۹) (۱۵۴، ۱۰)
- . ۱۶۸۹ نمچ (النمچ): (۴۹) (۷، ۷) (۱۵۵، ۱۰)
- . ۱۶۹۰ نمونه (النموذج والأنموذج): (۵۶) (۷، ۷) (۵۰)
- . ۱۶۹۱ نهروان (النهروان): (۵۵) (۷، ۷) (۶۱۵)
- . ۱۶۹۲ نورده (النوردة): (۵۶) (۹، ۹) (۱۵۵، ۱۰)
- . ۱۶۹۳ نوروز (نوروز): (۲۲) (۹، ۹) (۳۴۹/۱۵، ۹)
- . ۱۶۹۴ نوش (نوش): (۳) (۹، ۹) (۴۳۲/۱۷، ۹)
- . ۱۶۹۵ نی (النای): (۵۴) (۹، ۹) (۱۵۶)
- . ۱۶۹۶ نیر (النیر): (۱۵) (۹، ۹) (۳۲۵/۱۴، ۹)
- . ۱۶۹۷ نیرنگ (النیرنچ): (۵۶) (۷، ۷) (۱۵۵، ۱۰)
- . ۱۶۹۸ نیزک (نِزک): (۴۷) (۸، ۸) (۴۹۷/۱۰، ۹) (۹، ۹) (۱۵۲، ۱۰)
- . ۱۶۹۹ نیزک: النیزک: (۴۷) (۴، ۴) (۱۶۱۴/۴، ۴)
- . ۱۷۰۰ نیفه (نفق): (۲) (۹، ۹) (۴۴۶ - ۴۳۴/۲۶، ۲)
- . ۱۷۰۱ نیفه (نفق): (۲) (۹، ۹) (۴۴۸/۶، ۸) (۱۰) (۳۶۴/۱۰، ۸)
- . ۱۷۰۲ نیفه (نفق): (۲) (۹، ۹) (۴۴۸/۶، ۸) (۱۰) (۳۶۴/۱۰، ۸)

بررسی نوع و امواژه‌های معرب شده به عنوان سند غنای فرهنگی ایرانیان

۱۳۷



دو فصلنامه مطالعات نظریه ای فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پیاپی و زمستان ۱۳۹۷

- .^{۱۶۹۲} ون (لون): (۱۰) (۲)، (۱۷۲/۱، ۷) (۶۲۶-۵۱، ۷)
- .^{۱۶۹۳} ون- ونج (لونج): (۵۴) (۵) (۴۹۸/۱، ۲)، (۹) (۶۲۵، ۷) (۲۶۵/۶، ۵) (۵۶۱/۷، ۸) (۴۰۱/۲، ۸)
- .^{۱۶۹۴} ونه (لونج): (۵۰) (۵) (۶۲۵، ۷)، (۶۲۵/۷، ۷)
- .^{۱۶۹۵} ياره (يأرج - اليارق): (۱۱) (۴)، (۲) (۶۰۸) (۴۰۲/۲، ۸) (۲۹۱/۶، ۹) (۱۲۵/۱۱، ۳)
- .^{۱۶۹۶} ياسمين (ياسمین - يسم): (۳۷) (۲) (۱۶۰، ۱۰) (۱۲۲۲/۲، ۸) (۶۴۵/۱۲، ۸) (۵۱) (۷)، (۷) (۲۰۸/۲۳، ۹)
- .^{۱۶۹۷} يخدان (يخدسان): (۴) (۴) (۱۶۰، ۱۰) (۱۰)
- .^{۱۶۹۸} يرنا (يرنگ): (۱۰) (۱۰)، (۱۰) (۱۶۰، ۱۰)
- .^{۱۶۹۹} يزك (يزك): (۴۷) (۱۰)، (۱۰) (۱۶۰)
- .^{۱۷۰۰} يسر (يسير): (۵۷) (۹)، (۹) (۴۶۹/۱۴، ۹)
- .^{۱۷۰۱} يشم (يشب): (۱۱) (۱۰)، (۱۰) (۱۶۰)
- .^{۱۷۰۲} يقت (ياقت): (۱۱) (۹)، (۹) (۱۵۰/۵، ۸)
- .^{۱۷۰۳} يك (يك): (۴۶) (۹)، (۹) (۴۱۱/۲۷، ۹)
- .^{۱۷۰۴} يلمک (يلمك): (۲) (۴)، (۴) (۱۵۵۷/۴، ۵)
- .^{۱۷۰۵} يهود (هاد): (۵۲) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۸)
- .^{۱۶۷۲} هليون (الهليون): (۳۰) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۷)
- .^{۱۶۷۳} همايون (همايون): (۳۴) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۸)
- .^{۱۶۷۴} هملج (الهمج - هملاج): (۳۴) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۷)
- .^{۱۶۷۵} همى (ھەميان): (۵۱) (۲)، (۲) (۹۹۵/۲، ۵)
- .^{۱۶۷۶} هتق (الهتق): (۳) (۱۵)، (۸) (۳۸۹/۴، ۴)
- .^{۱۶۷۷} هنو (ھەنۇ): (۴۸) (۹)، (۹) (۳۱۴/۴۰، ۹)
- .^{۱۶۷۸} هوم (ھوم): (۵۲) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۸)
- .^{۱۶۷۹} هيرون (الهيرون): (۲) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۹)
- .^{۱۶۸۰} هيـس (ھەيس): (۴۵) (۴۵) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۹)
- .^{۱۶۸۱} هيـشـر - كـنـگـرـبـرـى (الهيـشـر): (۳۰) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۷)
- .^{۱۶۸۲} وبر (الوـبرـ): (۲۱) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۹)
- .^{۱۶۸۳} وجـجـ (الوـجـ): (۸) (۱۰)، (۸) (۳۹۷/۲، ۸) (۲۵۴/۶، ۹)
- .^{۱۶۸۴} وجـجـ (الوـجـ): (۴۱) (۸) (۴۱)، (۹) (۳۹۷/۲، ۸) (۲۵۴/۶، ۹)
- .^{۱۶۸۵} ورد (ورد): (۳۷) (۷)، (۷) (۶۲۶)
- .^{۱۶۸۶} ورل (الوـرـلـ): (۳۱) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۹)
- .^{۱۶۸۷} وزوز (الوـزـوـزـ): (۴۸) (۳)، (۳) (۱۹۵/۱۳)
- .^{۱۶۸۸} وزوز (وزـزـ): (۴۵) (۹)، (۹) (۳۷۲/۱۵)
- .^{۱۶۸۹} وصره (وصـرـ): (۴۸) (۹)، (۹) (۳۶۳/۱۴)
- .^{۱۶۹۰} وقت (الوقـتـ): (۲۷) (۱۰)، (۱۰) (۱۵۹)
- .^{۱۶۹۱} وـحـ (وـحـ): (۸) (۸)، (۸) (۴۰۸/۸، ۸) (۱۳۰۳/۳، ۴)، (۴) (۳۷۱/۲۲، ۹)